

وظایف مؤمنین
وظایف مؤمنین در قرآن کریم

مؤمن باید...

وظائف مؤمنين



درمواقع سختی ناراحت وسست نشوید!

1-ای مؤمنین! از سختیها ناراحت نشوید وسست نگردید.

ولاتهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان كنتم مؤمنين | آل عمران 139 {

اگر در جنگ صدمه دیدید مثلاً مجرم واسیر وشهید داشتید یا قسمتی از سرزمینتان بدست دشمن افتاد، ناراحت نشوید

زیرا اگر شما مؤمن هستید مقامتان در هر حال بالاتر وعالیتر است زیرا شما برحق هستید ومجاهدت شما برای

خداوند سبحان بوده وعاقبت کار هم با متقین است. وپایان کار شما سعادت وبهشت رضوان است

((و بشر الصابرين الذين اذا اصابتهم مصيبة قالو : انالله و انا اليه راجعون اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمه و

اولئك هم المهتدون)) بقره 15

بشارت بده صابران را آنانکه هرگاه مصیبتی می بینند می گویند انالله وانا اليه راجعون ایشان که خداوند بر آنها

صلوات و رحمه می فرستد و اینها هستند هدایت شده گان.

پیامبر فرمود:

((الایمان نصفان نصف صبر و نصف شكر))

ایمان دو نیمه دارد نیمی صبر و نیمی شكر است.

انسان در دوران زندگی محدود خود با دشواریها وسختیها وموانع فراوانی بر خورد می کند که صب یعنی در برابر

همه این موانع مقاومت ورزیدن و با اراده وعزمی استوار از آنها گذشتن.

صبر توصیه همه پیامبران و رهبران حقیقت است به جانشینان.

امام پنجم(ع) می فرماید: زمانیکه لحظه وفات پدرم فرا رسید مرا به سینه خود چسبانیده فرمود:

وصیت می کنم به تو به آنچه که پدرم در حین وفاتش به من وصیت کرد و او رهم به آنچه پدرش حسین وصیت

کرد که ای فرزند صبر بر حق کن اگر چه تلخ باشد.

شاعر می گوید:

(سأصبر حبی يعلم الصبب اننی صبرت علی شئی امر من الصبر)

آنچنان صبر می کنم تا صب بداند که من صبر نمودم بر چیزیکه از صب تلخ تر بوده است.

داستانی از اصمعی :

اصمعی که مرد متمکن و وزیر مأمون بود نقل می کند:

وظایف مؤمنین

روزی به شکار رفتم در بیابان بی آب و علفی گم شدم. تشنگی مرا از پای در آورده بود. خیمه ای در وسط بیابان دیدم. به طرف آن رفتم دیدم یک زن جوان در خیمه نشسته. به او سلام کردم و از او تقاضای آب کردم رنگش پرید و سپس گفت در خیمه آب هست و لی اجازه ندارم از آن به تو بدهم ولیمقداری شیر برای ناهار دارم این را به تو می دهم شیر را به من داد طولی نکشید که سیاهی از دور پیدا شد. این زن تا متوجه آن سیاهی شد ظرف آب را برداشت و بیرون از خیمه منتظر ماند. دیدم پیرمرد سیاه و لنگی که شوهر این زن بود با شترش آمد.

زن به استقبال شوهر خود رفته بود اورا نشانده و پاهایش را شست و بسیار احترامش کرد ولی هر چه زن محبت و خوش اخلاقی میکرد مرد بدخلقی می نمود و هر چه خستگی داشت سر آن زن تافی می کرد. هر چه زن با ملاطفت برخورد می کرد شوهرش تند و خشن با او سخن می گفت این منظره عجیب را نتوانستم تحمل کنم و حاضر شدم از سایه خیمه به زیر آفتاب سوزان بروم اما صحنه برخورد این زن و شوهر را نبینم از خیمه بیرون رفتم مرد به من اعتنا نکرد ولی زنش جهت احترام مرا مشایعت کرد وقتی این احترام را از زن جوان دیدم به او گفتم حیف از جوانی و جمالت نیست جوانی و جمال و اخلاق خود را در ازای چه چیز در اختیار این مرد گذاشته ای؟ او نه جوان است و نه با جمال و نه ثروتی دارد پس چرا اینقدر در مقابل او تواضع می کنی و به او احترام می گذاری.

زن با شنیدن این حرف سخت بر آشفت و گفت افسوس بر تو که با این که وزیر مملکت اسلامی هستی با این سخنان پوچ می خواهی محبت همسرم را از دلم بزدائی چرا سخن چینی می کنی؟ اصمعی می گوید: من که از این سخنان متحیر شده بودم با نصیحت او روبرو شدم که می گفت: روایت از پیامبر اکرم شنیده ام و می خواهم به این روایت عمل کنم تا با ایمان کامل از دنیا بروم. حضرت در آن روایت این چنین فرمود:

(ایمان نصف الشکر و نصف الصبر)

سپس افزود دنیا چه خوب و چه بد چه تلخ و چه شیرین می گذرد. ولی مهم این است که انسان با ایمان از دنیا برود. دنیا پل رسیدن به آخرت است و سرائی که همیشه باقی و محل قرار است آخرت است. اینجا جای مردن و رفتن است و آنجا محل قرار و ثبات و جاودانگی است.

شاعر می گوید:

صبر بهتر مرد را از هر چه هست

تا تواند بر در شادی نشست

گوشمال نفس تو صبر ست و بس

جوهر عقلست صبرای بوالهوس

پیامبر(ص) از قول خداوند فرمود: اگر به بنده ای از بندگانم مصیبتی در بدنش یا مالش یا فرزندش تقدیر نمودم و او هم با صبر جمیل از این مصیبت استقبال نمود حیا می کنم روز قیامت اینکه نصب کنم برای او میزانی و یا دیوان حسب و کتابی را برای او باز نمایم.

معصوم(ع) فرمود: صبر نسبت به ایمان مثل سرنسبت به بدن است.

فقط برخداوند توکل کنید

2- ای مؤمنین! باید توکلتان فقط بر خداوند سبحان باشد.

وعلی الله فلیتوکل المؤمنون {آل عمران 160}

توکل برخدا یعنی مایوس بودن از مخلوق و فقط به خدا امیدداشتن و از او ترسیدن و به او طمع داشتن. توکل سه پایه دارد. یقین کنیم که خدا بر هر چیزی قادر است. یقین کنیم که خدا از هر چیزی مطلع است. یقین کنیم که خدا بندگانش را دوست دارد.

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود:

((ان سرک ان تکون اقوی الناس فتوکل علی الله))

اگر می خواهی قوی ترین مردم باشی پس به خدا توکل کن.

به حضرت موسی(ع) ندا رسید که نمک طعامت را از من بخواه یعنی باید بدانی که به امید خدا دنبال نمک بروی که اگر تمام دنیا پر از نمک باشد و خدا نخواهد بدست تو نخواهد رسید.

یک داستان شیرین:

یکی از حکام بسفر شکار رفته بود در وسط روز سفره ناهار را پهن کرده و مرغ بریانی را درنزد او می گذارند تا می خواهد بخورد ناگهان شاهینی از بالا مستقیماً می آید و در چشم بهم زدن مرغ را بلند می کند و می برد. حاکم متغیر می شود و دستور می دهد همه سوار شده و شاهین را تعقیب کنند و بعد از مدتی شاهین فرود می آید و متوجه می شود مرغ را در دهان مردی که دستها و پاهایش بسته است می گذارد وقتی احوال مرد را می پرسند می گوید یکی از تجار بودم راهزنان مرا لخت کردند و دستها

و پاهای مرا بستند و این شاهین پیدا شد و برای من نان و آب آورد حاکم با شنیدن این مطلب دچار تنبه شده و از حکومت دست کشیده از زهاد شد.

گریه شعیب پیامبر از خوف خدا:

در علل الشرایع از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت کرده شعیب پیامبر آنقدر از حب خدا گریست که دیدگانش نابینا شد خدای متعال چشمان او را بدو مرحمت کرد. مجدداً آنقدر گریست تا از چشم محروم گردید باز خدا دیدگانش را عنایت فرمود بار دیگر آنقدر گریه کرد که از نعمت چشم بازماند خدای منان نعمت گرانمایه چشم را بدو ارزانی فرمود. چون بار چهارمین شد خدای مهربان بدو خطاب کرد تاکی بدینکار می پردازی و می گریی اگر از آتش خائفی تو را از شکنجه در امان دارم و اگر مشتاق بهشتی نعمتهای آنرا به تو ارزانی فرمودم. عرضکرد سید و آقای من می دانی که از ترس آتش نمی نالم و از اشتیاق به بهشت نمی گریم. لیکن عقده محبت قلب مرا ربوده و صبر و طاقتم را برده شکیبائی ندارم مگر بوصال تو نائل آیم. خدای متعال بدو خطاب کرد اکنون که برای وصال می گریی موسی بن عمران کلیم خود را به خدمت تو برمی انگیزم.

ابراهیم در آتش

وقتی حضرت ابراهیم ع را در آتش انداختند گفت: حسبنا الله ونعم الوکیل

لذا امام صادق ع فرمود تعجب می کنم از کسی که دچار خوف و ترس می شود چرا متوسل به این جمله ، حسبنا الله ونعم الوکیل، نمی شود

فلاتخافوهم وخافون ان کنتم مؤمنین {آل عمران 175}

یعنی از دشمنان نترسید و فقط از من بترسید اگر براستی مؤمن هستید!

روایتی است که :

((ان الله يحب الشجاع))

خداوند آدم شجاع را دوست دارد.

گفته اند یکی از مبارزان عرب پیر شده بود و با وجود ضعف پیری قوت دل داشت روزی می خواست که سوار شود دو نفر بازوی او گرفتند تا سوار شد. بی ادبی طعنه زد که از این شخص چه کار می آید در حالیکه دو نفر باید او را سوار کنند پس شجاعت او چه خواهد شد. آن پیر مرد سخن او را شنیده و گفت آری دو نفر باید که او را سوار کنند اما هزار نفر باید او را پائین آورند.

مسجد مهمان کش

سید جمال الدین اسدآبادی در یک از نوشته هایش مثلی می آورد و می گوید:

وظایف مؤمنین

«مسجدی بود که هر کس شب را در آن مسجد به روز می آورد، می مرد و صبحگاهان جنازه اش را بیرون می آوردند، مردی که در اثر فشار زندگی تصمیم به خود کشی گرفته بود، به سوی مسجد روان شد تا شب را در آن جا به سر برد و تصمیم خود را جامه عمل بپوشاند، هنگامی که در آن جا دراز کشیده بود و با کنجکاوی فراوان، مترصد بود که ببیند چه می شود و چگونه اسباب مرگ فراهم می گردد، ناگهان صدای عظیمی را شنید که از ستون مسجد برخاست و پس از اندی، صدای عظیم تری برخاست و پی در پی صداها عظیم تر و رعب آورتر می شد، او پنداشت که این صداها رعد آسا، مقدمه برای آمدن قاتل و یا افتادن چیزی است که مرگ به وسیله آن محقق می شود، بانگ زد که من آمدم در این جا بمیرم، به این صداها احتیاج نیست، کار خود را انجام دهید که صدایی عظیم تر و رعب آورتر برخاست، او خنده ای کرد و سخن خود را تکرار نمود و گفت: این چیزها در من تاثیری ندارد، کار خود را انجام دهید، باز هم صدای عظیم و رعد آسایی برخاست که در و دیوار را به لرزه در آورد، او همچنان نشسته و منتظر بود که سر انجام چه می شود که ناگهان ستون مسجد شکافی خورد و مقداری خاک از آن بر زمین ریخت و دیگر تا صبح صدایی شنیده نشد و آن مرد، زنده از مسجد بیرون آمد و معلوم شد که در آن ستون، طلسمی بوده که شکننده آن، کسی بوده که مرعوب آن صداها نشود و در برابر آن توپ های تو خالی، پایداری کند دیگران با شنیدن آن صداها مرعوب شده و از میدان به در می رفتند و جان می دادند، ولی این مرد، چون از جان گذشته بود، مرعوب نشد و پوچ بودن آن ها را به چشم دید.»

اموال دیگران را بناحق تصرف نکنید

3- ای مؤمنین! نباید اموال دیگران را از روی ناحق تصرف کرده و استفاده کنید. بلکه باید معاملاتتان بر مبنای

معاملات اسلامی باشد

یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً {نساء 29}

مسئله نان حلال در آوردن از مسائل مهم زندگی هر سرپرست خانواده ای است. و عده زیادی از مردم در این مورد راه انحرافی رفته و از راههای خلاف پول در می آورند لذا سعادت مند نمی گردند.

امام صادق ع به مصادف فرمود: ای مصادف! نان حلال در آوردن از شمشیر زدن در راه خدا سخت تر است. و در سخن دیگر فرمود:

وظایف مؤمنین

«دزدها سه دسته‌اند. اول کسیکه زکات نمی‌دهد. دوم کسیکه مهرزنش را نمی‌پردازد. سوم کسیکه قرض کرده ولی قرضش را نمی‌پردازد.»

معاملات انسان و درآمد انسان باید از راه حلال باشد تا زندگی انسان از گرفتاری‌ها و اثرات زیانبار درآمد حرام مصون بماند.

در رساله امام ره مسئله 2055 آمده است:

در چند مورد معامله باطل است: اول: خرید و فروش عین نجس، مثل بول و غائط و مسکرات، بنابر اقوی در بعضی و بنابر احتیاط واجب در بعضی. دوم: خرید و فروش مال غصبی، مگر آنکه صاحبش معامله را اجازه کند. سوم: خرید و فروش چیزهایی که مال نیست. چهارم: معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مثل آلات قمار و موسیقی. پنجم: معامله‌ای که در آن ربا باشد. و حرام است غش در معامله، یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است، و این عمل را غش می‌گویند. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمودند: از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا به آنان ضرر بزند یا قلب و حیلۀ نماید، و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می‌برد و راه معاش او را می‌بندد و او را به خودش واگذار می‌کند.

در روایتی امام صادق ع فرمود: یکی از مصادیق آیه مذکور {اکل مال به باطل} این است که انسان بدهکار بوده و می‌تواند بدهی خود را بدهد ولی نمی‌دهد و در راه مصارف خود صرف می‌کند.

اقتصاد ناسالم

اقتصاد آلوده مثل رواج رشوه خواری، رانت خواری، پولشویی، تقلب، کلاهبرداری، اختلاس و غیره باعث ظلم به عده‌ای از مردم شده و عدالت اجتماعی را بخطر می‌اندازد. لذا در آیه شریفه مسلمانان را از این آلودگیها بر حذر می‌دارد.

داستان سید محمد باقر شفتی با ملک پیرزن

گفته‌اند که زنی خدمت سید شفتی رسید و عرض کرد: کدخدای فلان ده، ملک کوچک مرا غصب کرده است. کدخدا را حاضر کردند او منکر شد و چهارده حکم از چهارده قاضی اصفهان گرفته مبنی بر این که او مالک آن زمین است نه آن زن.

وظایف مؤمنین

مرحوم شفتی آن احکام را گرفت و پس از مطالعه، مقابل خود گذاشت و به آن زن فرمود: کدخدا مرد درستی است و سخن او طبق قانون است، آن زن شروع به الحاح و آه واله نمود و ید به شکایت دیگران مشغول شد. در بین شکایت دیگران از کدخدا پرسید: ای کدخدا! آیا این ملک را خریده ای؟

گفت: نه، مگر در مالکیت خریدن لازم است؟

سید گفت: نه! لازم نیست و باز مشغول رسیدگی به شکایت دیگران شد و در اثنا از کدخدا پرسید: آیا این ملک از بابت ارث به تو رسیده است؟

کدخدا گفت: نه! مگر در مالکیت لازم است که آن مال از ارث به وارثین منتقل شده باشد؟

سید فرمود: نه، من هم املاکی دارم که از راه ارث به من منتقل نشده است. باز مشغول رسیدگی به شکایات شد. در آن بین فرمود: آیا این ملک از بابت مصالحه یا وصیت به شما رسیده است؟

گفت: نه، مگر در مالکیت این گونه انتقال لازم است؟

سید فرمود: نه. خلاصه در اثنای شکایات دیگران یک یک راههای مشروع رسیدن مال به انسان را ا کدخدا می پرسید و همه را کدخدا نفی می کرد.

سید فرمود: پس از چه راهی این ملک به تو رسیده است؟

کدخدا گفت: راهی نمی خواهد بلکه از آسمان سوراخی باز شد و به گردن من افتاد.

سید گفت: چرا از آسمان برای من ملک نمی افتد؟ برو و ملک کوچک این زن را برگردان که تو غاصب هستی! سپس سید آن چهارده حکم را پاره کرد و ملک را به زن برگرداند.

دنیا شمارا گول نزند

5- ای مؤمنین! زیاده طلب نباشد و چشمتان زیبائیهها و جلوه های فریبنده دنیا که خدا به بعضی داده نگیرد!

و لا تتمنوا ما فضل الله بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن واسئلو الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیما {نساء 32}

اسنان نباید چشمش را به نعمتها و زیورهای که بعضی ها دارند بدوزد و حسرت آنها را بخورد. وقتی از کنار خانه زیبائی رد شود بگوید چرا ما از این خانه ها نداریم! وقتی ماشین گرانقیمتی از کنارش رد شود بگوید چرا ما نداشته

وظایف مؤمنین

باشیم؟ و هنگامی به خانه کسی می رود و چشمش به وسایل زیبا و گرانبه‌ای می افتد حسرت بخورد و این انگیزه ای شود تا خدای نکرده در راه حرام بیفتد. یا زنان بگویند چرا ما مرد نشدیم! و امثال این حسرت خوردن ها نهی شده. بلکه باید همت کنیم و تلاش نمائیم تا زندگی با عزت و سالمی را داشته باشیم و بدانیم که دنیا برای ماندن نیست که حضرت امیر ع فرمود: بدنیا بیائید برای مردن! بسازید برای خراب شدن!

در روایت است که ام سلمه به پیامبر اعظم ص عرض کرد: چرا ما زنها از جهاد محرومیم؟ چرا نصف ارث می بریم؟ ای کاش ما هم مرد بودیم! ای کاش ما هم موقعیت اجتماعی داشتیم! آیه فوق نازل شد که برتری‌هایی که خدا طبق حکمت برای بعضی بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید زیرا هر کدام از این تفاوتها دارای اسراری است که بر شما پوشیده است چه تفاوت‌هایی که از نظر جسمانی با هم دارید و چه تفاوت‌های حقوقی مثل ارث و چه غیره که همه این تفاوتها بر پایه عدل الهی است.

آری در جهان هستی تفاوت میان انسانها بصورت فراوان وجود دارد. عده ای فقیر و عده ای غنی. عده ای زیبا و عده ای زشت. عده ای سفید و عده ای سیاه. عده ای سالم و عده ای ناقص و..

اما **اولا** خداوند اراده نکرده که عده ای ثروتمند باشند و عده ای فقیر. یا عده ای سالم باشند و عده ای فلج و ناقص. بلکه جهان، جهان علت و معلول است و اگر کسی درباره علت چیزی بررسی کند احتمال دارد آن را کشف کند مثلاً چرا فلانی پولدار است؟ یا چرا فلانی زشت است؟ و **ثانیا** خدا از هر کسی باندازه توانی که دارد تکلیف می خواهد. از آدم سالم باندازه آدم معیوب تکلیف نمی خواهد. از دم فقیر باندازه آدم ثروتمند تکلیف نمی خواهد. و..

و **ثالثا** جهان بر پایه عدالت الهی بنا شده لذا خدا سرسوزنی به کسی ظلم نمی کند اگر چه انسانها هم به یکدیگر و هم به خودشان ظلم می نمایند.

انسانهایی که دچار فقر و بیماری و گرفتاری های مختلف و کمبودهایی هستند باید به نعمتهایی که دارند توجه کنند و تلاششان را چند برابر کنند که در تاریخ افرادی بوده اند که نقص جسمانی داشته اند یا فقیر بوده اند ولی با تلاش و همت به درجات بالای اجتماعی رسیده اند.

ملاصالح مازندرانی

وظایف مؤمنین

در باره ابتدای طلبگی او آمده است که: آن قدر فقیر و نیازمند بود که اگر می خواست چیزی بنویسد، تهیه کاغذ برایش مقدور نبود و بر روی استخوان و چوب می نوشت! بخاطر کهنگی لباس، خجالت می کشید که بین شاگردان بنشیند و بیرون از کلاس در گوشه ای می نشست و صدای استاد را می شنید. او تحقیقات خود را بر روی برگ چنار می نوشت! و مردم و طلاب خیال می کردند که او برای گایی آمده است! روزی استاد او، ملا محمد تقی مجلسی در حل مسأله ای ماند و جواب معما را به روز بعد موکول کرد و روز دوم و سوم هم نتوانست آن را حل نماید. در این حین یکی از طلاب به چند برگ چنار ملا صالح برخورد و دید که جواب آن مسأله روی برگها نوشته شده است! آنها را نزد استاد برد. وقتی استاد فهمید که اینها مال ملا صالح است، دستور داد تا لباس نوی به او دادند و شهریه برایش مشخص کردند.

خود ملا صالح گفته است که: من در پیشگاه خداوند بر طلاب حجت هستم. زیرا احدی در فقر از من فقیرتر نبود، به طوری که زمانی به خاطر نداشتن پول برای تهیه چراغ، برای مطالعه از چراغ مستراح استفاده می کردم. در حافظه و استعداد، کسی از من فراموشکارتر نبود و هر موقع از خانه خارج می شدم، در موقع برگشت، خانه ام را گم می کردم و حتی نام بچه هایم را فراموش می نمودم و در سن سی سالگی شروع به یاد گرفتن الفبای فارسی نمودم. اما چون تلاش زیادی کردم، خدا هم بر من منت نهاد و توانستم تحصیل علم کنم و از جمله نعمتهایی که خدا به من داد همسری فاضله از خاندانی پاک و طیبه بود که به من عطا فرمود. {داستانهایی از زندگی علما جلد 1}

از حضرت باقر (ع) است که فرمود: بپرهیز از اینکه چشم بمافوق خود بگشائی . کافیت بدستوری که خدا به پیامبر (ص) داده است توجه کنی که در قرآن فرمود:

((و لا تعجبک اموالهم و لا اولادهم))

مال و فرزندان ایشان تو را بشگفت نیاورد.

و نیز فرموده است:

((لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجنا منهم زهره الحیوه الدنیا))

وظایف مؤمنین

دیدگان خود را به زر و زیور دنیائی که بمردم کافر داده ام مگشای. پس هرگاه یکی از این امور برای تو پیش آمد از زندگانی رسول خدا (ص) یاد کن که اگر دسترسی پیدا می کرد خوراکش نان جوئی بود و شیرینیش خرما و آتشگیره اش شاخه درخت خرما بود.

سعدی:

کور یار سالاری در افتاد از ستور آن شنید ستم که در صحرای
یا قناعت پر کند یا خاک گور گفت چشم تنگ دنیا دار را

ولنبلو نکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرين و نبلو اخبارکم {محمد 31}

حاج شیخ علی زاهد قمی

او در شداید و سختیها و گرفتاریها بسیار صبور و بردبار بود به حدی که اهل این زمان آن را بر نمی تابند و تحمل نمی کنند. فرزندش در نجف از دنیا رفت و او گریه وزاری نکرد. زمانی که از دفن او بر می گشت، خبر درگذشت فرزند دیگرش، شیخ شریف از ایران رسید پس او به سجده افتاد و شکر خدا را نمود و برای هر دو مجلس فاتحه گذاشت و بر این مصیبت و بلا خدا را سپاس می گذارد. زیرا اعتقادش آن بود که این، آزمایش بندگان و پاک شدن گناهان است. صبر و بردباریش در بیماری اخیر او - که منجر به وفاتش شد - به این اعتقادش به خوبی گواهی داد.

او به بیماری سختی در مجرای ادرارش دچار شد و پس از عملی نا کار آمد، برای او مجرای ادراری از خاصره اش ساختند و چند بار برای معالجه به ایران آمد اما درمان مفید و کار ساز نیافتاد. و در بستر بیماری خفت و مرضش نزدیک ده سال به درازا کشید. در این زمان علما و فضلا و دوستانش و سایر مؤمنین به دیدار او می رفتند ولی کسی از او در خلال این مدت طولانی، کلمه ای گلایه و شکایت و اظهار ناراحتی و دل تنگی مطلقا نشنید بلکه زبانش همواره به حمد و شکر الهی و رضایت به قضای خداوندی گویا بود تا آنکه به سرای باقی شتافت.»

مبارزه شما فقط در راه خدا باشد

6- ای مؤمنین! همیشه در راه خداوند سبحان بجنگید و در راه او مجاهدت نمائید. اگر چه دشمنان شما در راه طاغوتها می جنگند و این فرق بین سرباز اسلام با سرباز کفر است.

الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان انّ کید الشیطان کان ضعیفا {نساء 72}

آری مؤمنین در راه پیامبر ص و امیرمؤمنان ع و امامان دیگر مخصوصا در زمان ما در راه امام زمان عج می جنگند ولی کفار در راه بتها و ابوسفیان ها و یزیدها و شمرها و دیگر طاغوتها می جنگند.

فرماندهی کل قوا در لشکر اسلام به عهده رسول الله یا امیرالمؤمنین یا سیدالشهداء و یا جانشینان امام زمان عج مانند امام راحل و مقام رهبری است. ولی فرماندهی لشکر کفر به عهده ابوسفیان ها، معاویه، یزیدها، صدام ها و بوش ها می باشد. سربازان اسلام از زمانی که داخل سربازی می شوند برای آنان پاداش فراوانی است تا زمانی که شهید شود یا به شهر و دیارش برگردد ولی سرباز کفر از همان زمانی که یاور طاغوت می شود برای او گناه و معصیت نوشته می شود تا زمانی که به دوزخ رهسپار می شود.

سرباز اسلام وقتی به شهادت می رسد تمام گناهانش پاک می گردد ولی سرباز کفر وقتی کشته می شود لعنت الهی بر او نازل می گردد

سرباز اسلام وقتی کشته می شود شهید لقب می گیرد و باعث افتخار خانواده اش می شود ولی سرباز کفر وقتی کشته می شود بصورت آدم شکست خورده لقب می گیرد و باعث ترس و هراس خانواده اش می شود

سرباز اسلام در مبارزه است تا به یکی از حسنین {شهادت یا پیروزی} دست می یابد ولی سرباز کفر یا در ظاهر پیروز می شود و پرونده گناهانش سنگین تر می شود و یا کشته می شود

و به جهنم می رود

سرباز اسلام در کنار بزرگوارانی مانند حمزه سیدالشهداء و جعفر طیار و حنظله می جنگد ولی سرباز کفر در کنار افراد منحرفی چون ابوجهل ها و ابولهب ها و ابن زیادها و شمرها می جنگد!

سرباز اسلام شب که می شود عابد شب استودر روز شیران روز. ولی سرباز کفر در بیداری به لهو و لعب و تجاوز به دیگران و فساد اخلاق مشغول و شب استراحتش چون چوب خشکی می افتد!

همیشه عدالت محور باشید

7- ای مؤمنین! باید همیشه عدالت محور باشید مخصوصا در شهادت دادنتان حتی اگر علیه فامیل خودتان باشد و همیشه آنچه عدل و حق است بگوئید.

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسهم اوالوالدین والاقربین ان یکن غنیا او فقیرا فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا و ان تلوا او تعرضوا فان الله کان بما تعلمون خیرا {نساء 125}

خدا خود عادل است و به عدالت فرمان داده است. عدالت باعث خشنودی خدا و خلق خداست

اقسطوا ان الله یحب المقسطین

خدا عدالت محوران را دوست دارد.

و اگر همه مردم عادل باشند، دنیا بطرف سعادت و کمال و خوشبختی پیش می رود ولی هیئات که دنیا طلبی و زیاده طلبی نمی گذارد انسانها همگی عادل باشند و همواره عده ای به دیگران ظلم و ستم می کند و باعث فساد در زمین و خرابی و هرج و مرج و بدبختی می شوند.

ظلم و ستم و تجاوز از حدود الهی باعث می شود، خونهای بیگناهان ریخته شود، فرزندان یتیم شوند، خانه ها خراب شود، بیگناهان زندانی و اسیر شوند، اموال مظلومین بتاراج رود و دهها مصیبت دیگر پیش بیاید.

افرادی که به عدالت خیانت کنند مثلا شهادت دروغ بگویند، یا به زیردستان ستم کنند یا به زن و بچه خود زور بگویند و برخلاف عدالت عمل کنند باید در همین دنیا احتمال انتقام الهی را بدهند

- پیامبر خدا (ص): یک ساعت عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبش به عبادت و روزش به روزه داری بگذرد و یک ساعت بی عدالتی در حکومت (یا داوری) نزد خدا بدتر از شصت سال گناه است.

علی ع:

- خداوند پاک، عدالت را برپا دارنده مردمان قرار داده است و مایه دوری از حق کشیها و گناهان و وسیله آسانی و گشایش برای اسلام.

- فاطمه زهرا (ع): خداوند عدالت را برای آرامش دلها واجب فرمود.

- امام باقر (ع): چه گسترده است دامنه عدالت! اگر در جامعه عدالت اجرا شود، مردم بی نیاز می شوند.

- پیامبر خدا (ص): هر که در رفتار خود با مردم به ایشان ستم نکند و هرگاه با آنان سخن بگوید، دروغ نگوید و چون وعده شان دهد، خلف وعده نکند، انسانیتش کامل و عدالتش آشکار و دوستیش

لازم و غیبتش حرام است.

{میزان الحکمه جلد ۷}

با کفار دوستی ننمائید

8-ای مؤمنین! نباید با کفار و دشمنان خدا، دوستی بکنند بلکه دوستی و ارتباط آنها باید با اهل ایمان و متدینین باشد

یا ایّها الذین آمنوا لاتتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین اتریدون ان تجعلوا الله علیکم سلطانا مبینا {نساء 144}

هر کجای دنیا مؤمنی باشد، دوست و رفیق بقیه مؤمنان عالم است. چه در غرب باشد و چه در شرق. و از طرفی دشمنی با

دشمنان خدا، حد و مرز نمی شناسد و باید با کفار چه غربی باشند و چه شرقی، دوستی ننمود.

از امام ششم ع پرسیدند: آیا دوستی با مؤمن و دشمنی با کافر جزو ایمان است؟ امام فرمود: آیا ایمان جز دوستی {با

مؤمنین} و دشمنی {با کفار} است؟

اما برخلاف این دستور الهی، همواره عده ای از مسلمانان بخاطر کالای نابودشدنی دنیا با کفار

ارتباط برقرار می کنند و گاه نوکر و اسیر آنها می شوند.

در صدر اسلام این اتفاق افتاده و در زمان ما هم این تخلف را می بینیم. مانند شیوخ خلیج! مانند روشنفکران غربزده! مانند

منافقین! مانند علمای درباری!

به وعده های خود عمل کنید

9-ای مؤمنین! باید به وعده ها و پیمانهای خود وفا کنند.

یا ایّها الذین آمنوا اوفوا بالعقود {مائده 1}

ایمؤمنین! به وعده های خود عمل کنید.

انسانهای مؤمن باید به تعهدات و وعده هایی که می دهد چه به خدا قول می دهد مثل پیمان درعالم ذر که غیر خدا را

نپرستد و یا قولی که توبه کننده به خدا می دهد که دیگر گناه نکند.

یا قولهایی که به خودش می دهد که مثلاً منظم باشد. دروغ نگوید. غیبت نکند و..

یا قولهایی که به مردم می دهد مانند قولهایی که مسئولین مملکت به مردم میدهند یا قولهایی که پدر و مادر به فرزندان

خود می دهند یا صاحبان حرفه ها به مردم می دهند مثلاً بنا و نجار و آهنگر قول می دهند که فلان ساعت کار شما را

انجام می دهم و خلاصه به همه قولها باید عمل کند.

وظایف مؤمنین

عمل به وعده از مهمترین واجبات الهی است و پیشرفت جامعه مسلمین وابسته به ادای پیمانهاست. لذا در حدیثی از پیامبر نقل شده که کسیکه به عهدش عمل نکند، دین ندارد.

بزرگان دین خود در عمل به پیمانهایی که با دیگران می بستند یا قولی می داند سخت مصمم بودند و به هیچ وجهی تخلف نمی کردند. حتی اگر ضرر بزرگ مادی می نمودند.

پیامبر اعظم ص با شخصی در مکانی وعده گذاشتند. آن شخص این وعده را فراموش کرد. پیامبر سه روز در آن مکان ماند تا اینکه آن شخص آمد. حضرت فرمود اگر نمی آمدی همینجا می ماندم تا بمیرم و از همینجا محشور شوم.

همیشه بیاد نعمتهای خدا باشید

10- ای مؤمنین! همیشه بیاد نعمتهای خداوند سبحان باشید.

یا ایها الذین آمنوا اذكروا نعمت الله علیکم... {مائده 11}

تشکر کردن از کسیکه به انسان محبت می کند مطابق عقل است و جزء صفات خوب شمرده می شود. چه تشکر از خالق باشد که احدی نمی تواند شکر همه نعمتهای خدا را بجا آورد. و چه تشکر از افرادی که به انسان محبتی می نمایند.

البته با این فرق که تشکر از خدا، باعث زیاد شدن نعمت می شود.

شکر نعمت نعمت افزون کند

کفر نعمت از کفت بیرون کند.

خدا فرمود:

«ما به لقمان حکمت دادیم که شکر الهی را نما و هر که شکر کند، از خودش تشکر کرده و هر که ناسپاسی

نماید، خدا بی نیاز و حمید است.» لقمان 12

«پیامبر (ص): پاداش کسیکه غذا می خورد و شکر می کند مانند روزه گیر صبور است. و پاداش آدم سالم شکر

کننده مانند مریض صبر کننده است. و پاداش صاحب نعمت شکر کننده مانند محروم قانع می باشد.»

تشکر یا زبانی است و یا عملی. شکر زبانی با ادا کردن جملاتی مانند: خدا یا! شکر. تحقق می یابد و شکر عملی

با انجام واجبات و ترک محرمات و راضی بودن خدا از اعمال انسان محقق می شود.

وظایف مؤمنین

«امام صادق(ع) فرمود: شاگرد به شخصی گویند که خدا را بر هر نعمتی که به او داده از قبیل خانواده و ثروت، شکر گوید و حقوق الهی نسبت به اموالش را ادا نماید.»

از دست وزبان که برآید

کز عهده شکرش بدرآید

خدا در قرآن به نوح لقب «شکور» داده است. زیرا صبح و شب شکر خدا را می کرد و می گفت: خدایا! آنچه در صبح و شب از نعمت و سلامتی دینی و دنیوی دارم، از تو ست. تویی یگانه و بدون شریک. ای خدا! حمد و شکر این نعمتها مخصوص تو ست تا از من راضی شوی.

همچنین او هیچ چیز کوچک و بزرگ را بر نمی داشت الا بسم الله والحمد لله می گفت.

او در حین غذا خوردن می گفت: شکر خدایی که بمن غذا داد و اگر می خواست مرا گرسنه می گذاشت.

و هنگام آشامیدن می گفت: شکر خدایی که مرا سیراب کرد و اگر می خواست مرا تشنه می گذاشت.

و در هنگام لباس پوشیدن می گفت: شکر خدایی که مرا پوشاند و اگر می خواست مرا بی لباس قرار می داد.

و در هنگام پوشیدن کفش می گفت: شکر خدایی که مرا کفش پوشاند و اگر می خواست مرا پابرهنه می گذاشت.

و در هنگام قضاء حاجت می گفت: شکر خدایی که اذیت را از من دور کرد و اگر می خواست در من باقی می گذاشت «تفسیر جامع ذیل آیه 3 اسراء»

نعمتهای خدا به انسان چه نسبت به خود انسان و چه در جهان هستی آنقدر مهم و حیاتی است که انسان باید در همه حالات از شکر الهی غافل نشود

«امام صادق(ع): در هر نفس کشیدنی یک شکر بلکه هزار شکر و بیشتر لازم است و پائین ترین درجه شکر آنست که نعمت را فقط از خدا بداند و به آنچه خدا به او داده راضی باشد و خدا را با نعمتش معصیت نکند (مثلاً با چشم گناه نکند) و در امر و نهی الهی با نعمت خدا با خالق خود مخالفت ننماید. پس در هر حالی بنده شکر گذار خدا باشد، تا خدا را در هر حالی کریم بیابی.»

در حالات رسول خدا(ص) آمده است که: یکروز در سفر کوتاهی وقتی برای استراحت توقف کردند، پنج سجده بجا آورد. اصحاب علت را پرسیدند. فرمود: جبرئیل برایم پنج بشارت آورد و من برای هر بشارتی یک سجده انجام دادم.

با شکرگزاری می‌توان به خالق تقرب جست. شکر فرصتی است تا با خدای خود مناجات و نجوایی داشته باشیم.

«امام صادق (ع): هرگاه یکی از شما بیاد نعمتی از نعمتهای خداوند عزوجل افتاد، پیشانیش را برای شکرگزاری، بر روی خاک بگذارد. و اگر سواره بود، پیاده شود و سجده کند. و اگر بخاطر انگشت نداشتن نمی‌تواند پیاده شود، پیشانیش را بر زمین اسب (در زمان مافران ماشین) بگذارد و اگر اینهم نشد، پیشانیش را بر کف دست بگذارد و خدا را بر نعمتهایش شکر کند.»

گاهی بایک شکر کردن بهشت بر انسان واجب می‌شود.

«امام صادق (ع): فردی مقداری آب می‌خورد و با آن بهشت برایش واجب می‌شود. زیرا موقع نوشیدن آب وقتی ظرف آب را نزدیک دهانش می‌برد، بسم الله می‌گوید. سپس مقداری می‌خورد و حمد می‌کند. دوباره می‌نوشد و حمد می‌کند. برای بار سوم مقداری می‌نوشد و حمد الهی می‌کند. بوسیله این یک بسم الله و سه بار حمد، بهشت برایش واجب می‌شود.»

شکر، افراد غرق در نعمت را بیدار نگه می‌دارد و آنها دچار غفلت نمی‌شوند.

«امام چهارم را سجاد (ع) یعنی بسیار سجده کننده گویند زیرا هرگاه به او نعمتی می‌رسید، به سجده شکر می‌رفت و هرگاه بین دو نفر اصلاح می‌کرد، سجده شکر می‌نمود و اگر از مریضی شفا می‌یافت، سجده شکر می‌کرد و اگر خدا به او فرزندی می‌داد سجده شکر می‌نمود.»

از آداب سفر است که وقتی به سلامت برگشتیم، سجده شکر نمائیم.

«امام رضا (ع) بعد از نماز ظهر به سجده رفته و صدبار می‌فرمود: حمد الله. و بعد از نماز عصر به سجده رفته و صدبار می‌فرمود: شکر الله.»

اما نعمتهایی که خداوند به ما داده قابل شمارش نیست. از جمله :

ما را انسان آفرید. به ما عقل داد. ما را دین دار قرار داد. ما را با قرآن و اهل بیت ع آشنا نمود.

در جنگهای صدر اسلام، مسلمانان را یاری نمود.

در دفاع مقدس مردم ایران، آنها را یاری نمود.

صدها توطئه علیه مسلمین مخصوصاً شیعیان آل محمد را خنثی فرمود. و...

تقوا پیشه کنید

11- ای مؤمنین! تقوا پیشه کنید و پرهیزکار باشید.

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته {آل عمران 103}

تقوا مهمترین راه سعادت دنیوی و اخروی است.

تقوی که همان پرهیزکاری است در لغت بمعنی دور نگه داشتن خود و در اصطلاح قرآن و احادیث منظور از تقوی دوری از گناه و در نظر داشتن خدا در همه لحظات زندگی می باشد و شخص متقی کسی است که از هر چه خداوند نهی کرده دوری کند و در موقع برخورد با گناه خدا را در نظر گرفته از انجام آن پرهیز نماید و در حقیقت تقوی یک حالت روحانی و معنوی است که حافظ و نگهبان انسان از گناه است.

و در جای دیگر تقوی مردم را موجب نزول برکات خدا می داند:

((ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض)).

اگر اهل شهرها ایمان می آوردند و تقوی پیشه می نمودند هر آینه برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می گشودیم.

و در آیه دیگری می فرماید ((تزودوا فان خیر الزاد التقوی)).

توشه برگزید بدستیکه بهترین توشه تقوا است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

ایمان به خدا کاملاً در انسان جا نمی گیرد تا زمانی که خدا برای او بهتر و مهمتر باشد از خودش و از مادرش و از پدر و اهلش و از مالش و از همه مردم خدا برای او بهتر باشد.

شاعر می گوید:

تا بمنزل رسی و شاد شوی توشه ره بساز از تقوی

گر در این ره بغیر زاد شوی نبری ره به منزل مقصود

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تفسیر آیه:

((ومن یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب))

وظایف مؤمنین

کسیکه تقوای الهی داشته باشد خدا برای او راه خروجی از گرفتاری گشوده از جایی که نمی داند برای او روزی می فرستد.

فرمود: منظور راه خروج از مهای دنیا و از سختیهای مرگ و قیامت خداوند او را خارج می کند.
و حضرت علی (علیه السلام) در تفسیر آیه مذکور فرمود: منظور از خروج یعنی خداوند او را از تاریکی فتنه ها نجات می دهد و در فتنه ها گرفتار نمی شود.
عارفی گفته است: جامع همه خیرات تقوی است.

تقوی شرف مرد بود در دو جهان

بی زهد و ورع کجا رسد کس بجنان

تقوی حقیقی یکی بر اثر دوری از موجبات گناه مثل پیشگیری در بهداشت و یکی هم بر اثر ممارست در روح و نفس نیرویی بوجود می آورد که به او مصونیت دهد و نمی گذارد دچار معصیت شود.
پس ای مؤمنین! همگی با انجام واجبات و ترک محرمات، شرافت دوجهان را برای خود بخريد و خدا را از خود خوشنودسازید.

حلال خدا حرام نکنید و از حدود الهی تجاوز ننمائید

12- ای مؤمنین! چیزهایی را که خدا حلال کرده، شما حرام نکنید و از حدود الهی تجاوز ننمائید.

یا ایها الذین آمنوا لاتحرّموا طیبات ما احلّ الله لکم ولا تعتدوا انّ الله لایحبّ المعتدین {مائده 87}

انسانهای مؤمن همیشه مطیع خداوند سبحان می باشند و آنچه را که خدا حرام کرده، حرام می دانند و آنچه را که حلال نموده، حلال می دانند.

اسلام با ریاضت مخالف است. دین ما اینکه کسی از گوشت و لباس خوب و عطر و دیگر نعمتهای حلال استفاده نکند و آنها را بر خود حرام نماید با این روش موافق نیست. اگر چه این روش مرتاضان هند و رهبانان و تارکان دنیا و دروایش و بعضی از فرق می باشد.

وظایف مؤمنین

زیرا اسلام دین دنیا و دین آخرت است و فقط به آخرت توجه ندارد. بلکه نعمتهایی که در دنیا است را برای مؤمنین خلق نموده تا آنها استفاده کرده و شکر او را بجا آورند.

لذا وقتی به پیامبر اعظم ص خبر دادند چند نفر از مسلمانان تصمیم به ریاضت گرفته و از زن و گوشت و لباس خوب و عطر و امثال آن دوری می کنند، حضرت ناراحت شده و به مسجد رفتند و برای مردم سخنرانی فرمودند و گفتند من که پیامبر شما هستم گوشت می خورم. همسر دارم. عطر می زنم و.. و در دین من رهبانیت نیست!

پس احکام دین اسلام را نمی توان به دلخواه تغییر داد و حلالی را حرام کرد یا حرامی را حلال نمود. همانند بعضی از بدعتگذاران که در احکام دین تصرف کرده و تغییراتی ایجاد می نمودند. مثلاً قره العین نماینده بهائیت می گفت ای مردم از امروز دیگر نماز بر شما واجب نیست! تکالیف از شما برداشته شده است! آنها نماز جماعت را حرام و رباخواری را حلال می دانند!

یا وهابیون که حکم کردند همه زیارتگاهها باید تخریب شود! همه شیعیان باید کشته شوند! توسل به اهل بیت حرام است! عزاداری برای مرده حرام است! و...

یا خوارج نهروان که حکم کردند که کشتن علی ع واجب است! و پاره کردن شکم زن باردار را حلال نمودند!

یا بعضی از فرق دروایش که لواط را حلال می دانند و نماز را حرام می دانند! دادن نیاز را واجب میدانند!!

خداوند ما را از لغزش در دین حفظ بفرماید.

مواظب دین و ایمان خودتان باشید

13- ای مؤمنین! مواظب دین و ایمان خودتان باشید. اگر کسی گمراه شد یا مرتد گردید شما حواستان به دینداری خودتان باشد.

یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم لایضرکم من ضلّ اذا اهتدیتم الی الله مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم تعملون {مائده 175}

ای کسانی که ایمان آورده اید. مواظب خودتان باشید که گمراهی دیگران بشما ضرر نمی رند بشرط اینکه شما هدایت شده باشید. همه شماها عاقبت بسوی خدا بر می گردید و شما را از کارهایتان باخبر می سازد.

واقعاً اگر کسی مؤمن باشد حتی اگر در قلب کفر و شرک باشد یا در دست کفار اسیر باشد یا ببیند

وظایف مؤمنین

عده ای مرتد شدند باز بر سر دین و ایمان خود می ماند. همانکه پیامبر به عمار فرمود اگر دیدی همه مردم از یک راه می روند و علی ع از راه دیگری می رود دنبال علی ع برو.

نباید ایمان ما عاریتی و شل باشد که فوری با مشکلات و حوادث از بین برود. مانند عده ای از مسلمانان که وقتی آثار شکست را در جنگ احد دیدند در دل تصمیم به ارتداد و بازگشت به کفر گرفتند. خیر بلکه باید آنقدر ایمانش قوی باشد که مصداق حدیث قرار بگیرد که معصوم ع فرمود ایمان مؤمن از کوه قوی تر است زیرا کوه با کندن قسمتی از آن کوچک می شود ولی ایمان مؤمن هیچگاه کم نمی شود.

آیه فوق ضرب المثل {خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو} را رد می کند. مؤمن در مسیری که خدا برای او در نظر گرفته حرکت می کند خواه مردم همراه او باشند یا نباشند. ملاک حقانیت، کثرت و زیاد بودن همراهان نیست. قرآن کریم اکثر مردم را گمراه می داند همانطور که الان اکثر مردم دنیا خواسته یا ناخواسته گمراه هستند. چقدر قرآن می فرماید: اکثرهم لایعقلون {مائده 103}. اکثرهم لایعلمون {انعام 37}. اکثرهم لایشکرون {یونس 60}. اکثرهم لایؤمنون. {بقره 100} اکثرهم یجهلون. {انعام 111} اکثرهم لفاسقین. {اعراف 102} اکثرهم کافرون {شعرا 223}. اکثرهم مشرکین. {روم 42} و...

مواظب نمازتان باشید

14- ای مؤمنین! بر نمازهایتان مواظبت بکنید.

والذینهم علی صلواتهم یحافظون {مؤمنون 9}

نماز آثار بسیار مهمی در انسان و اجتماع دارد که به بعضی اشاره می شود:

نماز و شفای بیماری

از جمله اثرات مثبت نماز، درمان بیماریهای جسمی است. طبق سفارشات طبیبان دینی و طبق بررسیهای دانشمندان غیر دینی، دعا و نماز و دلبستگیهای معنوی در درمان و یا کاهش بیماریها مؤثر می باشد.

نماز و برطرف شدن کمردرد

وظایف مؤمنین

رسول خدا(ص) به دیدار سلمان فارسی آمد و دید سلمان کمر درد دارد. و خیلی شدید ناله می کند. فرمودند: سلمان! مثل اینکه درد به تو خیلی فشار آورده است؟ همین طور که نشسته ای یا خوابیده ای نماز بخوان! سلمان گفت یا رسول الله! مگر نماز برای کمر درد خوب است؟ حضرت فرمودند: مگر در قرآن نخوانده ای که واستعینوا بالصبر والصلوة؟

آری نماز شفا دهنده دردها به اذن خداست و می توان با دور کعت نماز با حضور قبل آنچنان به خدا نزدیک شد، که شفای دردهایمان را از او بخواهیم و تعجبی ندارد اگر خدا به ندای نماز گزار پاسخ مثبت بدهد و دردها را از بین ببرد.

نماز و پیروزی در جنگ

در جنگها و عملیاتهای سخت و مهم گاهی عرصه بر انسانهای حق طلب، بسیار سخت می شود و دشمن از موضع قوی برخوردار است و شکست دادن او به آسانی میسر نمی شود. در این واقع هم علاوه برداشتن توانائیهای جنگی، باید از نماز کمک گرفت.

نماز در جنگ

امیر المؤمنین(ع) می گوید: هر وقت که جنگ مغلوبه می شد و اسلام در مخاطره می افتاد، پیغمبر می فرمود: واستعینوا بالصبر والصلوة. امتی الصلوۃ الصلوۃ.

در همان وسط جنگ و در همان خط مقدم جبهه، پیغمبر پیاده می شدند و اصحاب هم پیاده می شدند و دور کعت نماز می خواندند. آنها پناه به نماز می بردند و بعد سوار می شدند و می جنگیدند و پیروز هم می شدند.

«امیر المؤمنین(ع) - در جنگ صفین به لشکریان فرمود - شما انشاء الله فردا با دشمن در گیر می شوید. پس امشب را بیشتر به نماز مشغول باشید و قرآن را بسیار تلاوت کنید و از خدا صبر و پیروزی به طلبید.»

شهید سرلشکر زین الدین می گفت در شبهایی که بسیجیان نماز شب می خواندند، وقتی عملیاتی علیه دشمن انجام می شد، معمولاً به پیروزی چشمگیری می انجامید ولی هنگامی که نماز شب برپا نمی شد، شکستهایی راهم در پی داشت.

نماز و کاستن غم و اندوه

وظایف مؤمنین

نماز در کاهش غم و اندوهها و ناراحتی‌های روحی نیز نقش درمانی دارد. همانطور که در زندگی اولیاء خدا آمده است که در مواقعی که غم و اندوه به آنها هجوم می‌آورد، همانند جنگهایی که دشمن به آنها هجوم گسترده می‌نمود، به نماز پناه می‌بردند.

روایت شده چون مشکلی برای خانواده رسول خدا (ص) پیش می‌آمد، می‌فرمود: برخیزید نماز بخوانید. بعد فرمود: خدا این گونه به من دستور داده است»

درباره امیرالمؤمنین (ع) داریم که در شهادت زهرا تا غم هجوم به او می‌آورد، دورکعت نماز می‌خواند. لذا قبل از غسل دادن، دورکعت نماز خواند. قبل از اینکه زهرا را در قبر بگذارد هم نماز خواند. وقتی که زهرا را در قبر قرار داد و خاک روی قبر ریخت، غم به امیرالمؤمنین (ع) هجوم آورد و دورکعت دیگر نماز خواند.

«امام صادق (ع): هرگاه برای امیرالمؤمنین (ع) مشکلی پیش می‌آمد، به نماز پناه می‌برد»

«رسول خدا (ص): پیامبران خدا چنان بودند که چون دچار نگرانی می‌شدند، به نماز پناه می‌بردند.»

راوی می‌گوید خدمت امام صادق (ع) آمدم. امام مشاهده کردند که من غمگینم. علت را پرسیدند. گفتم: یک زنی

در کوچه راه می‌رفت که ناگاه به زمین خورد. در این حال گفت: خدا لعنت کند قاتلین تو را ای فاطمه زهراء.

تا این حرف را زد، مأمورین او را گرفتند و با کتک بردند. امام فرمودند بلند شو دورکعت نماز بخوانیم. به مسجد رفتیم

و دورکعت نماز خواندیم. امام از خدا خواستند که این زن نجات پیدا کند. طولی نکشید که خبر آوردند این زن را با

احترام رها نموده‌اند.

در یکی از سفرهای عبدالله بن عباس به او خبر دادند که برادرت از دنیا رفت. عبدالله گفت: اَنَا لِلَّهِ وَاَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

آن گاه از مرکب فرود آمد و به کناری رفت و دورکعت نماز خواند. پس از آن ساعتی با وقار و آرامش نشست و چون از

جایش برخاست این آیه را می‌خواند: وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ «بقره 45»

از صبر و نماز یاری جوئید و این کار جز برای خاشعان، گران است.»

رسول خدا (ص): ای مردم! هرگاه مشکلات چون کمربندی شخصی را محاصره کرد، وقتی دوسوم شب

گذشت، فرشته‌ای به او می‌گوید برخیز و ذکر خدا بگو. اگر بلند شد و ذکر خدا گفت یک گره از مشکلش حل می‌شود

و اگر وضو گرفت و به نماز ایستاد تمامی گره‌هایش باز می‌گردد و صبح را با شادمانی شروع می‌کند.»

«رسول خدا (ص): هنگامی که مشکلات و بلاها نازل می‌شود، اهل مساجد در امانند.»

وظایف مؤمنین

از عوامل خودکشی‌های جوانان و بزرگسالان، هجوم غمها و مصیبت‌ها به آنان است که اگر آدمی در این مواقع به نماز پناه نبرد شاید نتواند این بار را تحمل کند و از حال طبیعی خارج شده و دست به کارهای خلاف عقلی همچون خودکشی می‌زند. اما آنان که به نماز پناه می‌برند، احساس می‌کنند که شارژ شده و قدرت و قوت تازه‌ای برای تحمل مشکلات و برخورد با آن پیدا می‌نمایند.

«امام صادق (ع): چه مانعی دارد که وقتی برای یکی از شما مشکلی پیش می‌آید وضو گرفته و به مسجد رفته و دو رکعت نماز بخواند و از خدا حاجتش را بطلبد. مگر نشنیده‌اید که خدا فرموده است: استعینوا بالصبر والصلوة. از صبر و نماز کمک بگیرید.»

نماز و اجابت دعا

اثر دیگر نماز در اجابت دعای انسان است. کسانی که اهل نماز هستند چون به خدا نزدیکتر می‌باشند و پیشانی را در مقابل پروردگار خویش بر زمین می‌گذارند، دعاهایشان مستجاب می‌شود ولی افراد بی‌نماز دعایشان مستجاب نمی‌شود مگر در بعضی موارد استثنائی.

در حدیث قدسی است که خدا فرمود: اگر کسی مُحَدِّث شد و وضو نگرفت به من جفا کرده است. و اگر وضو گرفت و دو رکعت نماز نخواند، بمن جفا کرده است. و اگر نماز را خواند و دعا نکرد، بمن ستم کرده است. و اگر وضو گرفت و نماز را خواند و دعا کرد ولی من اجابت نکردم، من به او ستم کرده‌ام!

«امام صادق (ع): هنگام حاجت، دو رکعت نماز بخوان و بر محمد و آلش صلوات بفرست و حاجت را بگو. آنوقت حاجت روا می‌شود.»

«امام صادق (ع): هر که گرسنه باشد و پول نداشته باشد وضو بگیرد و دو رکعت نماز خوانده بگوید: خدا من گرسنه‌ام! مرا سیر نما. بلافاصله به او طعام داده می‌شود.»

«امام صادق (ع): دروغ گفته کسی که بگوید نماز شب می‌خوانم ولی گرسنه‌ام و پول ندارم. زیرا نماز شب روزی روز را ضمانت کرده است.»

«امام صادق (ع): همانا خداوند نماز را در بهترین وقتها واجب کرد پس بعد از نماز هایتان حاجتهای خود را بخواهید.»

علماء و عرفائی همچون مرحوم حسنعلی اصفهانی و راشد و شیخ انصاری و سید بحر العلوم و قاضی و دیگران که دعاهایشان مستجاب می‌شد بخاطر نمازهای خالصانه آنها بوده است. وقتی مرحوم حسنعلی اصفهانی شب را تا به صبح در

وظایف مؤمنین

یک رکوع می گذرانند، چگونه مستجاب الدعوه نباشد که گویند افسری که سالها از همسرش بچه دار نشده بود به او مراجعه می نمود و او با یک دانه خرما او را معالجه می کرد و صاحب بچه شد. و یا زن مسیحی که دچار سرطان شده بود واسطه نزد او فرستاد و او زن را شفا می دهد چنانچه بعد از رحلت مرحوم اصفهانی می بینند زن مسیحی برای رحلتش سینه می زند و اشک می ریزد!

یکی از راههای شناخت افراد صاحب کرامت از مدعیان دروغین مسئله نماز است. گاه در فلان شهر پخش می شود که دختری امام زمان را دیده است! یا خانمی بنام بی بی زهرا زنهای عقیم را شفا می دهد و یا فلان آقا دعا نویس با کرامتی است! اما وقتی به حالات این مدعیان دقت می شود مشخص می گردد که حتی بعضی از آنها حمد و سوره را بلد نیستند بخوانند! و همین برای کذب ادعای آنان کافی است.

نماز و برطرف شدن خطر

در هنگامی که خطری متوجه انسان می شود، باید علاوه بر عکس العمل مناسب، به نماز روی بیاورد. و گاهی هیچ راهی جز روی آوردن به نماز برای انسان وجود ندارد.

راوی می گوید که منصور دوانقی در وقتی غضبناک شد و تصمیم به قتل امام صادق (ع) گرفت. لذا امام را احضار نمود. هنگامی که امام به در قصر او رسیدند، امام به من (راوی) فرمود: صبر کن تا دو رکعت نماز بخوانم. وقتی امام نماز خواندند و نزد منصور رفتند. منصور اول عصبانی بود ولی بعد بصورت یک آدم متملق درآمد و امام را با احترام به منزلش برگرداند.

در زندگی علماء زیاد شنیده شده که در مواقع بحرانی و خطر به نماز روی می آوردند. از جمله وقتی حکم کشتن ملاطاهر قمی از سوی شاه طهماسب صفوی صادر شد و مأمور جلاد با دست خط شاه نزد ملاطاهر رفت. قبل از اجرای حکم شاه، ملاطاهر مشغول نماز شد، و یک نماز طولانی را شروع کرد. ناگاه حکم دیگر شاه مبنی بر دستگیری ایشان و رفتن نزد شاه باطلاع ملاطاهر رسید. و هنگامی که او را نزد شاه بردند، سخنانی بینشان رد و بدل شد و عاقبت با صحت و سلامت از کاخ شاه بیرون آمد.

مبادا به خدا و رسول و پیمانهایتان خیانت کنید

15- ای مؤمنین! مبادا به خداوند و رسولش خیانت کنید! مبادا امانتدار نباشید.

یا ایها الذین آمنوا لاتخونوا الله والرسول وتخونوا اماناتکم وانتم تعلمون {انفال 27}

خیانت به خدا و پیامبر آنست که مثلاً اسرار مسلمانان را برای دشمن فاش کنید! یا بادشمنان اسلام روابط پنهانی برقرار کنید و به آنها کمک کنید. یا دوستدار دشمنان پیامبر اسلام و امامان ع و علماء ربانی باشید. یا به پیمانی که در عالم ذر و فطرت با خدا بسته اید عمل نکنید.

آری هر که به نحوی با اولیاء او دشمنی کند یا با قرآن مخالفت کند یا با احکام دین مخالفت نماید یا آنها را مسخره نماید جزو خائنین به خدا و رسول است.

همچنین اگر انسان به امانت مؤمنی خیانت کند، به خدا خیانت کرده چون امانت مؤمن، امانت خداوند است و آبروی مؤمن، آبروی خداست.

امانت انواعی دارد:

از جمله: مالی که نزد انسان امانت می گذارند، اسرار مؤمن یک امانت است، فرزندان امانت هستند، پست و مسئولیت امانت است. شاگردان امانت هستند، عمر انسان امانت است، قرآن و اهل بیت ع امانت هستند، مسجد و عالم محل امانت هستند، همسر امانت است.

در میان گناهان، خیانت در امانت منفورترین آنهاست.

در مقابل دشمنان ثابت قدم باشید

16- ای مؤمنین! اگر در مقابل دشمنان خدا، صف رایى کردید، ثابت قدم بوده، ذکر خدا زیاد بر لب جاری کنید شاید رستگار شوید.

یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم فئة فاثبتوا واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون {انفال 45}

استقامت و ثابت قدمی همراه با یاد خدا، از رموز پیروزی مؤمنین است.

تاریخ اسلام پر از استقامت دلاور مردان در جنگهای بدر و حنین و خندق و خیبر است. که با جمعیت کمی در مقابل دشمنان فراوانی به پیروزی می رسیدند.

وظایف مؤمنین

مسلمانانی که استقامت را از رسول خدا یاد گرفته بودند کارشان به جایی رسید که شاهزادگان بزرگ جهان را به بردگی خود در آوردند و پای بر فرق فرقدان نهادند، و کشورهای بزرگ ایران و روم را تحت تسخیر خود در آوردند در حالی که از نظر تعداد و امکانات در حد دشمن نبودند.

در روایت شریف آورده است: در قیامت دسته‌ای از مردم در بهشت را می‌گویند، به آن‌ها گفته می‌شود: کیستید؟ گویند: ما کسانی هستیم که در دین خدا استقامت ورزیدیم؛ فرمان خدا را اطاعت کردیم و از نافرمانی خدا هر چند مخالف خواسته ما بود، دوری کردیم، در این هنگام از طرف حضرت باری تعالی خطاب می‌رسد: راست می‌گویند، آن‌ها را داخل بهشت کنید. خدای تعالی پاداش نامحدود به کسانی که در راه حق استقامت کردند، عنایت خواهد کرد. فاستقم كما امرت ومن تاب معك {هود 112}

عبدالله بن مسعود

او ششمین شخصی بود که مسلمان شد و یکی از مسلمانان ثابت قدم و دانشمند گردید. عبدالله نزد پیامبر قرآن را می‌آموخت و یکی از نویسندگان وحی بود.

روزی عده‌ای از مسلمانان دور هم جمع شده بودند که صحبت از این‌بیمیان آمد که تابحال غیر از پیامبر ص، کسی جرعت تلاوت قرآن با صدای بلند در بین مشرکین را پیدا نکرده است. عبدالله اعلام آمادگی کرد تا این کار را انجام دهد! مسلمانان به او گفتند: تو عشیره‌ای نداری تا از تو دفاع کنند. بگذار کسی این کار را بکند که در صورت خطر، از او حمایت شود. عبدالله گفت: من می‌روم و پشتیبان من خداست!

فردای آن روز در حالی که سران مشرکین در کنار کعبه بودند، عبدالله آمد و در کنار مقام ابراهیم و در مقابل مشرکین، با صدای بلند مشغول تلاوت آیات قرآن شد! «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ يَأْتِ الْفُرْقَانِ...» مشرکین با شنیدن آیات قرآن، از اینکه جوانی مانند عبدالله این چنین جرعت پیدا کرده، خشمگین شدند و بطرف او هجوم آوردند و او را که همچنان و بدون ترس، مشغول تلاوت بود، زیر ضربات خود گرفتند! اما عبدالله که جوانی لاغر و کوتاه اندام بود، دست برنداشت و بقدر لازم قرآن خواند. سپس خود را نجات داد و نزد مسلمانان بازگشت. وقتی مسلمانان او را با صورتی مجروح دیدند، گفتند: ما از همین می‌ترسیدیم! عبدالله گفت: نه، چیز مهمی نیست! اگر بخواهید فردا نیز برای تلاوت می‌روم! مسلمانان گفتند: نه! کافی است. آنچه آنهانی خواستند را بگوش آنان رساندی!

یکی از اسیرانی که بدست کومله اسیر شده بود درباره استقامت یک‌یاز برادران ارتشی می‌نویسد:

او را 75 روز شکنجه کردند. به پایش نعل کوبیدند و او را با همین صورت برای آوردن چوب و سنگ می بردند. برای گرفتن اعتراف و اطلاعات از او دو دست او را از بازو بریدند. با دستگاههای برقی تمام صورتش را سوزاندند. پوستهای جدید را کنده و بر حل خونریزی، آب نمک ریختند و او را داخل دیگ آب نمک انداختند ولی او که از ایمانی وصف ناپذیر برخوردار بود لب به سخن نمی گشود و آیات قرآن را تلاوت می کرد {دراسارت یانکیها ص 58}

عابد بنی اسرائیل

در بنی اسرائیل عابدی بود که همیشه می گفت: الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین. ابلیس که از این حرف او در ناراحتی بود شیطانی را فرستاد که او را وادار کند بگوید: العاقبة للاغنیاء! یعنی عاقبت با پولدارهاست! شیطان مذکور با عابد دیدار کرده و این پیشنهاد را به او کرد ولی عابد قبول نکرد و قرار گذاشتند که راجع به این سخن از یکفتری که می بیند پرسند. و هر که محکوم شد دست او را قطع نمایند. به یک نفر برخوردند و او پرسیدند او گفت: العاقبة للاغنیاء! لذا دست راست عابد قطع شد ولی باز او می گفت: الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین. باز از شخص دیگری پرسیدند و او هم حرف شیطان را تأیید کرد پس دست دیگرش را قطع کردند اما او مرتب می گفت الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین. و قرار گذاشتند که این بار هر کدام محکوم شد گردنش قطع شود. خداوند ملکی را فرستاد. آندو از او سؤال کردند و او گفت: الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین. و گردن شیطان را قطع کرد و دست عابد را هم شفا داد.

آری هیچ کس به موفقیت نرسید مگر بواسطه استقامت و صبر و بر تلخیها و شداید که بعد از سختی، آسانی است.

یکی از راههای آزمایش استقامت، مسئله شرکت در جهاد در راه خداوند است.

وظایف مؤمنین

جهاد در راه خدا با استقامت رابطه مستقیمی دارد. لذا خداوند در حداقل 17 سوره قرآن کریم، و قریب 400 آیه درباره ارزش و جایگاه جهاد فرمانهائی صادر فرموده است. یکی از دلایل واجب شدن جهاد در اسلام، آزمایش مؤمنان است که چقدر در دینشان استقامت دارند.

درس «صبر و پایداری» از درسهای مهم جهاد است:

«الصابرین فی البأساء و الضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون» بقره 177

آنانکه در سختیها و ناراحتیها و در جنگ صبور هستند راستگو بوده و باتقوا می باشند.

صبر در جهاد باعث می شود که هر یک مسلمان برابر ده کافر و با تخفیف برابر دو کافر قرار گیرد

و پیروز شود:

«یا ایها النبی حرّض المؤمنین علی القتال ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مأتین و ان یکن منکم مائه یغلبوا الفاً من الذین کفروا بانهم قوم لا یفقهون. الان خفف الله عنکم و علم ان فیکم ضعفا فان یکن منکم مائه صابرة یغلبوا مأتین و این یکن منکم الف یغلبوا الفین باذن الله والله مع الصابرين» انفال 65

ای پیامبر! مؤمنین را بر جهاد تحریک کن که اگر شما بیست تن صبور باشید بر دویست تن و اگر صد تن باشید، بر هزار کافر پیروز می شوید. زیرا کافران درک ندارند. الان خدا به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعف است پس اگر شما صد نفر صابر باشید بر دویست کافر و اگر هزار نفر صابر باشید بر دویست کافر غلبه می یابید به اذن خدا و خدا با صابران است.

اسلام برای مجاهدان در راه خدا، مقام بالایی در نظر گرفته است:

«لا یتوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدين علی القاعدین اجرا عظیما درجات منه و مغفرة و رحمة و کان الله غفورا رحيماً» نساء 96

یعنی مؤمنین جهاد نکرده جز بیماران با آنانکه با مال و جانشان جهاد کرده برابر نیستند. خدا کسانی را که با مال و جانشان جهاد می کنند برتری و رتبه داده است. پاداش بزرگی که عبارتست از درجات بالا و آمرزش و رحمت و خدا آمرزنده مهربان است.

اسلحه مجاهد هم مورد توجه اسلام قرار دارد و ارزشمند است:

رسول خدا (ص): «الخير کلّه فی السیف و تحت ظلّ السیف ولا یقیم الناس الا السیف و السیوف

مقالید الجنة و النار»

وظایف مؤمنین

یعنی همه در اسلحه است و زیر سایه اسلحه است و جز اسلحه چیز دیگری نمی تواند مردم را برپا نگه دارد و اسلحه ها کلیدهای بهشت و جهنم هستند.

عثمان بن مظعون به رسول خدا(ص) گفت دوست دارم به جهانگردی یا کوه نشینی بروم. فرمود: ای عثمان! این کار را نکن که سیاحت و جهانگردی امت من سفر جنگی و جهاد است.

کسانی که در جهاد کشته می شوند با کشته شدگان جنگهای دیگر فرق دارند:

«و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون. فرحين بما آتاهم الله من فضله و يستبشرون بالذین لم يلحقوا بهم من خلفهم ألا خوف علیهم ولا هم يحزنون.» آل عمران 170

کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده نپندارید. حقیقتاً آنان زنده اند

و در نزد پروردگارشان روزی می خورند. دلشاد از نعمتهای خدا و زبان گشوده به مرثیه کسانی که هنوز شهید نشده اند که ترسی بر اینان و اندوهی بر آنها نخواهد بود.

رسول خدا(ص) خود از آرزوی شهادت این چنین خبر داد: سوگند به آنکه جانم در دست اوست که دوست می دارم در راه خدا کشته شوم بعد زنده شوم و دوباره کشته شوم بعد زنده شوم و دگر بار کشته شوم.

جهاد همگانی است و حتی زنان باید به جهاد شرکت داشته باشند که ابتدا از آنان در پرستاری و سقایی و تدارکات استفاده می شود ولی اگر نیروی مردان کافی نبود زنان هم باید سلاح بگیرند و دفاع و جهاد نمایند.

جعفر طیار

جعفر فرماندهی لشکر اسلام در جنگ موته را به عهده گرفت. وقتی لشکر سه هزار نفره مسلمین با لشکر صد هزار نفره روم مواجه شد، او همراه با رجزهایی که می خواند، حملات جانانه ای به دشمن می نمود و فرماندهی جنگ را به عهده داشت.

بعد از مدتی دشمن او را محاصره کرد. جعفر برای اینکه دشمن از اسبش استفاده کند، ضربتی بر اسبش وارد کرد

سپس به دفاع پرداخت. دشمن دست راست او را قطع کرد. او پرچم فرماندهی را به دست چپ گرفت اما دست چپش را نیز قطع کردند او با بازوان قطع شده پرچم را گرفت تا اینکه او را شهید نمودند

رسول خدا(ص) فرمود در عوض دستهای قطع شده جعفر، خداوند به او بالهایی در بهشت عطا می کند که به هر کجا بخواهد پرواز کند. پس جعفر به جعفر طیار یعنی جعفر پرواز کننده معروف شد.

استقامت خباب الارت

وقتی خباب مسلمان شد، اربابش که زنی مشرک بود او را شکنجه می کرد و دستور می داد تا آهنی را گداخته و بر روی سرش قرار دهند. روزی خباب از این شکنجه ارباش به رسول خدا(ص) شکایت کرد. حضرت برایش دعا نمود. اتفاقاً آن زن سردرد شدیدی پیدا کرد بطوری که از شدت درد زوزه می کشید. به او گفتند اگر بخواهی خوب شوی باید سرت را با آهن داغ گرم کنند! او هم به خباب می گفت تا آهن گداخته بر سرش بگذارد.

پسر خباب از شیعیان علی بن ابیطالب(ع) بود. روزی عده ای از خوارج راه بر او گرفتند و با او درباره علی بن ابیطالب(ع) نزاع کردند و چون استقامت او را در ولایت علی بن ابیطالب(ع) دیدند، او را در حالی که قرآنی به گردن آویخته بود کنار نهر بردند و سر بریدند. سپس شکم زنش را که حامله بود پاره کردند و کودکش را کشتند و چند زن دیگر اکشتند.

افسر شجاع اسلام

عبدالله بن حذافه از مسلمانان پیشتاز بوده که به حبشه هم مهاجرت نمود. در جنگی اسیر رومیان شد. ابتدا به او پیشنهاد مسیحی شدن دادند. ولی او قبول ننمود. دیگر بزرگی از روغن زیتون را به جوش آورده و یکی از اسیران را آورده و گفتند یا مسیحی شو یا کشته می شوی. او قبول ننمود. او را در دیگر انداختند. چیزی نگذشت که استخوانهایش بر روی روغن نمودار شد.

خواستند عبدالله را در دیگر بیاورند ناگاه شروع به گریه کرد. فرمانده شان گفت از ترس می گریه. او را برگردانید. عبدالله گفت شما خیال کردید از ترس می گریه. نه من از این ناراحتم که چرا فقط یک جان دارم تا در راه اسلام تقدیم کنم. ای کاش به تعداد موهای بدنم جان داشتم تا به عدد جانهایم کشته می شدم.

فرمانده گفت بیا سر مرا ببوس تا تورا آزاد کنم. عبدالله قبول ننمود. گفت بیا مسیحی شو تا دخترم را بتو داده و تورا فرمانده نمایم. عبدالله قبول نکرد. گفت اگر سر مرا ببوسی هشتاد اسیر مسلمان را آزاد

وظایف مؤمنین

می‌کنم. عبدالله گفت اینک که بواسطه بوسیدن من اینها آزادمی‌شوند حاضرم. او پیش رفت و سر فرمانده را بوسید و باتفاق هشتاد نفر آزاد شد. وقتی به مدینه برگشت، عمر پیش رفته و سر او را بوسید.

اصحاب رسول خدا(ص) به شوخی به او می‌گفتند سر کافری را بوسیدی خداهم در مقابل هشتاد نفر از مسلمین را آزاد فرمود.

دلاوری عبدالله بن رواحه

او یکی از فرماندهان جنگ مته بود. بعد از شهادت جعفر بن ابیطالب و زید بن حارثه او در حالی که سه روز به گرسنگی بسر برده بود

پرچم را به دست گرفت. پس عمویش مقداری گوشت به او داد. همینکه به دهان گذاشت به یاد شهادت جعفر افتاد، گوشت را بیرون انداخت و گفت: ای نفس! بعد از جعفر هنوز زنده هستی؟ سپس مشغول جهاد شد. در گیسو دار جنگ ضربتی بر یک انگشتش وارد شد. از اسب پیاده شد و انگشت را زیر پا نهاده تا جدا گردید. سپس به خود گفت: ای نفس! زن را طلاق دادم. غلامان را آزاد کردم. باغ و بوستان را به رسول خدا(ص) بخشیدم. اینک در این جهان چیزی نداری پس چرا از شهادت گریزانی؟ دل بر شهادت نهاد و با قلبی آکنده از ایمان به کفار حمله نمود. بالاخره از اسب پیاده شد و شروع به نبرد کرد و آنقدر دلاوری نمود تا شهید شد.

اینها افرادی بودند که جان خدا را در راه خدا فروختند و با مجاهدت خود، بهشت را برای خود خریدند.

اما عده ای دیگر بودند و هستند که از میدان جهاد سرافراز بیرون نیامدند و به بهانه های واهی از جهاد فرار می کردند بطوری که خداوند در مذمت آنها می فرماید:

يا ايها الذين آمنوا ما لكم اذا قيل لكم انفروا في سبيل الله اثاقلتم الى الارض ارضيتم بالحيوه الدنيا من الاخره فما متاع الحيوه الدنيا في الاخره الا قليل. {توبه 38}

ای مؤمنین! شما را چه شده؟ وقتی به شما میگویند در راه خدا جهاد کنید، به زمین می چسبید! آیا دنیا را بر آخرت ترجیح می دهید؟ کالای دنیا در مقابل آخرت خیلی کم است.

انسان عاقل کالای کم دنیا را بر نعمتهای بی حد و حصر آخرت، ترجیح نمی دهد.

بهشتی که درباره آن آمده است:

رسول خدا(ص): یک وجب از خاک بهشت، از دنیا و آنچه در دنیا است، بهتر می باشد.

یکصد هزار طعم

وظایف مؤمنین

رسول خدا(ص):هریک از میوه های بهشتی، یکصد هزار طعم دارد همچنین فرمود: در عالم رویا عموم حمزه را دیدم که طبقی انگور در مقابلش بود. ناگاه به خرما تبدیل شد.

بوی بهشت

ابابصیر می گوید: به امام صادق(ع)، عرض کردم که: مرا ترغیب و تشویق بفرمائید! فرمود: ای ابا محمد! بوی بهشت از مسیر هزار سال بمشام می رسد. کسیکه پایین ترین درجه اهل بهشت را دارا است، اگر همه انس و جن، مهمان او شوند، برای آنها غذا و آشامیدنی دارد و چیزی کم نمی آورد. ساده ترین نعمتها برای یک فرد بهشتی، آنستکه به او سه باغ می دهند. وقتی به باغ اول می رود، تا چشم کار می کند، حورالعین و خادم و نهرها و میوه ها را می بیند و خدا را بخاطر این نعمتها شکر می کند. در این موقع به او گفته می شود، سرت را بلند کن و به باغ دوم نگاه نما! که در آن نعمتهایی است که در اولی نیست! و...

امر بمعروف و نهی از منکر کنید

17- ای مؤمنین! باید امر بمعروف و نهی از منکر کنید و نماز و زکات را بپا نمائید. و از خدا و رسول اطاعت کنید.

والمؤمنون والمؤمنات اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلاه و یؤتون الزکوه و یطیعون الله و رسوله اولئک سیر حمهم الله ان الله عزیز حکیم {توبه 71}

(التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و بشر المؤمنین) توبه 112

آنهاست که توبه کننده، عابد، حمد کننده، هجرت کننده، اهل رکوع و سجود و امر بمعروف و نهی از منکرند. پس مؤمنین را بشارت بده!

«ولتکن منکم امه یدعون الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون» آل

عمران 104

باید عده ای از شما به خیر دعوت کرده و امر بمعروف و نهی از منکر نمایند.

وظایف مؤمنین

«کنتم خیر امه اخرجت للناس تؤمنون بالله و تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر» آل عمران 3

شما بهترین امتی هستید که بخدا ایمان داشته و امر بمعروف و نهی از منکر می کنید.

المؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف وینهون عن المنکر. توبه 71

«یا بنی اقم الصلوة و أمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک انّ ذلک من عزم

الامور» لقمان 17

یعنی ای پسر! نماز بخوان و امر بمعروف و نهی از منکر کن و بر مصیبتها صابر باش که این علامت اراده قوی است.

«اذا سمعتم آیات الله یکفر بها و یستهزء بها فلا تقعدوا معهم»

یعنی هرگاه شنیدید که به آیات الهی کفر گفته شده و آیات الهی را مسخره می کنند شما در مجلس آنان ننشینید.

الذین ان مکنهم اقاموا الصلوة و اتوا الزکاه و امرو بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور. حج 41

این دو اصل امر بمعروف و نهی از منکر در حقیقت یک نوع جهاد هستند ولی جهاد مسالمت آمیز. معروف هر آنچه است که اسلام بدو دستور داده مثل نماز خواندن و روزه گرفتن و... و منکر هر آنچه که اسلام از آن نهی نموده است مثل شراب خوردن و روزه خوردن و...

این دو اصل باعث می شود که مسلمانان بر خلاف ملل دیگر نسبت به هم بی تفاوت نباشند و در مورد یکدیگر احساس مسئولیت نمایند:

«و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»

یعنی مؤمنین توصیه به حق و توصیه به صبر به یکدیگر می کنند.

امر بمعروف و نهی از منکر در آئینه احادیث

1- رسول خدا (ص): آمر به معروف و ناهی از منکر خلیفه خدا هستند.

2- امیر مؤمنان (ع) تمام کارهای خوب نسبت به امر بمعروف و نهی از منکر

همانند قطره نسبت به دریا است.

3- رسول خدا (ص): اگر گناهان علنی شود و کسی نهی از منکر نکند به توحید اهانت می شود.

4- امیر مؤمنان (ع): کسی که نه با دل و نه با دست و زبان نهی از منکر نکند مرده ای در بین زندگان است.

5- امام صادق (ع): کسی که همسایه گناهکارش را نهی از منکر نکند شریک او است.

وظایف مؤمنین

6- رسول خدا (ص): بخدا قسم از امت من اشخاصی محشور شوند که صورتی مانند بوزینه و خوک دارند اینها قدرت بر نهی از منکر داشتند ولی با گناهکار سازش کردند.

امام علی (ع): «امر بمعروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدان بر شما مسلط شده و دیگر دعای شما مستجاب نمی شود!»

امام باقر (ع): «امر بمعروف و نهی از منکر دو مخلوق خدا هستند. هر که آنها را یاری کند، خدا او را عزیز بدارد و هر که آنها را تنها بگذارد، خدا او را خوار کند.»

امام صادق (ع): «هر که همسایه معصیت کاری داشته باشد و او را نهی از منکر نکند، شریک جرمش است.»

مصادیق منکرات

«منکرات اعتقادی مثل کفر - منکرات اخلاقی مانند فحشاء - منکرات عبادی مانند روزه خواری - منکرات خانوادگی مثل ترویج فساد در خانه - منکرات اقتصادی مانند احتکار و گرانفروشی - منکرات اجتماعی مانند خیانت و چشم چرانی

منکرات سیاسی مانند اشاعه اکاذیب و شایعه پراکنی - منکرات

نظامی مثل فرار از خدمت - منکرات فرهنگی مانند کراوات و سنگ وویسکی... - منکرات اداری مانند رشوه خواری »

درباره اهمیت نماز گفته شد. اما جایگاه مهم زکات در اسلام:

زکات آن چنان جایگاه مهمی دارد که در صدر اسلام، بخاطر اهمیتی که رسول خدا به امر زکات می داد، اخذ زکات از مسلمین اجباری بود و با هر روستا یا قبیله ای که از دادن زکات امتناع می کردند، می جگیدند و آنها را مجبور به دان زکات می کردند. زیرا زکات علاوه بر اینکه یک واجب دینی است که رتبه اش بعد از نماز است، آثار مثبتی برای جامعه مسلمین به ارمغان می آورد. از جمله:

الف - از بین رفتن فقر در جامعه مسلمین

وظایف مؤمنین

اسلام عزیز برای از بین بردن فقر در جامعه مسلمین و برای جلوگیری از خوار و ذلیل شدن عده‌ای از مسلمانان، دستور داده است که زکات پرداخت شود. واقعا اگر همه مسلمانانی که زکات دامن آنها را می‌گیرد زکات بدهند، آیا فقری در جامعه باقی می‌ماند؟ حتی اسلام برای ایجاد عدالت در بین فقرا و زکات گیرندگان، دستور داده است که به هر فقری بیشتر از مخارج یکسالش پرداخت نشود. تا مبادا به عده‌ای از فقرا زیاد بدهند و به عده‌ای کم.

ب- پاک نمودن اموال مسلمانان از آلودگیها:

چون زندگی مسلمان باید از هرگونه آلودگی پاک باشد، با دادن زکات اموالی که زکاتش پرداخت شده برای او پاک و پاکیزه می‌شود و استفاده از آنها در روح و روان خانواده اثر مثبتی دارد. و بر عکس کسانی که زکات نمی‌دهند وقتی که از اموال زکات نداده استفاده می‌کنند گویا مشغول خوردن مال دزدی می‌باشند. چطور اگر به مسلمانی بگویند بیا و مال دزدی را بخور! ناراحت می‌شود. ولی از خوردن مال زکات نداده ابایی ندارد و امتناع نمی‌کند؟ علت این امر بعضی‌ها شاید بخاطر ندانستن مسئله زکات و جایگاه زکات در اسلام باشد. او نمی‌داند که دارد مال حرام می‌خورد. او نمی‌داند که کسی که زکات ندهد نمازش قبول نیست. او نمی‌داند که دارد حق فقرا را می‌خورد.

ج- بهره‌مندی همه مردم از مواهب زندگی

چرا باید همیشه عده‌ای از مسلمانان در رفاه و سیری و خوشی باشند و عده‌ای در فقر و گرسنگی و گرفتاری مالی؟ مگر همه انسان نیستند و مگر خدا نفرموده که همه در پیشگاهش برابرند مگر افرادی که تقوایشان بیشتر است؟ آری باید بوسیله اشاعه فرهنگ زکات در جامعه مسلمین، محیطی پدید آید که همه از مواهب زندگی استفاده کنند. اگر بناست انسان از ماشین استفاده کند همه مسلمانان باید ماشین داشته باشند. اگر بناست انسان در خانه زندگی کند همه باید خانه داشته باشند. اگر بناست انسان ازدواج نماید باید همه جوانها توانائی ازدواج داشته باشند. اگر بناست غذا خورده شود همه باید غذا بخورند. در این دین گرانبها، همه انسانها حق داند تا از نعمتهائی که خدا به آنها کرامت کرده بهره‌مند گردند.

د- جلوگیری از بوجود آمدن جرم

به گفته کارشناسان دین و کارشناسان غیر دینی، یکی از عوامل بزهکاری در جامعه، فقر می‌باشد. دزدی و فحشاء و مواد مخدر و بیکاری و قاچاق همیشه قربانی گرفته است. گاهی انسان چشمش به پسر جوانی

وظایف مؤمنین

می‌افتد که بخاطر دزدی باید سالهای سال از عمر گرانقدر خود را در زندان سپری نماید. همچنین زنانی که بخاطر فقر، گوهر گرانبهای خود یعنی عفت خود را در مقابل مبلغ ناچیزی به حراج می‌گذارند.

در بوجود آمدن این بزه‌ها، افرادی که باید زکات بدهد نقش دارند. کسانی که متمکن هستند و اموال خود را در راه فقر زدایی صرف نمی‌کنند مقصر هستند. سرمایه دارانی که می‌توانند با سرمایه گذاری در کشور عزیز ایران، کارخانه و محل‌های اشتغال زائی ایجاد نمایند ولی سرمایه خود را به خارج از کشور منتقل کرده و در آنجا پول خود را صرف می‌کنند، آنها هم در ایجاد جرایم مقصر هستند.

ذ- کمک به پر رنگ شدن نقش دین

در جهان کنونی متأسفانه در کشورهای مسلمان فقر بی‌داد می‌کند. بیش از 50 درصد مردم پاکستان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در افغانستان، عراق، بنگلادش، مصر، سودان و... دهها کشور اسلامی فقر و گرسنگی در سطح بالایی وجود دارد. اگر در این کشورها، افراد متمکن به وظایف اسلامی و انسانی خود عمل کنند و خمس و زکات اموالشان را بدهند و علاوه بر آن صدقات مستحب و انفاق‌های نیکوکارانه را انجام دهند، می‌توانند در فقر زدائی از کشورشان و نشان دادن چهره اصلی اسلام که مبنی بر از بین بردن هرگونه فقر و گرسنگی است نقش مهمی ایفا نمایند.

پرداخت زکات از نظر خداوند، یکی از علامتهای دینداری و شرط ضروری ایمان شمرده شده است.

«قد افلح المؤمنون. الذین هم فی صلاتهم خاشعون. والذین هم عن اللغو معرضون. والذین هم للزکات

فاعلون» مؤمنون 1

یعنی حقیقتاً مؤمنین رستگار شدند آنانکه در نماز خاشع، از لغو دور و اهل زکات دادن هستند.

ندادن زکات نشانه شرک است:

«و ویلٌ للمشرکین. الذین لا یؤتون الزکات و هم بالآخره هم کافرون» فصلت 6-7

یعنی وای بر مشرکین که زکات نمی‌دهند و قیامت را قبول ندارند.

پرداخت زکات باعث جلب رحمت الهی است:

«و اقیموا الصلاه و اتوا الزکاه و اطیعوا الرسول لعلکم ترحمون» نور 56

نماز گذاشته و زکات داده و از پیامبر اطاعت کنید شاید خدا بشما رحم نماید.

وظایف مؤمنین

دادن زکات یکی از وظایف حاکمان مؤمن است:

«الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلاة و آتوا الزکاة و امرؤا بالمعروف و نهوا عن المنکر» حج

40-41

یعنی آنان که اگر به آنها حکومت بدهیم نماز اقامه کرده و زکات داده و امر بمعروف و نهی از منکر می نمایند.

زکات در شریعت همه پیامبران الهی بوده است:

«واذکر فی الکتاب اسماعیل اذ کان صادق الوعد و کان رسولانیا و کان یأمر اهله بالصلاة و الزکاة

و کان عند ربّه مرضیا» مریم 54-55

یاد کن در کتاب از اسماعیل که به وعده اش عمل می کرد و پیامبر و رسول بود و خانواده اش را به نماز و زکات امر می نمود و خدا از او راضی بود.

«و وهبنا له اسحاق و یعقوب نافله و کلاً جعلنا صالحین و جعلناهم ائمةً بامرنا و اوحینا الیهم فعل

الخیرات و اقام الصلوة و ایتاء الزکاة و کانوا لنا عابدين» انبیاء 74

یعنی به ابراهیم، عطا کردیم اسحاق و یعقوب را و همه را صالح قرار دادیم و پیوایان از طرف خود کردیم و به آنها وحی نمودیم که کارهای خیر و نماز و زکات انجام دهند و آنها ما را عبادت می کنند.

زکات یکی از راههای امتحان مؤمنین است:

«انما اموالکم و اولادکم فتنه و الله عنده اجر عظیم» تغابن 15

یعنی مال و فرزندان اسباب آزمایش هستند و در نزد خدا پاداش عظیمی است.

روایات

امام صادق (ع): «دزدها سه دسته اند. اول کسیکه زکات نمی دهد. دوم کسیکه مهر زنش را

نمی پردازد. سوم کسیکه قرض کرده ولی قرضش را نمی پردازد.» وسائل - میزان الحکمة

نصیحت رسول خدا به یکی از زنان

ای حواء! حق زن بر مرد این است که شکم زن را سیر کند و لباس برایش فراهم کند و به

او نماز و روزه و زکات را بیاموزد. «فرشته زمینی»

وظایف مؤمنین

خداوند زکات و حقوق مالی الهی را پاک کردن نامیده است: خذ من اموالهم صدقه تطهرهم
و تزکیهم {توبه 102}
با گرفتن صدقات آنها را پاک و تصفیه نما.

رسول خدا (ص) فرمود ندا کنند که ای مسلمین! زکات اموالتان را بدهید تا نمازتان قبول شود. وسائل

زکات از نماز جدا نیست

امام باقر (ع): خدا در قرآن زکات را با نماز آورده پس هر که نماز بخواند ولی زکات ندهد مثل این است که
نماز نخوانده است. وسائل ج 4 ص 3
امام صادق (ع): قسم به خدائی که مخلوقات را خلق کرد و به آنها رزق داده هیچ مالی در خشکی و در دریا از
بین نمی رود مگر بواسطه ندادن زکات. وسائل ج 4 ص 3

امام رضا (ع): هرگاه زکات پرداخته نشود، چارپایان دچار مرگ و میر شوند.
امام علی (ع): داراییهایی خود را با (دادن) زکات حفظ کنید.

- امام باقر (ع): زکات دادن، روزی را زیاد می کند.
- امام علی (ع): زکات را واجب کرد، تا سبب روزی باشد.
- امام حسن (ع): زکات، هرگز چیزی را از ثروت کم نمی کند.

همیشه با راستگویان باشید

18- ای مؤمنین! همواره با راستگویان باشید.

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین {توبه 119}

در تفاسیر درباره مراد از صادقین، آمده که آنها کسانی هستند که هیچگاه در عمرشان دروغ نگفته اند. که شامل
پیامبران و امامان ع می شود.

مقام پیامبران که مشخص است اما درباره جایگاه اهل بیت ع از باب تبرک و تیمن مطالبی عرضه می داریم:

آیات زیادی در قرآن در باره امامت وجود دارد. امامت دنباله نبوت پیامبر اسلام (ص) است. و اگر امامت نباشد، دین ناقص است. تعبیرات قرآن از امامت بشرح زیر است:

- 1- با امامت، دین اسلام کامل شد (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا) مائده یعنی امروز (روز غدیر) دین را برایتان کامل و نعمت را برایتان تمام نمودم و اسلام را برایتان پسندیدم.
- 2- علوم همه انبیاء در امام جمع شده است (وکل شیء احصیناه فی امام مبین) یس 12
یعنی هر چیزی را در امام مبین جمع نمودیم.
- 3- علی (ع) صراط مستقیم است. (پیامبر (ص): علی صراط مستقیم است.)
- 4- امامت بالاترین درجه حضرت ابراهیم (ع) بود. (واذا ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فاتّمهنّ قال انّی جاعلک للناس اماما قال ومن ذریّتی قال لاینال عهدی الظالمین) بقره 124 یعنی و هنگامیکه خدا ابراهیم را با حقایقی آزمایش کرد و آنها را به آخر رساند، خدا به ابراهیم گفت: تو را بمقام امامت می رسانم. ابراهیم گفت: از نسل منم کسی به امامت می رسد؟ خدا فرمود: عهد من (امامت) به ظالمین نمی رسد.
- 5- (ولا یعلم تأویله الاّ الله والراسخون فی العلم) آل عمران 7 یعنی قرآن را فقط خدا و ثابّتین در علم (امامان) می دانند.
- 6- امامان از آلودگیها پاک هستند. (انّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهّرکم تطهیرا) احزاب 33 یعنی خدا اراده کرده که شما اهل بیت را از پلیدی دور کرده و پاک و مطهر قرار دهد.
- ابن عباس می گوید: وقتی آیه فوق نازل شد، پیامبر (ص) 9 ماه همه روزه در خانه علی (ع) می رفت و بر آنها سلام می کرد و آیه فوق را تلاوت می فرمود.
- 7- علی (ع) و شیعیانش بهترین مخلوقات زمین هستند (انّ الذین امنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریّه) بینه 7 یعنی اهل ایمان و عمل صالح؛ بهترین مخلوق خدا هستند. که در تفسیر آمده که پیامبر فرمود: مراد علی و شیعیانش هستند.
- 8- بعد از خدا و رسول، امامان پیشوای مردمند (انّما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه وهم راکعون) مائده 60 یعنی همانا سرپرست شما، خدا و رسول خدا و آنهاست که ایمان آورده و نماز برپا داشته و در حال رکوع زکات می دهند، هستند.
- که علماء سنّی و شیعه گفته اند که آیه فوق در شأن علی (ع) نازل شده است.
- 9- امامان اولی الامر و صاحب اختیار مردمند. (یا ایّها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم) نساء 62
یعنی ای اهل ایمان! از خدا و رسول و اولی الامر اطاعت کنید.
- که مفسرین شیعه و بعضا سنّی معتقدند که مراد از اولی الامر، امامان معصوم (ع) هستند.

وظایف مؤمنین

درباره آیه فوق جابر از پیامبر (ص) سؤال کرد که اولی الامر که ماباید از آنها اطاعت کنیم کیانند؟ و حضرت فرمود: جانشینان من که اول آنها علی (ع) و بعد حسن (ع) و حسین (ع) سپس علی بن الحسین آنگاه محمد باقر که تو او را می بینی پس سلام مرا برسان! سپس جعفر صادق و بعد از او موسی کاظم و بعد از او علی الرضا و بعد از او محمد جواد و بعد از او علی هادی و بعد از او حسن عسگری و بعد از او قائم منتظر مهدی (ع) هستند که بعد از من امام و پیشوا خواهند بود. (اثبات الهدی ج 3 ص 123)

ابراهیم (ع) و ملکوت آسمانها

رسول خدا (ص): وقتی خداوند، ملکوت آسمانها را به ابراهیم (ع) نشان داد، ابراهیم (ع) نوری را در عرش دید. پرسید: خدایا! این چه نوری است؟

خطاب رسید: ای ابراهیم! این نور، محمد برگزیده من است.

پرسید: نور دیگری که پهلوی اوست، چیست؟

فرمود: این نور علی، یاری کننده دین من است.

پرسید: نور دیگری هم پهلوی ایشان مشاهده می کنم!

فرمود: این فاطمه است که پهلوی پدر و شوهرش قرار دارد. من دوستان فاطمه را از آتش نجات داده ام.

پرسید: خدایا! دو نور دیگر می بینم!

فرمود: آنها حسن و حسین هستند.

پرسید: نورهای دیگری هم می بینم!

فرمود: آنها علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی آل محمد می باشند.

پرسید: خدایا! غیر از این چهارده نور، نورهای بسیاری در اطراف آنها می بینم!

فرمود: اینها شیعیان و دوستان محمد و آل محمدند.

پرسید: شیعیان را با چه علامتی می توان شناخت؟

فرمود: خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز (17 رکعت واجب و 34 رکعت نافله)، بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، قنوت قبل از رکوع، سجده شکر و انگشت بدست راست کردن.

ابراهیم (ع) درخواست کرد که: خدایا! مرا نیز از دوستان و شیعیان محمد و آل محمد قرار بده!

خطاب رسید: من تو را از دوستان و شیعیان آنها قرار دادم. «ستارگان درخشان ج 11 ص 5»

این جایگاه اهل بیت ع است که ایشان حجت‌های الهی و انوار خداوند در زمین هستند. هر که از آنها تبعیت کرد هدایت شد و هر که با آنها مخالفت کرد، گمراه گردید.

از شهر و روستا برای کسب علوم هجرت کنید

19- ای مؤمنین! باید عده ای از شما از شهر و روستای خودتان بسوی مراکز فقهی و علمی اسلامی هجرت نموده و پس از عالم شدن، برگردید و مردم را هدایت نمایید.

وما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون {توبه 122}

همانطوری که مردم در زندگی خود به انواع افراد متخصص نیازمند هستند مانند دکتر و مهندس و معمار و نجار و غیره. به متخصص در دین و احکام شرعی نیز نیازمند می باشند. لذا باید عده ای از افراد با استعداد و علاقه مند به علوم حوزوی، از سراسر کشور اسلامی بسوی حوزه های علمی اعزام شوند و اساتید و عالمان سپس در نزد مراجع تقلید علوم مورد نیاز مردم را فرا گرفته بعد بعنوانین مختلف مانند امام جمعه، استاد حوزه علمی، منبری و سخنران، مسئول عقیدتی سیاسی و روحانی مستقر و غیره به شهر و روستاها مراجعت فرمایند.

امام راحل که خود از علماء بسیار بزرگ قرن حاضر بوده و بنیان انقلاب اسلامی نهادند، در بیانات خود بارها و بارها به جایگاه ویژه روحانیت در اسلام اشاره می کردند و مردم را به پیروی از روحانیت راستین دعوت می کردند و اسلام منهای روحانی را، اسلام منهای اسلام می دانستند.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، چون جایگاه و ارزش روحانیت برای همگان روشن گردید، باعث شد که از یک طرف مردم ایران بیشتر به جایگاه این نهاد مقدس پی ببرند و با آنان همراهی کنند و از تبعیت از آنان در امر دین و دنیایشان دوری نمایند و از طرفی باعث شد که دشمنان روحانیت برای از بین بردن این جایگاه مهم و سرنوشت ساز از راههای مختلف به توطئه دست بزنند. یکی از این توطئه ها ایجاد توهم دشمنی روحانیت با لذات و رفاه و دنیا و زندگی و معاش مردم است. به بعضی از جوانان القا کرده اند که روحانیون هستند که باعث شده اند همیشه مراسم عزادارای و روضه خوانی برپا باشد و از مجالس خوشحال کننده و سرور و شادی خبری نباشد و در پارکها و در بندها و بازارها مأمورین حکومت روحانیون! مانع از شادی جوانان

وظایف مؤمنین

می‌شوند و حتی از پوشیدن لباسهای سبک جلوگیری می‌کنند و روحانیون با لذات دنیوی مخالفند و می‌گویند مردم باید در دنیا زاهد باشند و ریاضت بکشند و در آخرت خدا آنان را به بهشت می‌برد. به آنان القا کرده‌اند که روحانیون با هر گونه پیشرفت مخالفند و می‌گویند مردم نیازی به تلویزیون و رادیو و سینما و ویدئو ندارند. و صدها تهمت و دروغ دیگر. لذا بعضی از جوانان با یک دشمنی خاصی با روحانی روبرو می‌شوند اما وقتی پای صحبت او می‌نشینند و می‌بینند از آن دروغها خبری نیست و متوجه می‌شوند که :

روحانی هرگز مخالف پیشرفت نیست. روحانی هرگز مخالف رفاه نیست. روحانی هرگز مخالف لذات مشروع نیست. روحانی هرگز مخالف تفریح سالم و گشت و گذار در کوه و دشت نیست. روحانی هرگز مخالف پوشیدن لباسهای زیبا و قیمتی و استفاده از نعمتهای خدادادی نیست. روحانی هرگز مخالف آزادی‌های مشروع نیست. روحانی هرگز مخالف زندگی مرفه نیست. روحانی بدنبال این است که مسئولین سعی کنند و تلاش کنند تا همه مردم صاحب خانه و ماشین و شغل باشند. روحانی بدنبال عزت مردم است. همانگونه که امام راحل وقتی در بازگشت از تبعید در بهشت زهرا سخنرانی کرد، فرمود: من آمده‌ام تا شما عزیز باشید.

روحانی با فساد مخالف است. روحانی با بی بند و باری مخالف است. روحانی با آزادیهای از جنس غربی مخالف است. روحانی با سینمایی که فیلمهای خلاف عفت و اخلاق نمایش دهد مخالف است. روحانی با رایانه‌ای که فساد را اشاعه دهد مخالف است. روحانی با اینترنتی که جوانان را به تباهی‌ها دعوت می‌نماید مخالف است. روحانی با پوشیدن لباسهایی که عفت عمومی را هتک حرمت کند مخالف است. روحانی با پارک و کوه رفتن افرادی که مزاحم نوامیس مردم می‌شوند مخالف است. روحانی با تلویزیونی که برنامه‌های مخالف امنیت و اخلاق و دین پخش می‌کند مخالف است. روحانی با مشروبات الکلی که عقل را ضایع می‌کند مخالف است. روحانی با مواد مخدری که جوانان را بیچاره و بدبخت می‌کند مخالف است. روحانی با سرمایه داری که سرمایه‌اش را از راههای حرام کسب کرده مخالف است. روحانی با باندهای که در پی شکار جوانان ساده لوح هستند مخالف است. روحانی با پارتی‌ها و اجتماعاتی که در آن انواع گناهان و فسق و فجورها انجام می‌شود مخالف است. روحانی با گروههای سیاسی که جوانان را به دام انداخته و آنان را علیه دین و دیانت تحریک می‌کنند مخالف است. روحانی با گروههای سیاسی که بر خلاف امنیت و بر خلاف اسلام و انقلاب اسلامی حرکت می‌کنند مخالف است. روحانی با فساد مخالف است. روحانی با از هم پاشیده شدن کانونهای خانواده‌ها مخالف است. روحانی با زیر بار ظلم

وظایف مؤمنین

استکبار رفتن مخالف است. روحانی با زیر بار قدرتهای حق و تودار رفتن مخالف است. روحانی با هرگونه استعمار و بهره‌کشی از انسانها مخالف است. روحانی با وطن فروشها مخالف است. روحانی با شاهانی که هزاران سال مردم ایران راغ اسیر خود نمودند و انواع جنایتها و ظلم‌ها در حق او روا داشتند مخالف است. روحانی با ستم‌خانه‌ها و حاکمان زر و زور مخالف است. روحانی با حکومت‌هایی که قبل از انقلاب توسط استعمار به مردم تحمیل شدند مخالف است. روحانی با انحراف مخالف است. روحانی با تباهی مخالف است. روحانی با کفر و الحاد و ارتداد مخالف است. روحانی مردم را به نور دعوت می‌کند و با ظلمت مخالف است.

روحانی، مردم ایران را که امتیاز شیعه بودن را از بین تمام کشورها به خود اختصاص داده‌اند دوست دارد. روحانی جوانانی را که دوستدار اهل بیت هستند دوست دارد. روحانی جوانانی را که در پیروزی انقلاب اسلامی سهم اصلی را داشتند دوست دارد. روحانی جوانانی را که در ایام دفاع مقدس با مجاهدتهای خودینی استکبار را بر خاک مالیدند و صدام را به ذلت کشاندند دوست دارد. روحانی جوانانی را که بعد از دفاع مقدس در میادین سازنگی و در المپیادهای علمی و ورزشی پرچم اسلام را برافراشتند دوست دارد. روحانی جوانانی را که در ایام جوانی عفت و پاکی خود را حفظ می‌کنند و هرگز به ندای خناسان و وسوسه‌گرانی که آنها را به فساد و انحراف و روابط نامشروع دعوت می‌نمایند گوش نمی‌دهند دوست دارد. روحانی تمام جوانانی را که در ایام جوانی به تهذیب نفس و حضور در مساجد و محافل مذهبی روی آورده‌اند دوست دارد. روحانی تمام جوانانی را که در راهپیمائی‌ها و تظاهرات مردم علیه استکبار و اسرائیل غاصب، شرکت می‌کنند دوست دارد. روحانی همه جوانانی را که افتخار می‌کنند مسلمانند و هرگز حاضر نمی‌شوند علامتهای غیر اسلامی از قبیل صلیب را برگردن خود بیاویزند، دوست دارد. روحانی تمام جوانان ایرانی را که تکبر در مقابل خدا نکرده و در هنگام نماز به رکوع و سجود در مقابل ذات اقدس الهی روی می‌آورند دوست دارد. روحانی همه جوانانی را که در ایام محرم دستهای عزاداری تشکیل داده و در عزای سید شهیدان بر سر و سینه خود می‌زنند دوست دارد. روحانی همه جوانانی را که هیچگاه دچار غرزدگی نمی‌شوند و خود را در مقابل زرق و برقه‌های غرب حقیر نمی‌دانند بلکه به ایرانی بودن و مسلمان بودن خود افتخار می‌کنند دوست دارد. روحانی تمامی جوانانی را که در ایام فراغت خود بجای هرزگی و مزاحمت برای نوامیس مردم، به فعالیتهای مفید فرهنگی و ورزشی و علمی می‌پردازند دوست دارد. و خلاصه کلام آنکه هیچگاه بین روحانی و جوانان ایرانی فاصله نخواهد افتاد و دشمنان این خواب و رؤیا را با خود به گور خواهند

برد تا زمانی که این انقلاب به انقلاب جهانی امام عصر (عج) متصل شود که به یقین تعدادی از یاران امام عصر (عج) از این سرزمین خواهد بود.

در عبادت و مجاهدت باشید

20- ای مؤمنین! پروردگار خود را عبادت کنید و در این راه باید مجاهدت ها نمائید.

یا ایها الذین آمنوا ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخير لعلکم تفلحون وجاهدوا فی الله حق جهاده... {حج 77} مهمترین هدف از خلقت انسانها، عبادت و بندگی انسان است. و هر چه انسان بیشتر در پیشگاه خداوند بندگی کند مقامش بیشتر است اگر چه خداوند هیچ نیازی به عبادت انسان ها ندارد.

و مهمترین جلوه عبادت در نماز و مهمترین قسمت نماز سجده و رکوع است که انسان در مقابل پروردگارش اعضای بدن خود را خم می نماید و دل خود را خاشع می کند و اظهار بندگی می کند. لذا پیامبران و امامان بسیار عبادت می کردند. عبادت و دعای پیامبر:

«از ام سلمه در باره نماز پیامبر پرسیدند. گفت: شما از نماز پیامبر چه می دانید؟ رسول خدا (ص) هنگام شب برای نماز بر می خواست و مشغول نماز می شد. سپس به اندازه مدت نماز، می خوابید. دوباره بلند می شد و نماز می خواند. سپس به اندازه مدت نماز، استراحت می کرد و مجدداً برای نماز بر می خواست... تا صبح می شد.»

«عبادت امیر مومنان:

امیر مومنان شبی هزار رکعت نماز می خواند و از کثرت سجده، پیشانی اش پینه می بست. هفتاد بار از خوف خدا، غش کرد و بیهوش شد. در هنگام نماز، تیر را از پایش در آوردند، متوجه نشد. در موقع نماز رنگ برنگ می شد و دچار ترس و لرز می گردید.

امام سجاد (ع) فرمود: مَنْ يَقْدِرْ عَلَى عِبَادَةِ عَلِيٍّ؟ چه کسی می تواند مثل علی عبادت کند؟

او «تاج البکائین» یعنی «تاج بسیار گریه کنندگان برای خدا» بود.

شاعر می گوید:

هوالبکاء فی المحراب لیلًا هو الضحاک اذا اشتد الضراب یعنی: علی در شب در محراب، بسیار می گریه. علی در روز، در هنگام جنگ، بسیار می خندد.

در یکی از شبهای سخت جنگ صفین، در حالیکه تیر از هر طرف می بارید، امام مشغول خواند نماز نافله بود.

وظایف مؤمنین

او می فرمود: خدایا تورا بخاطر طمع به بهشت ویا ترس از جهنم عبادت نمی کنم! بلکه تورا چون شایسته عبادت می دانم، عبادت می نمایم.»

عبادت امام سجاده (ع)

امام باقر (ع) می گوید:

پیش پدرم رفتم و هنگامیکه دیدم که از کثرت عبادت و بیداری، رنگ مبارکش زرد و چشمهایش از گریه زیاد مجروح و پیشانی‌اش از کثرت سجود پینه کرده و ساقهای پایش از ایستادن زیاد در نماز ورم کرده بود، من به گریه افتادم. امام بمن نگاهی کرد و گفت: آن کتابی که عبادت علی (ع) در آن ذکر شده است را بیاور! وقتی آوردم، مقداری خواند و فرمود: چه کسی می تواند مانند علی، عبادت کند؟

آمده است که :

امام در نماز بودند که خانه آتش گرفت. امام هیچ متوجه نشدند تا زمانی که نمازشان تمام شد. آنگاه فهمیدند که خانه آتش گرفته بوده است.

کنیز امام سجاده (ع):

من هیچگاه برای حضرت در روز غذا نبردم و در شب بستر برای خواب پهن ننمودم.

آمده است که:

وقتی امام سجاده (ع) در نماز به «مالک یوم الدین» می رسید، آنقدر آن را تکرار می کرد که نزدیک بود روح از بدنش خارج شود.

امام شبهارا تا به صبح به عبادت مشغول بود و گاهی آنقدر نماز می خواند که وقتی می خواست به بستر برود، نمی توانست ایستاده برود، بلکه مانند کودکی که تازه راه افتاده است، حرکت می کرد و خود را به بستر می رساند.

امام در ماه رمضان، جز دعا و تسبیح و استغفار، سخن دیگری نمی فرمود.

«امام سجاده (ع): به خدا قسم اگر اعضای بدنم پاره پاره شود و چشمانم از حقه بر سینه ام فرو غلتند تا مگر شکر ده یک، از یک دهم نعمتی از نعمتهای خدا را که شمارندگان، شمارش آن نتوانند کرد و حمد همه حامدان حق، یکی از آنها را ادا نتواند کرد بجا آورم، به خدا سوگند نمی توانم، جز آنکه خدا مرا چنان بیند که در شب و روز و خلوت و آشکار، چیزی مرا از شکر و ذکر او باز نمی دارد. و اگر نبود که خانواده ام بر من حق دارند و دیگران را نیز بر من حقوقی است که ناگزیر باید در حد توان خویش، آن حقوق را ادا کنم، همانا چشم به آسمان می دوختم و دل خود را به سوی خدا متوجه

می ساختم و دیده و دل بر نمی گرفتم تا خدا جانم را بگیرد و اوست بهترین حکم کنندگان.» هزار و یک نکته درباره نماز «

شب زنده داری میرزا جواد آقا ملکی

مرحوم حجة الاسلام سید محمود یزدی، که از شاگردان حاج میرزا جواد آقا بوده، در بیرونی منزل استاد می نشست. درباره نماز شب های آن عارف وارسته می گوید: شب ها که ایشان برای شب زنده داری و عبادت برمی خاست، مدتی در رختخواب به گریه از خوف خدا و اشک برای عشق به حق مشغول بود. گاهی به سجده می رفت و زمانی لب به دعا می گشود. آن گاه در صحن منزل رو به طرف آسمان می کرد و آیات مخصوص را تلاوت می فرمود:

«ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار... ربنا ما خلقت هذا باطلا...»⁽⁹⁾ اثر این آیات الهی آن چنان بود که او را از خود بی خود کرده، سر بر دیوار می گذاشت و لحظاتی گریه می کرد. آن گاه که برای گرفتن وضو آماده می شد، در کنار حوض نشسته، مدتی گریه می کرد و پس از وضو ساختن چون به مصلاش می رسید و مشغول تهجد می شد، حالش منقلب گشته، اشک بسیار می ریخت؛ به طوری که از گریه های طولانی در نمازها و مخصوصاً قنوت ها، بعضی ایشان را جزء «بکاین» عصر به شمار آورده اند.

در کارهای خیر از هم سبقت بگیرید

وَلِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّیْهَا ۖ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ اَیْنَ مَا تَكُونُوا یَأْتِ بِكُمْ اللّٰهُ جَمِیْعًا ۚ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ^۱

در خیر از هم سبقت بگیرید.

از مهمترین خصوصیات که پایه اجتماع را قوی و دلها را به هم نزدیک می کند نوع دوستی و مواسات است.

وظایف مؤمنین

امام صادق(ع) فرمود: کسیکه یک خاشاکی را از صورت برادرش بزدايد خداوند ده حسنه برای او می نویسد و کسیکه بر روی برادرش تبسم کند برای او یک حسنه است.

طبق قوانین شرعی مسلمان آنقدر ارزش دارد که باید برای حفظ جان او در صورت لزوم قسم دروغ خورد و یا به مقدسات در ظاهر توهین کرد و حتی گوشت سگ و خوک برای زنده ماندن مسلمان حلال می شود لذا پیامبر(ص) فرمود: هر کس که حاجتی برای برادر مؤمنش برآورده باشد مثل اینست که روزگاری (یک عمر) عبادت خداوند نموده است.

حقوق برادران از دیدگاه امام سجاد(ع):

امام سجاد(ع) می فرماید: اما حقوق برادران دینی آنست که همواره از صمیم قلب سلامتی آنها را خواسته و نهایت مهربانی داشته و مدارا کنی با بدان آنها و دلجوئی کرده در اصلاحشان بکوشی و از خوبانیشان تشکر کنی و همه را دعا کنی و یاری نمایی و هریک را فراخور حالش مراعات کنی بزگشان را بمنزله پدرت و کوچکشان را بمنزله فرزندت و میانسالشان را بمنزله رادر قرار داده و هر که نزد آمد با مهر و محبت پذیرا باشی و به برادرت آنچنان خدمتی کنی مثل آنچه واجب است برادر به برادر خدمت کند.

محمدمبن جمهور گوید: نجاشی حاکم اهواز بود یکی از کارمندانش بخ امام ششم(ع) عرضکرد در دفتر نجاشی خراجی به عهده من است و او مؤمن و مطیع شما است اگر صلاح بدانید برایم به او توصیه ای بنویسید : امام ششم (ع) نوشت:

((بسم الله الرحمن الرحيم ير اخاك يسرك الله))

برادرت را مسرور نما تا خدا تو را مسرور نماید.

پس نامه را ببندد نجاشی آورد در زمانیکه در جلسه عمومی بودند و چون مجلس خلوت شد نامه را بخ او داد و گفت این نامه امام صادق(ع) است . نجاشی نامه را گرفته و بوسید و روی دیده گذاشت و گفت حاجت چیست. گفت در دفتر شما خراجی بر گردن من است نجاشی گفت چه مقدار ؟ گفت: ده هزار درهم . نجاشی دفتر دارش را خواست و دستور داد از حساب خود او پردازد و سال آینده نیز همان مقدار برای سال آینده بنویسد.

پس گفت: آیا تو را شاد کردم گفت آری قربانت پس است و کنیز و نوکری به او داد و همچنین یکدست لباس پس گفت فرش این اطاق که روی آن نشیه تودند را نیز به او دادند . مرد فرش و هدایا را برداشته و به خدمت امام ششم مشرف شد و جریان را گفت حضرت از دفتار نجاشی مسرور شد آن مر گفت مثل اینکه برخورد نجاشی شما را خوشحال کرد فرمود: آری بخدا خدا و پیامبرش را هم شاد کرد.

امام ششم (ع) فرمود: کسیکه سروری را بر دل مؤمنی وارد نماید پس مثل اینست که بر دل پیامبر (ص) وارد نموده و کسیکه بر دل پیامبر سروری را وارد نماید پس به خدا می رسد و همچنین کسیکه غمی را بر شخصی وارد کند این غم را بر پیامبر و کسیکه پیامبر را غمگین کند مثل اینکه خدا را ناراضی نموده است.

حضرت موسی (ع) فرمود که مؤمنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه در صدد آزار وی بر آمد پس او گریخت و بشهر کفار وارد شده و پناه بکافری برد. آن کافر او را جا داد و مهربانی کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حقتعالی فرمود:

به عزت و جلال خود سوگند می خورم که اگر بهشت بر کافر حرام نبود تو را به بهشت می بردم پس خطاب نمود که ای آتش جهنم او را بترسان ولی نسوزان.

پیامبر (ص) فرمود:

((خيرالناس من ينفع الناس و شر الناس من يضر الناس))

بهترین مردم کسی است که به مردم نفع برساند و بدترین مردم کسی است که به مردم ضرر برساند. صفوان جمال می گوید: در مجلس امام صادق (ع) نشسته بودم پس مردی از اهل مکه وارد شد و به عرض رساند که پولش تمام شده و کرایه بازگشتن به وطن را ندارد. امام (ع) بمن دستور داد که برخیز و در اصلاح کار برادر دینی خود اقدام کن پس فوراً برخاستم و پول کرایه آنمرد را تهیه و به او تسلیم کردم و به مجلس حضرت برگشتم حضرت پرسید در کار برادرت چه اقدامی کردی؟ به عرض رساندم که خداوند اصلاح کرد و کارش روبراه شد. امام فرمود: آگاه باش که اگر برادر مسلمانان را یاری نمائی در نزد من محبوبتر از آنست که یک هفته بیت الله الحرام را طواف کنی.

پیامبر (ص) فرمود:

((لا يرحم الله من لا يرحم الناس))

خدا رحم نمی کند به کسی که به مردم رحم نمی کند.

امام ششم (ع) فرمود: روا کردن حاجت مؤمن بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و بهتر از فرستادن هزار اسب در راه خدا.

وظایف مؤمنین

در روایت است که دری در بهشت است بنام معروف که فقط افراد نیکوکار از آن وارد می شوند و پیامبر(ص) از مؤمنیکه بحاجتش رسیده خوشحال تر است.

همچنین پیامبر(ص) فرمود: مردم روزی خوار خدا هستند پس محبوبترین خلق به خدا کسی است که به عیال الله نفع برساند و بر آنها سروری وارد کند.

ارزش مجاهدت و مبارزه در راه خدا

مجاهدت به معنای تلاش و مبارزه در راه بندگی است و این تلاش به صبر و استقامت و اخلاص و همت و اراده بالا نیاز دارد.

وَلَنُبَلِّغَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَرَكُمْ {محمد 31}

شما را آزمایش می کنیم تا بدانیم کدامیک از شما مجاهدت کرده و کدامیک صبور هستید و کارهای شما را بدانیم. مجاهدت گاهی با دادن جان است گاهی با صرف مال است گاهی با دادن فرزندان است گاهی با تحمل بیماری است گاهی با تحمل گرسنگی است گاهی با تحمل اسارت و زندان است. گاهی با تحمل بیخوابی و شب زنده داری. گاهی با تحمل شکنجه های روحی و جسمی است. گاهی با تلاش در جهاد مقدس. گاهی با توبه کردن های متعدد است. گاهی با احیاء های فراوان است.

حضرت نوح را گاهی آنقدر می زدند که تا سه روز بیهوش می افتاد و از گوشش خون می آمد. یوسف صدیق سالیان سال در زندان ، اسیر بود. پیامبر اسلام مدت سیزده سال در مکه تحت شکنجه روحی بود و یارانش تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی بودند و در مدینه هم با تحمیل دهها جنگ، عده ای از یاران مخلصش چون حمزه و زید و جعفر و حنظله را کشتند و پیشانی و دندان حضرت را شکستند. و همه اولیاء خدا بنوعی مجاهدت داشتند.

علامه طباطبائی فرمودند: هفده سال تمام در هیچ شب ایام بهار و تابستان نخوابیدم و تا صبح مطالعه می نمودم. و در تمام عمرم در ماه رمضان هیچ شبی را نخوابیدم.

اما با وجود نیاز به این مجاهدت ها، **اسلام دین سختی نیست. دین رنج و زحمت نیست.** و همه واجبات بر مبنای توانستن است. و هرکسی باندازه وسعش تکلیف دارد. و بیشتر از وسع و قدرت انسان، تکلیفی نیست. مثلاً اگر انسان نتوانست نماز را ایستاده بخواند، نشسته یا خوابیده بخواند. اگر انسان نتوانست در ماه مبارک رمضان، روزه بگیرد، هر وقت توانست قضای آن را بگیرد. اگر نتوانست جهاد برود، چیزی براونست. اگر نیاز به اشباع غریزه جنسی داشت، در چارچوب اسلام، ازدواج کند. در خوردن و آشامیدن غیر از محرّمات، می تواند بهترین غذا و نوشیدنی و شربت را استفاده

وظایف مؤمنین

کند و بهترین لباس را بپوشد و خلاصه از نعمتهای حلال دنیا استفاده کند. پس اسلام دین ریاضت کشیدن و رنج بردن نیست. و اگر احکام مفصلی برای انسان از هنگام ولادت تا مردن دارد همه آن احکام در جهت سعادت بشریت است و هیچ کدام بر مبنای هوای نفس یا بدون فایده نیست.

هیچگاه از شیطان پیروی نکنید

21- ای مؤمنین! هیچ وقت از شیطان پیروی نکنید و دنبال او نروید زیرا شیطان به کارهای بد و زشت سفارش می

کند و از کارهای خوب جلوگیری می نماید

یا ایها الذین آمنوا لاتتبعوا خطوات الشیطان ومن يتبع خطوات الشیطان فانه یامر بالفحشاء والمنکر... {نور 21}

هر انسانی برای رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه خود باید دوستان و دشمنان خود را بشناسد. دوستان انسان مؤمن، خدا و رسولان و فرشتگان و مؤمنان هستند و دشمنانش، ابلیس و شیاطین و کفار و منافقین می‌باشند. ابلیس سرسخت‌ترین دشمن بشریت بوده که هرچه خرابی و فساد و جنگ و آدمکشی و اختلاف در جهان است از اوست و او بنیان‌گذار اختلافات است. اگر مکر و حیل‌های ابلیس نبود، آدمی از بهشت رانده نمی‌شد. اگر دشمنی ابلیس نبود قایل برادر خود رانمی‌گشت! اگر عداوت ابلیس نبود، پیامبران بدست انسانها کشته و شهید نمی‌شدند. اگر دشمنی ابلیس نبود همه انسانها خداشناس و موحد و مومن بودند و نیازی به جهنم و عذاب الهی نبود اگر چه علاوه بر ابلیس، نفس اماره و میل انسان به شهوات و ذخارف دنیا نیز در انحراف انسانها نقش مهمی داشته است. اگر مکر ابلیس نبود این چنین بین بیش از یک میلیارد مسلمان جهان اختلاف نبود تا یک کشور کوچک بنام اسرائیل غاصب بتواند بر مسلمانان ظلم کند و ندای اَنَارِ جَلَّ برآورد! و اگر حیل‌های ابلیس نبود ولایت غصب نمی‌شد و همه مسلمین ید واحد بودند و به یک شیوه نماز می‌خواندند و یک پیشوا را تبعیت می‌کردند و...

در هر حال برای رسیدن به سعادت باید ابلیس را شناخت و با مکر و حیل‌های او آشنا شد و حول و قوه الهی از موانعی که او یقیناً سر راه انسان مؤمن ایجاد می‌نماید، به راحتی عبور نمود و به صف رستگاران پیوست.

خدا فرمود:

وظایف مؤمنین

اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ اِنَّهُ لَكُمۡ عَدُوٌّ مُّبِينٌ. یعنی: ای فرزندان آدم! مگر با شما عهد نبستم که شیطان را عبادت نکنید که او دشمن آشکار شماست.

ابلیس از آن زمانی که بخاطر سجده نکردن بر آدم ع از زمره مامورین الهی اخراج شد، کینه انسان را در دل گرفت و قسم خورد که همه انسانها را منحرف کند لذا از آن موقع تاکنون بدنبال گمراهی انسانها و دوری انسان از خداوند بوده و البته موفق شده است که عده زیادی از بندگان خدا را با کمک هواها و نفسانیات و میلهاشان به شهوات دنیا، منحرف کرده و جهنمی نمایند.

هر عمل زنا و لواطی که در دنیا انجام شده و یا انجام می شود، و هر کودک حرام زاده ای که متولد می گردد، جای پای ابلیس در آنجا وجود دارد! هر جنگ و خونریزی و قتل انسانها مخصوصاً قتل پیامبران و امامان و انسانهای بزرگ و اولیاء خدا و دانشمندان و عالمان دلسوز و سیاستمداران پاک سرشت و... که انجام می شود با وسوسه های ابلیس است.

هر اختلاف و دشمنی بین انسانها و حتی بین افراد یک خانواده و حتی بین پدران و مادران با فرزندانشان وجود داشته و دارد و هر کانون خانواده ای که تلاشی می گردد از کارها و تلاشهای ابلیس است! هر بتی که پرستیده می شود و هر دین جدیدی بوجود می آید و هر مکتب منحرف کننده جدیدی که ظاهر می شود از نفس پلید ابلیس است!

خودکشی ها و افسردگی ها و مرضهای مهلکی چون ایدز و گرفتاریهای بشر امروزی نیز از کید و مکرهای بلیس است!

عشقهای مجازی و روابط نامشروع و قانونی شدن هم جنس بازی در بسیاری از کشورها و تشکیل مؤسسات فحشاء و آلوده کردن مردم دنیا به انواع مفاسد همه از توطئه های ابلیس است که اخیراً فزونی گرفته است!

تشکیل باندهای مواد مخدر و صدها نوع مواد مخدر شیطانی، تشکیل باندهای مخوف جنایت و شرارت و حتی باندهایی که علناً خود را شیطان پرست می خوانند و باندهای به دام انداختن دختران و زنان برای استفاده از فحشاء و تشکیل محافل رقص و شرابخواری و روابط جنسی نامشروع علنی و... همه از اقدامات و فعالیت های ابلیس و یارانش می باشد.

ابلیس بنیانگذار همه بدعتها و مذہبهای ساختگی و آئینهای بی ریشه الهی است!

وظایف مؤمنین

ابلیس در قتل پیامبرانی همچون حضرت زکریا و یحیی و در آتش انداختن حضرت ابراهیم (ع) و توطئه فرعون علیه موسی (ع) و تحریک مشرکین مکه برای کشتن پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین (ع) و... نقش داشته است. و اوست بپاککننده جنگهایی همچون جمل و صفین و نهروان و...

ابلیس از راههایی چون نگاه و سخن با نامحرم، شراب و مستی، دروغ، خیانت و مال اندوزی و حرص و... انسانها را منحرف می کند.

ابلیس در موقع تنها بودن انسان، موقع عریان شدنش، وقت خلوت با نامحرم و هنگام همراهی با فاسقان و در هنگام طلوع و غروب خورشید موفق تر است.

بیشتر یاران ابلیس، زنان، عابدان جاهل، حاکمان ستمگر و جوانان بی تقوا هستند! و خلاصه هر کجا انحراف و گناه و معصیتی باشد رد پای ابلیس و اعوان و انصارش به چشم باطنی می خورد.

در زمان ما امریکا مرکز اصلی فعالیت های شیطان شده که هر انحرافی در دنیا است نقطه اولیه آن از امریکا شروع می شود و هر فتنه و تجاوزی وجود دارد امریکا در آن بنحوی نقش دارد.

نیوت گنگریج، رئیس اسبق مجلس آمریکا:

«ایالات متحده باید جهان را رهبری کند ۱۰۰۰ سال با کشوری که در آن دوازده ساله ها باردار می شوند، پانزده ساله ها هم دیگر را می کشند، هفده ساله ها به ایدز مبتلا می شوند و هجده ساله ها دیپلم می گیرند بدون این که بتوانند بخوانند و بنویسند هیچ کس رانمی شود رهبری کرد»

واشنگتن پست:

«آمریکا ملت قماربازان شده و قماربازی به مقدار ۴۸۲ میلیارد دلار در سال بزرگترین سرگرمی ملی آمریکا شده است. موسیقی، قایق و کشتی رانی، پارکهای تفریحی، مسابقات ورزشی و سینما و فیلم از جنبه سرگرمی پایین تر از قمار قرار گرفته اند. بر اساس آمار: تعداد ورودی به همه نوع پارک تفریحی، سالیانه ۱۲۸ میلیون نفر می باشد. تعداد ورودی به کازینوهای قمار، سالیانه ۱۲۵ میلیون نفر، به کنسرت موسیقی سالیانه ۲۴ میلیون نفر، به بازی های فوتبال کلوپ های اصلی ۱۴ میلیون نفر و به تئاترها ی معمولی سالیانه ۹ میلیون نفر می باشد...»

«در مطالعه‌ای که در سال 1986 در مدارس ایالت کالیفرنیا انجام گرفت، هفت مورد از مسائل جاری به شرح زیر بود:

استفاده از مواد مخدر، نوشیدن مشروبات الکلی، حاملگی دختران جوان، خودکشی، تجاوز، دزدی و خشونت. البته یک مورد دیگر که در سال‌های اخیر به موارد بالا افزوده شده در غالب ایالات آمریکا به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح شده، مسلح شدن جوانان دانش آموز به انواع سلاح‌های گرم و بعضاً استفاده از آن‌ها علیه معلمان، کارکنان و دانش آموزان دیگر است.»

«در سال 1997-1998 در 10٪ مدارس آمریکا 4100 مورد تجاوز و اقدامات تهاجمی و 7100 فقره دزدی و 1100 مورد درگیری مسلحانه میان دانش آموزان به وقوع پیوسته است.»

ویلسون، پزشک آمریکایی:

«در ایالات متحده از هر دوزن یکی در طول زندگی در معرض تهدید و تجاوز گروهی بوده که همراه با مصرف الکل و مواد مخدر می‌باشد.»

«سالانه بیش از چهارصد هزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست سال رخ می‌دهد که اکثراً در دختران ازدواج نکرده آمریکایی است و 70٪ این دختران، حملات جنسی افراد و گروه‌های مستهجن و هرزه را تجربه می‌کنند.»

آری آمریکا و کشورهای غربی با فاصله گرفتن از دین، به مرکزی برای فعالیت‌های باند شیطان به سرکردگی ابلیس قرار گرفته اند و روزانه میلیون‌ها فیلم زشت و تصاویر زشت تهیه و به جهانیان صادر می‌کنند تا همه دنیا را مانند خود بی بندوبار و مطیع شیطان نمایند. اما بدانند که ایران اسلامی به کانون صدور اسلام ناب محمدی و دستورات دینی و مرکز مبارزه با شیطان تبدیل شده و بخاطر همین مطلب روزانه تعدادی از مردم غرب مسلمان می‌شوند حتی در خود آمریکا عده ای دل پاک، متوجه دین اسلام شده و مسلمان شده اند و اخیراً مسلمانان آمریکایی تقاضای مهر کربلا نموده اند و دوست دارند بیشتر با معنویات باشند.

رادیو آمریکا:

«این رادیو در گزارش که با پخش صدای اذان آغاز شده بود گفت:

وظایف مؤمنین

این صدایی که مسلمانان را به نماز فرا می خواند مربوط به خیابان های پر ازدحام مرکز شهر جاکارتا یا روستایی در پاکستان نمی باشد بلکه این صدای اذان در خیابان معروف ماساچوست واشنگتن است که بیشترین سفارت خانه های خارجی را در خود جای داده است و از مناره بلند مرکز اسلامی واشنگتن که یکی از قدیمی ترین مساجد آمریکا است به گوش می رسد.» فرید تومن، محقق آمریکایی یقین دارد که روزی که اسلام یک دین واقعی آمریکا باشد فرا خواهد رسید.»

«بر اساس آخرین آمار: بیش از ده هزار درجه دارد ارتش ایالات متحده به اسلام گرویده اند.» بنابر گزارش رادید آمریکا، به نقل از عضو شورای مسلمانان آمریکا: شمار مسلمانان در نیروی مسلح آمریکا در حال افزایش است و نکته حائز اهمیت این است که درصد رشد مسلمانان در نیروهای مسلح بسیار از رشد جمعیت مسلمانان این کشور است.»

«خدیجه ریورا که در سال 1983 به اسلام گرویده با ایجاد یک ایستگاه رادیویی در نیویورک سعی دارد به مردم آمریکا بفهماند قبول اسلام به معنای قبول یک مذهب پیشرفته است.»

احمد حنیف کواسی تازه مسلمان آمریکایی:

«من یکی از چند میلیون نفری هستم که در طول تقریباً سی سال اخیر مسلمان شده اند. از لحاظ آمار در اوایل قرن بیست و یکم تعداد مسلمانان در آمریکا آن قدر زیاد می شود که اسلام دین دوم آمریکامی شود و پیش بینی می شود که در دهه اول قرن بیست و یکم دین اول آمریکا باشد.» این پیشرفت اسلام در یک محیط دور از اسلام صورت می گیرد و در آمریکا یادآوری های دین اسلام وجود ندارد و تعداد مساجد خیلی کم است با این حال اسلام سریع تر از هر دینی پیش می رود. از پیروان همه ادیان آن جا هستند: بودایی، چینی،... و خیلی منظم هستند ولی مسلمانان حتی یک برنامه منظم تبلیغ هم ندارند اما روز به روز گرایش آمریکایی ها به دین اسلام بیشتر می شود.»

«هفته نامه آبزرواتور ضمن طرح پیش بینی آندره مالرو، نویسنده بزرگ فرانسوی و وزیر فرهنگ اسبق فرانسه، از

قول وی می نویسد:

قرن 21 میلادی یا اصلاً وجود نخواهد داشت و یا قرن مذهب خواهد بود.

آداب ورود به منازل افراد را رعایت کنید

22- ای مؤمنین! بی اجازه صاحب خانه، وارد خانه ای نشوید و هنگامی هم که وارد شدید سلام کنید. اگر کسی در خانه نبود وارد نشوید و اگر صاحبخانه شمارا نپذیرفت و گفت برگردید شما قبول کرده و مراجعت نمائید.

یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتا غیریو تکم حتی تستانسوا و تسلّموا علی اهلها و لکم خیر لکم لعلکم تذكرون. فان لم تجدوا فیها احدا فلا تدخلوها حتی يؤذن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو از کی لکم و الله بما تعملون علیم {نور 28}

یکی از آداب اجتماعی در برخورد با مردم این است وقتی مؤمنین به ملاقات همدیگر می روند مواظب باشند مسئله ای پیش نیاید که باعث ناراحتی شود. مثلاً اگر سرزده به خانه شخصی بروند احتمال دارد آمادگی پذیرایی از مهمان نداشته باشد و شرمنده شود و در دل ناراحت گردد. یا شخصی در خانه او باشد که دوست نداشته مهمانها او را ببینند. یا وضع اطاقها مرتب نبوده و وقت منظم کردن نداشته بعد که مهمان سرزده بیاید و واین وضع را ببیند برای دیگران نقل کند و آبروی صاحبخانه برود. یا صاحبخانه به امر مهمی اشتغال داشته یا جایی می خواسته برود و مهمان سرزده مانع کار او شده است. یا صاحبخانه در حمام بوده یا لباس تنش نبوده بعد مشکلی پیش بیاید که اصلاً قابل جبران نباشد.

شخصی به پیامبر گفت: آیا می توانم بدون اجازه به اطاق مادرم وارد شود؟ پیامبر فرمود: دوست داری مادرت را لخت ببینی؟ گفت نه. فرمود شاید عریان باشد. {تفسیر نمونه ذیل آیه 28 نور}

یکی از معانی این آیه بر می گردد به ورود مهاجرین و اتباع بیگانه به کشور ما بدون اجازه و بصورت قاچاقی که طبق این آیه شریفه این کار ممنوع است و باید با گذرنامه و رسمی وارد شوند.

بسیار ذکر بگوئید و بیاد خدا باشید

22- ای مؤمنین! بسیار ذکر بگوئید و خدا را زیاد یاد کنید و شب و صبح تسبیح او را بگوئید.

یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا و سبّحوه بکره و اصیلا {نور 42}

چون عوامل غفلت در زندگی انسان فراوان است و تیرهای و ساوس شیطان از هر سو به طرف انسان پرتاب می شود از طرفی انسان باید صاحب اصلی جهان را بشناسد و صفات او را بیان کند، لذا باید مرتب در شبانه روز به ذکر الهی مشغول باشد.

به این صورت که در مواقع مختلف مانند هنگام برخورد با گناه، در هنگام بدست آمدن نعمت، در وقت بلا و مصیبت، در هنگام رویارویی با دشمنان خدا و در مواقع دیگر هم با زبان و هم در دل خدا را تسبیح کند و او را به بزرگی یاد نماید. از پیامبر خدا پرسیدند: در قیامت چه کسی مقامش از همه بالاتر است؟ فرمود: کسانی که بسیار ذکر خدا می گویند. پرسیدند: یعنی از مجاهدین فی سبیل الله هم بالاترند؟ فرمود: مجاهد فی سبیل الله آنقدر بجنگد که سلاحش یشکند و باخون رنگین شود باز هم ذاکرین الله کثیرا از او برتر است! {تفسیر نمونه ذیل آیه 42 نور}

ذکر کثیر چیست؟

جبرئیل به پیامبر خدا گفت: هر که بگوید {سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوه الا بالله عدد ما علم وزنه ما علم} خدا به او شش خصلت میدهد. اسمش جزو ذاکرین الله کثیرا نوشته می شود. برترین کسی است که خدا را شب و روز یاد کرده. برای او در بهشت درختها غرس میکنند. گناهانش همانند برگ درختان می ریزد. خدا با لطف به او نگاه می کند و هر که خدا به او نظر لطف کند او را عذاب نخواه کرد. {تفسیر نمونه ذیل آیه 42 نور}

انواع ذکر زبانی

1- حمد و شکر

«رسول خدا روزی سیصد و شصت بار به عدد رگهای بدن تسبیح می فرمودند.»

وظایف مؤمنین

«امام رضا(ع) بعد از نماز ظهر به سجده رفته و صدبار می فرمودند: حمدِ اَلله. و بعد از نماز عصر به سجده رفته و صدبار می فرمودند: شکرِ اَلله.»

2- استغفار «روایت شده هر که غروبها هفتاد بار بگوید: استغفر الله ربی و اتوبُ الیه. هفتصد گناهش پاک شود و اگر خود گناه نداشته باشد، گناهان پدر و مادر و دیگر اقوامش پاک شود»

3- تسبیح

«قبل از هر حمد و شکری، گفتن تسبیح (سبحان الله) مستحب است. مثل: سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر»

4- تکبیر

«با گفتن الله اکبر نماز شروع می شود. و گفتن تکبیر در مواقع مهم از جمله در موقع روبروشدن با دشمن سفارش شده است»

5- صلوات

«بهترین ذکر، صلوات است که اصول الدین را دربردارد.»

«روایت شده که در شبهای جمعه ملائکه فراوانی به زمین نزول کرده و تا شب شنبه آنجا هستند و فقط صلوات بر محمد و آل محمد را می نویسند»

«روایت شده که در میزان هیچ عملی باندازه صلوات سنگینی ندارد»

6- لا اله الا الله

«در حدیث سلسله الذهب است که خدا فرمود: کلمه لا اله الا الله، حصار من است و هر که در حصار من وارد شود، از عذابم ایمن می باشد.»

«امام باقر(ع) معمولاً به ذکر لاله الا الله مشغول بودند.»

7- لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

«امام صادق(ع) فرمود: هرگاه غم اندوهت زیاد شد، این ذکر را زیاد بر زبان جاری کن!»

8- نامهای الله مثل یا حی یا قیوم

9- تسبیحات حضرت زهرا(س)

«هر که این تسبیحات را بعد از نمازهای یومیه بخواند، ثواب هزار رکعت نماز دارد»

فواید ذکر الهی در دنیا

1- مبارزه با افسردگی و روان پریشی و ناامیدی

2- جلوگیری از گفتن مطالب بی فایده مانند ترانه ها و سخنان لغو

3- دوری از شیطان

4- استجابت دعا

5- جلوگیری از آلوده شدن به گناهان

6- نورانیت ظاهری و باطنی

7- موفقیت در کارها

بر پیامبر خدا صلوات بفرستید

23- ای مؤمنین! بر پیامبر خدا صلوات و سلام بفرستید.

انّ الله وملائكته يصلّون على النبی یا ایها الذین آمنوا صلّوا علیه وسلّموا تسلیما {احزاب 56}

پیامبر اسلام آنقدر مقامش نزد خداوند سبحان بالا است که خدا و فرشتگان شبانه روز بر او رحمت و صلوات می فرستند و به همه مؤمنین هم دستور داده این کار بکنند.

فرستادن صلوات در هنگامی که نام پیامبر برده می شود مستحب است و در تشهد نماز واجب است.

فرستادن صلوات باعث بالارفتن درجه پیامبر و آل او می شود و برای ما آثار مهمی در دنیا و آخرت دارد از جمله:

1- گناهان را پاک می کند و کفاره گناهان می شود.

2- حاجتها برآورده می شود

3- با صدای بلند صلوات فرستادن، نفاق را برطرف می نماید.

4- اخلاق را خوب می نماید

5- سلامتی جسم می آورد

6- چیز فراموش شده را بیاد می آورد

7- برطرف کننده قرض است

8- شیطان را دور می کند

9- دهان را خوشبو می نماید

10- اموال را حفظ می نماید

11- پایان دهنده به دعوهاست

12- سروصدای مجلس را آرام می سازد.

وظایف مؤمنین

13- کسی که یک صلوات بفرستد هزار صف از فرشتگان بر او هر کدام هزار صلوات می فرستند

14- استجابت دعا را به همراه دارد

15- در قیامت در ترازوی میزان چیزی سنگین تر از صلوات نیست

16- دفع عطش در قیامت است

17- در قیامت مور شفاعت پیامبر خدا ص قرار می گیرد

18- نزدیکترین شخص به پیامبر ص در قیامت است

{صلوات کلید رفع حاجات ص 40}

داستانهای زیادی درباره معجزات صلوات در کتابها ذکر شده که به یک نمونه از کتاب {چهره نورانی قمر بنی هاشم نوشته آقای ربانی خلخالی} اشاره می شود:

آیه الله سید طیب جزایری که الان در قم هستند نقل می کنند که در زمان طاغوت می خواستیم به عراق برویم ولی درب سفارت خانه عراق بسته بود و روادید نمی دادند. هزار صلوات برای ام البنین س نذر کردیم. در همان روز به آسانی به وسایلی که خدا جور کرد روادید از سفارت عراق گرفتیم .

...

سخن محکم و درست بزنید

24- ای مؤمنین! حرف که می زنید حرف درست و محکم و موافق واقع بزنید و از سخنان لغو، حرام و مضر برای خود و جامعه خودداری کنید.

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سديدا يصلح لكم اعمالكم و يغفر ذنوبكم و من يطع الله ورسوله فقد فاز فوزا عظيما {احزاب 75}

پیامبر خدا هر موقع منبر می رفتند ابتدا این آیه را تلاوت می فرمود. {تفسیر نمونه ذیل آیه مذکور}

زبان انسان هم می تواند پربرکت ترین عضو بدن آدمی باشد و هم خطرناک ترین و پرگناهیترین عضو بدن باشد.

پیامبر: ایمان درست نمی شود تا قلب درست شود. و قلب درست نمی شود تا زبان درست شود! . {تفسیر نمونه ذیل آیه مذکور}

زشتی های زبان

انسان با زبانش می تواند بهترین سخنها را بگوید و با زبانش ایجاد محبت و صمیمیت کند. افرادی را هدایت نماید. علم بیاموزد. نصیحت کند. با خدا راز و نیاز نماید و دهها کار مفید انجام دهد.

و می تواند با زبانش به کارهای زشت سفارش کند. ایجاد دشمنی نماید. اسرار دیگران را فاش کند. به دیگران ناسزا و دشنام بگوید و دهها گناه انجام دهد.

یکی از گناهان زبان، فحش و ناسزا است. عده ای از انسانها به عادت زشت ناسزاگویی عادت کرده اند. گاهی عادت دارند که به همسر و فرزندان شان ناسزا بگویند. گاهی عادت دارند به زیر دستان خود اهانت کنند. و گاهی پارا فراتر گذاشته و به مقدسات و ارزشهای مردم ناسزا و اهانت می کنند.

عوامل ناسزا گوئی

1- عادت

2- عصبانیت

3- شوخی

4- مقابله به مثل

5- مسائل سیاسی و حزبی

6- مسائل اقتصادی

7- تربیت نادرست

درمان ناسزا گوئی

1- سکوت

«رسول خدا (ص): هرگاه دیدید که مؤمن خاموش و باوقار است، به او نزدیک شوید که او به حکمت دست پیدا کرده است»

2- تربیت صحیح از دوران کودکی

«پیامبر (ص): فرزندان خود را احترام کنید و ادب خوب به آنها بیاموزید.»

3- رعایت ادب نسبت به دیگران

وظایف مؤمنین

«علی (ع): دیگران را نیکو صدا بزنید تا شما هم جواب خوب بشنوید.»

زانکس که نام خلق بگفتار زشت کشت دوری گزین که از همه بدنامتر است

دشنام در آئینه احادیث «پیامبر (ص): کسیکه به پدر و مادرش دشنام دهد، ملعون است! پرسیدند که مگر کسی به پدر و مادرش دشنام می دهد؟ فرمود: شخصی به پدر دیگران فحش می دهد، آنها هم به پدر و مادر او فحش می دهند.»

«علی (ع): از کلام زشت و ناروا دوری کنید که باعث می شود که پستان و رذلان بشما نزدیک شده و افراد بزرگوار از شما بگریزند.»

«پیامبر (ص): فحش دادن به مؤمن مثل نزدیک شدن به مرگ است»

«امام صادق (ع) شنید که مسلمانی به غلامش فحش داد. به این خاطر امام با او قطع رابطه کردند.»

«امام صادق (ع): فحش دادن ظلم است و ظالم در آتش جهنم است»

انواع فحش 1- ناسزا به ناموس

2- خطاب کردن به اسم حیوان

3- بوسیله کاریکاتور و نقاشی اهانت کردن

4- با اشاره توهین کردن

...

هر بده خود نمی پسندی با کس مکن ای برادر من

گر مادر خویش دوست داری دشنام مده به مادر من

افشاء اسرار

از خصوصیات خوب، بازگو نکردن اسرار دیگران است. در سخنان بزرگان دین، از اسرار مؤمن به عورت تعبیر شده است. یعنی همانطور که حفظ عورت از نگاه دیگران واجب و لازم است، حفظ اسرار مؤمن نیز لازم می باشد.

انواع اسرار

1- اسرار خانوادگی

2- اسرار نظامی

3- اسرار اقتصادی

4- اسرار علمی

5- اسرار سیاسی

6- اسرار مذهبی و دینی

7- اسرار فرهنگی

که رازها و اسرار نظامی و سیاسی از بقیه مهم تر بوده و گاهی افشاء آنان باعث از بین رفتن جان صدها نفر و شکست حکومتی خواهد شد. که در این موارد جرم افشاء کننده بسیار بزرگ است.

«در یکی از جنگهای صدر اسلام، وقتی که سپاه اسلام برای یورش به مشرکین مکه آماده می شد و رسول خدا دستور داده بود تا خبر این حمله محرمانه بماند، یکی از مسلمانان خبر این حمله را به ابوسفیان اطلاع داد. در این مورد این آیه نازل شد: «ای مؤمنین! به خدا و رسول و پیمانهایتان خیانت ننمائید!» انفال 27

«امام صادق (ع): کسی که اسرار ما را فاش کند، گویا ما را به قتل رسانده است»

«امام صادق (ع) در تفسیر آیه «پیامبران را به ناحق می کشند» فرمود: بخدا سوگند! پیامبران را با شمشیر نکشتند، بلکه اسرار آنان را فاش کردند و آنها کشته شدند.»

بعضی از حافظین اسرار «وقتی قیس بن مسهر، سفیر امام حسین (ع) برای مردم کوفه، توسط مأمورین دشمن محاصره شد، نامه امام را پاره کرد و خورد. وقتی او را دستگیر کردند، برای اینکه اسرار امام را فاش کند او را شکنجه کردند ولی او لب به سخن نگشود و عاقبت او را بشهادت رساندند.»

دین خدا را یاری کنید تا خدا هم شما را یاری نماید

24- ای مؤمنین! دین خدا را یاری کنید تا خدا هم شما را یاری نماید.

یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ينصرکم و یثبت اقدامکم { }

اگر چه خدا به یاری ما نیازی ندارد اما متنی دیگر بر مسلمانان نهاده و شرط کرده که هر که دین او را یاری و مساعدت کند، خدا هم او را کمک و مساعدت نماید. و این بخاطر آزمایش مؤمنین از یک طرف و شکست دشمنان خدا از طرف دیگر است.

اینکه خداوند سبحان، انسان را یاری می کند به این صورت است که:

اگر چه شما از نظر عده و امکانات، نسبت به دشمنانتان در حد پایینی باشید، اما خداوند ترس شما را در دل دشمنانتان قرار می دهد، در دل سربازان شما شجاعت و نترسی قرار می دهد. شما را با راههای شکست دادن دشمنانتان، آشنا می نماید، به شما ثابت قدمی می دهد. ملائکه خود را به یاری می فرستد.

در تاریخ، فراوان است که لشکر حزب الله در مقابل لشکر چندین برابر طاغوتها پیروز شده است.

از جمله داستان طالوت که با 313 نفر در مقابل جالوت ستمکار با چندین هزار نیرو ایستاد و او را شکست داد.

اشموئیل (ع) به طالوت امر فرمود که در مقام دفاع برآمده و با جالوت به جنگ پردازد. طالوت لشگری آراست و به جنگ جالوت رفت؛ سپاهیان طالوت نافرمانی کردند و استقامت به خرج ندادند و از رفتن به جهاد شانه خالی کردند، هنگامی که طالوت به میدان جنگ رسید، سپاهیان او بیش از ۳۱۳ تن نبودند، بقیه یا گریخته بودند و یا در اثر نافرمانی طالوت از تشنگی مرده بودند. خدای تعالی این آیه شریفه را از قول اینان که در میدان جنگ نسبت به دشمن ناچیز بودند ذکر می فرماید و آنان را می ستاید که مردمانی با استقامت و با ایمان بودند و از روی اعتقاد به خدا برای جهاد آمده بودند و یقین داشتند که در اثر آن، به لقای خدا نایل می شوند. می گفتند که ما نباید از کمی عده خود نا امید شویم، بسیار دسته های کوچک بودند که بردسته های بزرگ به اذن خدا پیروزی یافتند، اگر شماره دشمنان افزون است در عوض، استقامت و پایداری ما بیش تر می باشد که خداوند با صابران است.

این عده کم بر دشمن ظفر یافتند، حضرت داود که یکی از همان ۳۱۳ نفر بود، جالوت را کشت و سپاهیانش گریختند.

وظایف مؤمنین

یا در جنگ بدر، مسلمانان ۳۱۳ نفر بودند و سلاح درستی نداشتند و دشمن چند برابر و سلاح کافی داشتند ولی با یاری خدا، مسلمانان پیروز شدند.

در دفاع مقدس مردم ایران، بارها و بارها یاری خدا دیده شد. در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه حزب الله، مردم دنیا با تعجب، پیروزی عظیم الهی را دیدند که چگونه چند هزار نفر حزب الله را بر ارتش چهارم دنیا پیروز نمود. همچنین در مسائل کوچکتر، مؤمنین، یاری خدا را بارها و بارها دیده اند.

یاری کننده خدا باشید

ای مؤمنین! جزو یاری کنندگان خدا باشید همانطور که حواریون حضرت عیسی (ع) گفتند
ما یاری کنندگان خدا هستیم.

یا ایها الذین آمنوا کونوا انصارا لله کما قال عیسی بن مریم للحواریین من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصار الله فامنت طائفه من بنی اسرائیل و کفرت طائفه فایدنا الذین آمنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرين {صف ۱۴}

هر پیامبری، یاران و اصحابی داشته است. به یاران خاص حضرت عیسی ع، حواریون می گفتند که دوازده نفر بودند که حضرت عیسی ع آنها را به عنوان نماینده خود به مناطق مختلف می فرستاده است. آنها افراد مخلص، ایثارگر و مؤمنی بودند که تا آخر با حضرت بودند غیر از یک نفرشان بنام یهودای اسخریوطی که به حضرت عیسی ع خیانت کرد و مطرود شد.

پیامبر اسلام هم اصحاب بزرگواری داشتند از جمله آنها:

سلمان فارسی:

وظایف مؤمنین

ابوذر غفاری:

عمار بن یاسر:

مقداد بن اسود کندی:

ابوایوب انصاری:

خزیمه بن ثابت:

عبداللہ بن مسعود

حذیفہ بن یمان:

زید بن حارثہ:

جابر بن عبداللہ انصاری:

همچنین امیر مؤمنان اصحاب خاصی داشتند از جمله:

مالک اشتر:

کمیل بن زیاد:

میثم تمار:

محمد بن ابوبکر

قنبر:

عدی بن حاتم:

رشید هجری:

صعصعہ بن صوحان:

ابو الاسود دثلی:

حجر بن عدی:

اصبغ بن نباته:

امام حسن (ع) هم اصحاب خاصی داشتند:

وظایف مؤمنین

۱. ابراهیم بن مالک اشتر.
۲. عبدالله بن عباس.
۳. ابو ثمامه صیداوی.
۴. جابر بن عبدالله انصاری.
۵. جاریة بن قدامه.
۶. جبلة بن علی شیبانی.
۷. حبیب بن مظاهر اسدی.
۸. حذیفة بن اسید غفاری.
۹. رفاعة بن شداد.
۱۰. سعید بن قیس همدانی.
۱۱. قیس بن سعد انصاری.
۱۲. سعید بن مسعود ثقفی.
۱۳. سلیم بن قیس هلالی.
۱۴. صعصعة بن صوحان عبدی.
۱۵. عامر بن واثله کنانی.
۱۶. عمر بن ابی سلمه.
۱۷. کمیل بن زیاد نخعی.
۱۸. ابو مخنف، لوط بن یحیی.
۱۹. مسیب بن نجبه فزاری.
۲۰. میثم بن یحیی تمار.
۲۱. سعد بن مسعود ثقفی.

اصحاب خاص امام حسین (ع)

اصحاب: یاران و اصحاب اباعبدالله الحسین (ع)، چه آنان که قبل از شهادت آن حضرت وفات یافته‌اند و چه آنان که پس از شهادت ایشان از دنیا رفته‌اند، بسیار زیادند. در این جا تنها نام آنانی را که در واقعه عاشورا به شرف شهادت نایل آمده‌اند، ذکر می‌کنیم:

الف) بنی هاشم

۱. عباس بن علی، معروف به ابوالفضل العباس (ع).
۲. ابوبکر بن علی.
۳. محمد اصغر بن علی.
۴. عبدالله بن علی.
۵. عبدالله بن اصغر.

۶. جعفر بن علی.
۷. عمر بن علی.
۸. عثمان بن علی.
۹. محمد بن عباس بن علی.
۱۰. عبدالله بن عباس بن علی.
۱۱. علی بن حسین (علی اکبر).
۱۲. عبدالله رضیع (علی اصغر).
۱۳. ابراهیم بن حسین.
۱۴. قاسم بن حسن.
۱۵. ابوبکر بن حسن.
۱۶. عبدالله بن حسن.
۱۷. بشر بن حسن.
۱۸. محمد بن عبدالله بن جعفر.
۱۹. عون بن عبدالله بن جعفر.
۲۰. عبیدالله بن عبدالله بن جعفر.
۲۱. مسلم بن عقیل.
۲۲. جعفر بن عقیل.
۲۳. جعفر بن محمد بن عقیل.
۲۴. عبدالرحمان بن عقیل.
۲۵. عبدالله اکبر بن عقیل.
۲۶. عبدالله بن مسلم بن عقیل.
۲۷. عون بن مسلم بن عقیل.
۲۸. محمد بن مسلم بن عقیل.
۲۹. محمد بن ابی سعید بن عقیل.
۳۰. احمد بن محمد هاشمی.
- (ب) غیر بنی هاشم
۳۱. ابراهیم بن حصین اسدی.
۳۲. ابو حتوف بن حارث اسدی.
۳۳. ابو عامر نهشلی.
۳۴. ادھم بن امیہ عبدی.
۳۵. اسلم ترکی.
۳۶. امیة بن سعد طائی.

۳۷. انس بن حارث کاهلی.
۳۸. انیس بن معقل اصبحی.
۳۹. برید بن خضیر همدانی.
۴۰. بشر بن عبدالله خضرمی.
۴۱. بکر بن حی تیمی.
۴۲. جابر بن حجاج تیمی.
۴۳. جبلة بن حارث سلمانی.
۴۴. جنادة بن حارث سلمانی.
۴۵. جنادة بن کعب انصاری.
۴۶. جون، غلام ابی ذر.
۴۷. جوی بن مالک تمیمی.
۴۸. حارث بن امرئ القیس کندی.
۴۹. حارث بن نبهان.
۵۰. حباب بن حارث.
۵۱. حباب بن عامر.
۵۲. حبشی بن قاسم.
۵۳. حبیب بن مظاهر اسدی.
۵۴. حجاج بن بدر سعدی.
۵۵. حجاج بن مسروق جعفی.
۵۶. حرب بن یزید ریاحی.
۵۷. حلاس بن عمرو راسبی.
۵۸. حنظلة بن اسعد شبامی.
۵۹. حنظلة بن عمرو شیبانی.
۶۰. رافع، غلام مسلم ازدی.
۶۱. زاهر بن عمرو کندی.
۶۲. زهیر بن بشر خثعمی.
۶۳. زهیر بن سلیم ازدی.
۶۴. زهیر بن قیس بجلی.
۶۵. زیاد بن عریب.
۶۶. سالم، غلام بنی مدینه.
۶۷. سالم، غلام عامر عبدی.
۶۸. سعد بن حارث انصاری.

۶۹. سعد، غلام علی بن ابی طالب (ع).
۷۰. سعد، غلام عمرو بن خالد.
۷۱. سعید بن عبدالله حنفی.
۷۲. سلمان بن مضارب بجلی.
۷۳. سلیمان، غلام امام حسین (ع).
۷۴. سوار بن منعم نهمی.
۷۵. سوید بن عمرو.
۷۶. سیف بن حارث جابری.
۷۷. سیف بن مالک عبدی.
۷۸. شبیب، غلام حارث جابری.
۷۹. شوذب، غلام بنی شاکر.
۸۰. ضرغامه بن مالک.
۸۱. عائذ بن مجمع.
۸۲. عابس بن ابی شبیب شاکری.
۸۳. عامر بن حسان طایی.
۸۴. عامر بن مسلم عبدی.
۸۵. عباد بن مهجر جهنی.
۸۶. عبدالاعلی بن یزید کلبی.
۸۷. عبدالرحمن ارحبی.
۸۸. عبدالرحمن بن عبد ربه.
۸۹. عبدالرحمن بن عروه.
۹۰. عبدالرحمن بن مسعود.
۹۱. عبدالله بن ابی بکر.
۹۲. عبدالله بن بشر خثعمی.
۹۳. عبدالله بن عروه.
۹۴. عبدالله بن عمیر.
۹۵. عبدالله بن یزید عبدی.
۹۶. عبیدالله بن یزید عبدی.
۹۷. عقبه بن سمعان.
۹۸. عقبه بن صلت جهنی.
۹۹. عماره بن صلخب ازدی.
۱۰۰. عمران بن کعب اشجعی.

۱۰۱. عمار بن حسان طائی.
۱۰۲. عمار بن سلامه دالانی.
۱۰۳. عمرو بن عبدالله جندعی.
۱۰۴. عمرو بن خالد ازدی.
۱۰۵. عمرو بن خالد صیداوی.
۱۰۶. عبدالله بن بقطر.
۱۰۷. عمرو بن قرظه.
۱۰۸. عمرو بن مطاع.
۱۰۹. عمرو بن جناده.
۱۱۰. عمرو بن ضبیعه.
۱۱۱. عمرو بن کعب (ابو ثمامه صائدی).
۱۱۲. قارب، غلام امام حسین (ع).
۱۱۳. قاسط بن زهیر.
۱۱۴. قاسم بن حبیب ازدی.
۱۱۵. کردوس تغلبی.
۱۱۶. کنانه بن عتیق.
۱۱۷. مالک بن ذودان.
۱۱۸. مالک بن عبدالله جابری.
۱۱۹. مجمع جهنی.
۱۲۰. مجمع بن عبیدالله.
۱۲۱. محمد بن بشیر حضرمی.
۱۲۲. مسعود بن حجاج.
۱۲۳. مسلم بن عوسجه اسدی.
۱۲۴. مسلم بن کثیر ازدی.
۱۲۵. مسقط بن زهیر تغلبی.
۱۲۶. منحج، غلام امام حسین (ع).
۱۲۷. موقع بن ثمامه اسدی.
۱۲۸. نافع بن هلال جملی.
۱۲۹. نصر، غلام امیر المؤمنین، علی (ع).
۱۳۰. نعمان بن عمرو راسبی.
۱۳۱. نعیم بن عجلان.
۱۳۲. واضح رومی.

۱۳۳. وهب بن حباب کلبی.
 ۱۳۴. یزید بن ثبیط کلبی.
 ۱۳۵. یزید بن زیاد کندی.
 ۱۳۶. یزید بن مغفل جعفی.
 ۱۳۷. قیس بن مسهر صیداوی.
 ۱۳۸. هانی بن عروه.
 ۱۳۹. عبدالله بن عفیف ازدی.
-
- اصحاب خاص امام سجاد(ع)
۱. جابر بن عبدالله انصاری
 ۲. عامر بن واثله کنانی.
 ۳. سعید بن مسیب.
 ۴. سعید بن جهان کنانی.
 ۵. سعید بن جبیر.
 ۶. محمد بن جبیر.
 ۷. ابو خالد کابلی.
 ۸. قاسم بن عوف.
 ۹. اسماعیل بن عبدالله بن جعفر.
 ۱۰. ابراهیم بن محمد حنفیه.
 ۱۱. حسن بن محمد حنفیه.
 ۱۲. حبیب بن ابی ثابت.
 ۱۳. ابو حمزه ثمالی.
 ۱۴. فرات بن احنف.
 ۱۵. جابر بن محمد بن ابی بکر.
 ۱۶. ایوب بن حسن.
 ۱۷. علی بن رافع.
 ۱۸. ابو محمد قرشی.
 ۱۹. ضحاک بن مزاحم.
 ۲۰. طاوس بن کیسان.
 ۲۱. حمید بن موسی.
 ۲۲. ابان بن تغلب.
 ۲۳. سدید بن حکیم.
 ۲۴. قیس بن رمانه.

۲۵. همام بن غالب (مشهور به فرزدق شاعر).

۲۶. عبدالله برقی.

۲۷. یحیی بن ام طویل.

.....
اصحاب خاص امام باقر (ع)

۱. زرارة بن اعین

۲. معروف بن خربوذمکی.

۳. ابو بصیر اسدی.

۴. فضیل بن یسار.

۵. محمد بن مسلم.

۶. یزید بن معاویه عجل.

این شش نفر، در علم رجال، به "اصحاب اجماع اولی" شهرت یافته‌اند که فقها و حدیث‌شناسان شیعه، اتفاق نظر و اجماع دارند بر صحت نقل روایت آنان از امام معصوم (ع).

۷. حمران بن اعین.

۸. بکیر بن اعین.

۹. عبدالملک بن اعین.

۱۰. عبدالرحمن بن اعین.

۱۱. محمد بن اسماعیل بن بزیع.

۱۲. عبدالله بن میمون.

۱۳. محمد بن مروان.

۱۴. اسماعیل بن فضل هاشمی.

۱۵. ابو هارون مکفوف.

۱۶. ظریف بن ناصح.

۱۷. سعید بن ظریف.

۱۸. اسماعیل بن جابر خثعمی.

۱۹. عقبه بن بشیر اسدی.

۲۰. کمیت بن زید اسدی.

۲۱. جابر بن یزید جعفی.

.....
اصحاب خاص امام صادق (ع)

۱. جمیل بن دراج

۲. عبدالله بن مسکان.

۳. عبدالله بن بکیر.

۴. حماد بن عیسی.
۵. حماد بن عثمان.
۶. ابان بن عثمان.
- این شش نفر به "اصحاب اجماع" معروف شده‌اند.
۷. ابان بن تغلب.
۸. اسحاق بن عمار صیرفی.
۹. ابو حمزه ثمالی.
۱۰. برید بن معاویه عجلی.
۱۱. حریر بن عبدالله سجستانی.
۱۲. حمران بن اعین شیبانی.
۱۳. زرارة بن اعین شیبانی.
۱۴. صفوان بن مهران اسدی.
۱۵. عبدالله بن ابی یعفور.
۱۶. عمران بن عبدالله اشعری.
۱۷. عیسی بن عبدالله اشعری.
۱۸. فضیل بن یسار بصری.
۱۹. فیض بن مختار کوفی.
۲۰. ابو بصیر مرادی.
۲۱. مؤمن الطاق محمد بن علی.
۲۲. محمد بن مسلم کوفی.
۲۳. معاذ بن کثیر کسائی.
۲۴. معلی بن خنیس کوفی.
۲۵. هشام بن محمد.
۲۶. یونس بن ظبیان کوفی.
۲۷. معاویه بن عمار.
۲۸. زید شحام.
۲۹. سدید بن حکیم.
۳۰. عبد السلام بن عبد الرحمن.
۳۱. جابر بن یزید جعفی.
۳۲. ثابت بن دینار.
۳۳. مفضل بن قیس.

۳۴. مفضل بن عمر جعفی.

۳۵. سفیان بن عیینہ.

اصحاب خاص امام کاظم (ع)

۱. علی بن یقطین.

۲. ابوصلت بن صالح هروی .

۳. اسماعیل بن مهران.

۴. حماد بن عیسی.

۵. عبدالرحمن بن حجاج بجلی.

۶. عبدالله بن جندب بجلی.

۷. عبدالله بن مغیره بجلی.

۸. عبدالله بن یحیی کاهلی.

۹. مفضل بن عمر کوفی.

۱۰. هشام بن حکم.

۱۱. یونس بن عبدالرحمن.

۱۲. یونس بن یعقوب.

اصحاب خاص امام رضا (ع)

۱. دعبل بن علی خزاعی.

۲. حسن بن علی وشاء بجلی.

۳. حسن بن علی بن فضال.

۴. حسن بن محبوب.

۵. زکریا بن آدم اشعری قمی.

۶. صفوان بن یحیی بجلی.

۷. محمد بن اسماعیل بن بزيع.

۸. نصر بن قابوس.

۹. ریان بن صلت.

۱۰. محمد بن سلیمان دیلمی.

۱۱. علی بن حکم انباری.

۱۲. عبدالله بن مبارک نهاوندی.

۱۳. حماد بن عثمان.

۱۴. حسن بن سعید اهوازی.

۱۵. محمد بن سنان.

اصحاب خاص امام جواد(ع)

۱. ابو جعفر، احمد بن محمد بن ابی نصر، معروف به بزنی کوفی.
۲. ابو محمد، فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری.
۳. ابو تمام، حبیب بن اوس طایی.
۴. ابوالحسن، علی بن مهزیار اهوازی.
۵. ابو احمد، محمد بن ابی عمیر.
۶. محمد بن سنان زاهری.
۷. علی بن عاصم کوفی.
۸. علی بن جعفر الصادق (ع).
۹. اسماعیل بن موسی کاظم (ع).
۱۰. ابراهیم بن محمد همدانی.

اصحاب خاص امام هادی (ع)

۱. علی بن مهزیار اهوازی.
۲. خیران خادم.
۳. ابوهاشم داود بن قاسم جعفری.
۴. عبدالعظیم بن عبدالله حسنی.
۵. علی بن جعفر همیناوی (همانی).
۶. ابن سکیت بن یعقوب اهوازی.
۷. احمد بن اسحاق اشعری.
۸. ابراهیم بن مهزیار اهوازی.
۹. ایوب بن نوح.
۱۰. ابو علی حسن بن راشد.

اصحاب خاص امام عسکری (ع)

۱. احمد بن اسحاق اشعری
۲. احمد بن محمد بن مطهر.
۳. اسماعیل بن علی نوبختی.
۴. محمد بن صالح همدانی.
۵. عثمان بن سعید عمروی.
۶. محمد بن عثمان عمروی.
۷. حفص بن عمرو عمروی.
۸. ابوهاشم، داود بن قاسم جعفری.

۹. احمد بن ابراهیم بن اسماعیل.

۱۰. احمد بن ادريس قمی.

اصحاب خاص امام زمان (عج)

۱. عثمان بن سعید عمروی (متوفای سال ۲۵۷ ق.).

۲. محمد بن عثمان عمروی (متوفای سال ۳۰۴ ق.).

۳. حسین بن روح نوبختی (متوفای سال ۳۲۶ ق.).

۴. علی بن محمد سمري (متوفای سال ۳۲۹ ق.).

این چهار تن نماینده بلا فصل امام زمان (ع) بودند که در ایام غیبت صغری، پس از شهادت امام حسن عسکری (ع)، از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹، به مدت ۷۰ سال به ترتیب، واسطه میان امام (ع) و شیعیان ایشان بودند. این چهار نفر به "نواب اربعه" مشهورند. ولی در هنگام خروج آن حضرت، ۳۱۳ نفر از یارانش به او پیوسته و نخستین هسته لشکریان امام (ع) را تشکیل می دهند. علاوه بر آنان، هزاران نفر در ایام غیبت آن حضرت به این مقام ارجمند نایل شده اند که بر دیگران پنهان مانده است و پنهان خواهد ماند. همچنین افراد بسیاری در ایام غیبت به محضرش شرفیاب گشته و از عنایاتش بهره مند شده اند که در این جا به نام برخی از آنان اشاره می گردد:

۱. اسماعیل بن حسن هرقلی.

۲. سید محمد بن عباس جبل عاملی.

۳. سید عطوه علوی حسنی.

۴. امیر اسحاق استرآبادی.

۵. ابوالحسین بن ابی بغل.

۶. شریف عمر بن حمزه.

۷. ابوراجح حمامی.

۸. شیخ حر عاملی.

۹. مقدس اردبیلی.

۱۰. محمد تقی مجلسی.

۱۱. میرزا محمد استرآبادی.

۱۲. علامه بحر العلوم.

۱۳. شیخ حسین آل رحیم.

۱۴. ابوالقاسم بن ابی جلیس.

۱۵. ابو عبدالله کندی.

۱۶. ابو عبدالله جنیدی.

۱۷. محمد بن محمد کلینی.

۱۸. محمد بن ابراهیم بن مهزیار.

۱۹. محمد بن اسحاق قمی.

۲۰. محمد بن شاذان نیشابوری.

منبع: خاندان عصمت {سید تقی واردی}

خبر آدم فاسق را بدون تحقیق قبول نکنید

۲۵-۱ ای مؤمنین! اگر آدم فاسقی مطلبی را به شما گفت، شما اول تحقیق و بررسی کنید مبادا خبر دروغی به شما بگوید و باعث فتنه ای شود.

یا ایها الذین آمنوا ان جائکم فاسق بنبا فتبینوا ان تصیبوا قوما بجهاله فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین {حجرات ۶}

یکی از بزرگترین نیازهای بشر، تبادل اخبار با هم است. حوادثی که به وقوع می پیوندد اگر بیان نشود، تاریخ گذشته انسانها اگر گفته نشود، علوم و فنون اگر تعلیم نگردد، نیازهای بشر اگر به زبان آورده نشود، زندگی بشر را فلج می کند. اما نمی توان هر حرف و حدیث و خبری را بدون تحقیق و بررسی قبول کرد.

چه بسا یک خبر دروغ باعث ضررها و زیانهای فراوانی به بشریت گردد. و افراد زیادی بوده اند که بیگناه بوده اند ولی بخاطر یک خبر دروغ، کشته شدند یا زندانی گردیدند یا خانواده آنها از بین رفته اند. و جنگهایی بخاطر یک خبر دروغ برپا شده و دانشمندان و بزرگانی بخاطر خبر افراد فاسق بدون اینکه بررسی شود کشته شدند و از بین رفتند همانند امام کاظم ع که بخاطر خبر یک نفر دروغگو، شهادت رسید.

یا امامان دیگر و عالمان دیگری چون شهید اول و دوم و شخصیت هائی چون شیخ فضل الله نوری یا امیرکبیر بخاطر خبر فاسق کشته شدند.

شاه عباس دستور داد فرزندانش را بخاطر اخبار دروغی مبنی بر توطئه آنها، کور کردند یا کشتند. و...

لذا در اسلام خبر عادل و مؤمن، دارای اعتبار است ولی خبر آدم بی دین یا دروغگو یا خلافکار نیاز به بررسی و تحقیق دارد.

زشتی و دروغگویی:

وظایف مؤمنین

دروغ گفتن چون خلاف طینت پاک آدمی است و باعث انحراف بسوی بدیها می شود بسیار مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است:

قرآن می فرماید:

((ان الله لا يهدي من هو مسرف كذاب))

بدرستی که خدا هدایت نمی کند کسی که اسراف کننده و بسیار دروغگو است.

در روایت است که پیامبر (ص) فرمود:

((اياكم والكذب فان الكذب فجور يهدي الى النار))

بر حذر باشید از دروغ زیرا گناهی است که انسان را به آتش جهنم می کشاند.

نتیجه ترك دروغ:

یکی از مسلمانان نزد حضرت علی (ع) آمده و گفت یا امیر المؤمنین در اسلام از همه کارهای زشت نهی شده و مرا اجتناب از همه آنها میسر نیست. یکی از زشتیها را بگو تا از آن دوری کنم. حضرت فرمود که دروغ مگو آن شخص قبول نموده و بیرون آمده در کوچه ها که می رفت نظرش به مستی افتاد و میل به شراب خوردن پیدا کرد ولی با خود اندیشید که اگر علی (ع) به من بگوید آیا شراب خوردی اگر بگویم نه دروغ گفته ام و اگر بگویم آری بر من حد شرعی جاری می کند پس از آنجا عبور کرده به قمار بازی رسیده و میل به قمار پیدا کرد ولی باز همین فکر به ذهنش آمده پس از آنجا هم عبور کرد و به همین صورت به هر منکری می رسید این فکر او را از گناه باز می داشت پس بنزد علی (ع) مراجعت نموده گفت یا علی راه همه گناهان دروغ است و باعث همه حسنات و کارهای خوب راستی است. پیامبر (ص) فرمود:

((آیه المنافق ثلاث اذا وعدا خلف و اذا ائتمن خان و اذا حدث كذب))

علامت منافق سه چیز است اگر وعده به دهد تخلف می ورزد و اگر به او اطمینان کنند خیانت می کند و اگر سختی بگو به دروغ باشید.

بوذر جمهر گفته است. دروغگو با مرده یکسان است برای آنکه فضیلت سخن راستی است پس وقتی که اطمینان به سخن نباشد زندگی او باطل است.

کیفر دروغگو در عالم برزخ:

وظایف مؤمنین

روزی رسول اکرم (ص) فرمود: دیشب در خواب دیدم که مردی نزد من آمد و گفت برخیز، برخاستم دو مرد را دیدم که یکی ایستاده و در دست خود چیزی شبیه به عصای آهنین دارد و آنرا بر گوشه دهان مرد دیگری که نشسته است فرومی برد و باندازه ای فشار می دهد تا میان دو شانه اش می رسد آنگاه بیرون آورده و در طرف دیر دهان او داخل می کند طرف اول خوب می شود این قسمت دیگر را هم مانند قبل پاره می کند. به آن شخص که مرا حرکت داد گفتم این چه شخصی است و برای چه اینطور عذاب می کشد گفت این مرد دروغگو است که در قبر او را تا روز قیامت اینطور کیفر می دهند.

فردوسی:

نیاید بکار اندرون کاستی	همه راستی کن که از راستی
نبینی جز از خوبی و خرمی	چو با راستی باشی و مردمی
بلندیش هرگز نگیرد فروغ	رخ مرد را تیره دارد دروغ

شخصی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: اهل جهنم چه کرده بودند حضرت فرمود: دروغ زیرا بنده وقتی دروغ گفت گناهکار می شود و زمانیکه کافر شد داخل جهنم می شود.

انواع دروغ بشرح زیر است:

1. دروغ بر خداوند و پیامبر (ص) و امامان (ع) که روزه را باطل می کند و قرآن در این باره فرمود:

((فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا))

چه کسی ظالمتر است از کسیکه بر خدا از روی دروغ افترا می بندد.

2. شهادت دروغ: پیامبر (ص) در این باره فرمود:

((شاهد الزور کعالد الوثن))

شهادت دهنده دروغ مثل عبادت کننده بت است.

3. قسم دروغ که پیامبر (ص) می فرماید: سخ دیته هستند که روز قیامت خدا با آنان سخن نمی گوید از جمل ه آنها کسیکه سوگند دروغ برای فروش کالا یش می خورد.

4. دروغ در وعده رسول خدا (ص) فرمود:

((من کان یومن بالله والیوم الآخر فلیف وعده))

کسیکه به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده اش وفا کند.

5. شوخیهای دروغ امام حسین (ع) فرمود:

((اتقوا الکذب الصغیر منه والکبر فی کل جد وهزل))

پیرهیزید از دروغ چه بزرگ آن چه کوچک آن در هر شوخی که باشد.

نقل کردن و نوشتن و گوش دادن به دروغ که منشاء بسیاری از شایعات نقل نمودن دروغ است.

شرمنده شدن دروغگو لاف زن:

گویند شخصی قبل از ظهر هر روز کنار درخانه خود فرشی پهن کرده و می نشست و قلیان می کشید.

بعضی از عابان نیز بنزد او آمده و با او می نشستند و بخوردن چای و قهوه مشغول می شدند.

آن مرد یکی از روزها در حالیکه دست بر سیل خود می کشید گفت دیشب جای شماها خالی بود. عیالم برای ما ته چین پلو پخته بود آنقدر این غذا چرب بود که متوانستم همه اش را بخورم لذا قدری را گذاشتم برای امروز صبح به عنوان صبحانه خوردم آنقدر این غذا چرب بود که سیل ما را چرب کرده است در این میان کسی از بچه های کوچک منزل دویده و گفت ، آقا جان آقا جان آن دنبه ای که امروز صبح سبیل را با آن چرب کردی گربه آمد و آنرا برد.

آثار زشت دروغ:

1. سرچشمه نفاق است.

2. اساس ایمان را خراب می کند همانطور یک امام پنجم فرمود:

((ان الکذب هو خراب الایمان))

دروغ یعنی نابود کردن ایمان است.

4. دروغ انسان را به کفر می کشاند.

5. دروغ باعث بی اعتباری دروغگو است. علی (ع) فرمود:

((من عرف بالکذب قلت الثقه))

به کسی که معروف به دروغگویی شود اطمینان به او کم می شود .

ریشه های دروغگویی :

1. احساس حقارت و خود کم بینی پیامبر (ص) فرمود:

((لا یکذب الکاذب الا من مهانه نفسه))

دروغگو دروغ نمی گوید مگر بخاطر آنکه در خود احساس پستی می نماید.

2. ترس از جریمه و مجازات.

3. دورویی و نفاق قرآن می فرماید:

((والله يشهد ان المنافقين لكاذبين))

بدرستیکه خدا شهادت می دهد که منافقین دروغگویند.

4. فشار زیاد از طرف پدر و مادر به فرزند و رؤسا و فرماندهان به زیر دستان.

5. دروغ پدر و مادر و مرییان باعث عادت کودک به دروغ می شود.

6. شوخی و خنده و خوشحال کردن دیگران.

امام پنجم درباره دروغ فرمود: خداوند برای کارهای بدقفلهایی قرار داده که کلید آن قفلها دروغ است و دروغ گفتن از شراب خوردن بدتر است.

امام باقر (ع) از رسول خدا (ص) روایت می کند:

((اقل الناس مروءة من كان كاذبا))

کم مروت ترین مردم کسی است که دروغگو باشد.

پیامبر (ص) در رابطه با سوگند دروغ می فرماید: کسیکه به خدا قسم می خورد پس به اندازه پر پشه ای در آن دروغ وارد کند نقطه سیاهی در قلبش پیدا می شود که تا روز قیامت می ماند.

پیامبر (ص) فرمود: هر گان مؤمن بی عذر دروغ گوید هفتاد هزار فرشته به او لعنت نمایند و چون از قبر در آید بدبو بود و بوی او بعرش رسد و حمله عرش او را لعنت کنند.

حضرت عیسی (ع) فرمود: کسیکه دروغش زیاد شد نورش می رود.

امام ششم فرمود: بدرستیکه دروغگو دروغ می گوید پس بخاطر آن خداوند او را از نماز شب محروم می کند و هر گاه از نماز شب محروم شد رزق حلال بر او حرام می شود.

علی (ع) فرمود: راستی امانت و دروغ خیانت است.

شاعر گوید:

چه از شرک بگذشت کمتر گناه

میان کبایر دروغ است آه

مگر دان زبانت بگرد دروغ

که باشد رخت درد و گیتی سیاه

پیامبر (ص) فرمود: هر گاه مؤمنی بی عذر و دروغ گوید هفتار هزار فرشته او را لعنت نمایند و چون از قبر بیرون آید بدبو بود و بسوی او بعرش رسد و حاملان عرش او را لعنت کنند.

هیچگاه هم را مسخره نکنید

26- ای مؤمنین! هیچوقت همدیگر را مسخره نکنید و عیب هم را برملا ننمائید و لقب بد به هم ندهید و همدیگر به القاب زشت صدا نکنید.

ای مؤمنین! از سوء ظن به هم و بدگمانی به یکدیگر دست بردارید و به دنبال برملا کردن عیبهای هم نباشید و غیبت همدیگر را نکنید.

يا ايها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى ان يكونوا خيرا منهم ولا نساء عن نساء عسى ان يكن خيرا منهن ولا تلمزوا انفسكم ولا تتابزوا بئس الاسم الفسوق بعد الايمان ومن لم يتب فاولئك هم الظالمون {حجرات 11}

يا ايها الذين آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا يغتب بعضكم بعضا يحب احدكم ان ياكل لحم اخيه ميتا فكرهتموه واتقوا الله ان الله تواب رحيم {حجرات 12}

در این دو آیه به بیماریهای روحی که بعضی دچارند و باعث اختلال در جامعه مسلمین و ایجاد دشمنی بین مسلمانان می شود اشاره کرده است. بیماری مسخره کرده دیگران، مرض نامگذاری دیگران به نامهای زشت، بیماری سوء ظن و مرض عیبجوئی و غیبت.

بسیاری از دشمنی هایی که بین افراد ایجاد میشود به دلیل گناهان فوق است. وقتی شخصی یا گروهی را مسخره کردید باعث عکس العمل طرف مقابل می شود. اگر دیگران را به نامهای زشت، صدا زدید باعث ناراحتی افراد و ایجاد دشمنی می شود. اگر به کارهای دیگران با عینک تیره بدگمانی نگاه کنید، دشمنانتان فراوان و دوستانتان کم می شوند. و اگر بدنبال بردن آبروی دیگران از راه غیبت و فاش کردن عیوب آنها باشید، برادری و صمیمیت و مهربانی رخت بر بسته و جای آن، نفاق و دشمنی و تفرقه حاصل می شود.

مسخره کردن دیگران

از گناهان زبان، مسخره و استهزاء دیگران است. مسخره کردن از این جهت ناپسند است که باعث توهین به دیگران می شود.

ریشه های مسخرگی

1- دشمنی و کینه

2- تکبر

3- تحقیر کردن

4- شوخی و مزاح

5- سفاهت و نادانی

«علی (ع): مسخرگی، تفریح سفیهان و کار نادانان است»

6- حقارت نفس و خود کم بینی

«امام صادق (ع): ذلیل ترین مردم شخصی است که به مردم توهین می نماید»

گاهی مسخره کردن در مورد مسائل اعتقادی است. همانطور که عده ای از اقوام گذشته، پیامبران خدا را مسخره می کردند.

«شما آنان (مومنین) را مسخره کردید و یاد مرا فراموش نمودید. شما کسانی بودید که به آنان (مؤمنین) می خندیدید. در قیامت من بخاطر صبرمؤمنین به آنان پاداش می دهم و ایشان را رستگار می کنم.»

گاهی مسخره کردن در مورد مسائل مالی است. مانند مسخره کردن بعضی از مردان و زنان پولدار، فقیران و بی بضاعتان را.

«پیامبر (ص): کسیکه مؤمنی را ذلیل کند و یا بخاطر فقرش او را تحقیر نماید، خداوند او را در کنار پل جهنم رسوا می سازد.»

گاهی استهزاء در مورد مسائل سیاسی است.

انواع مسخره گی 1- موارد اخلاقی

«مثلا می گوید فلان شخص بخیل است!»

2- موارد اعتقادی

وظایف مؤمنین

«مجرمین کسانی هستند که در دنیا مؤمنین را مسخره می کردند و به آنان می خندیدند و هرگاه به مؤمنین بر می خوردند با گوشه چشم به آنان طعنه می زدند... (روز قیامت) مؤمنین، کفار را مسخره می کنند.» مطففین 29

3- در مورد قیافه و اندام افراد

«مثلاً می گوید فلانی کوتاه قد است!»

چه برخوردی با مسخره کنندگان بکنیم؟ 1- بی اعتنائی

«نقل شده که روزی مالک اشتر، سردار سپاه علی (ع) از بازار عبور می کرد. شخصی از بازاریان که او را نمی شناخت، برای مسخره کردن او، پوست خربزه ای به طرف مالک پرتاب کرد. اما مالک اعتنائی به او ننمود و براه خود ادامه داد. بازاریان به آن مرد خبر دادند که این فردی که تو او را مسخره کردی، مالک اشتر سردار نظامی لشکر اسلام است. آن مرد هراسان شد و برای عذرخواهی بدنبال مالک رفت. او مالک را در مسجد یافت و عذرخواهی کرد. مالک گفت: من قصد نداشتم به مسجد بیایم. ولی وقتی این حرکت را از تو دیدم، به مسجد آمده و نماز خواندم و برای دعا کردم تا خدا تو را بیامرزد.»

2- برخورد قاطعانه و نهی از منکر

«گاهی لازم است که جلو مسخره کننده بایستد و او را نهی کند و مانع شود تا بعداً دیگری را مسخره ننماید.»

رسول خدا (ص): روز قیامت، شخصی را که در دنیا مؤمنین را مسخره می کرده است، می آورند

و برای او دری از بهشت را می گشایند

و می گویند: داخل شو! او هم که خیلی ناراحت بوده است، بطرف در بهشت حرکت می کند، ناگهان در بهشت را می بندند و از طرف دیگری دری می گشایند! و به او گفته می شود: داخل شو! چون نزدیک آن در شود، آن را هم می بندند!

اگر ممالک روی زمین به دست آری وز آسمان بر بایی کلاه جباری

و گر خزائن قارون و ملک جم داری نیز زد آنکه وجودی ز خود بیازاری

عیبجوئی و تجسس

بعضی از انسانها عادت به تجسس در عیبهای مردم و باز گو کردن این عیبهای دیگران دارند.

وظایف مؤمنین

درحالیکه اگر نسبت به عیبهای خود تأمل کنند، متوجه می‌شوند که خود دارای عیوب متعدد بوده و باید خود را مداوا کنند.

«پیامبر(ص): بدنبال لغزشهای مؤمنین نباشید که هر که بدنبال این مطلب باشد، خداوند عیبهای او را آشکار کند»

مرد باید که عیب خود بیند بر ره زور و غیبه ننشیند

تو اگر عیب خود همی دانی نه ای عامی بل جهانبانی «سنائی»

«از صفات خداوند ستار العیوب بودن است و ما که بنده ایم باید از خالق پیاموزیم و عیب دیگران را ظاهر نکنیم.»

«امام پنجم(ع): برای انسان همین عیب بس که به عیوب مردم دقیقاً آشنا باشد ولی همان عیوب را که در خود اوست، نبیند»

عیبجوئی مکن ز خلق خدا که بود کار مردم جاهل

عیب خود بین چو مرد روشن بین تا شود تیرگی ز دل زائل

ای که غفلت فرا گرفته تو را گوش کن پندناصح کامل

گفت احمد خوشا بحال کسی که چو مردان پاک و روشندل

هست دائم به عیب خود مشغول لیکن از عیب دیگران غافل

«علی(ع): از عیبجویان دوری کنید که دوستانشان هم از آنها در امان نیستند.»

انسانهای کریم و بزرگوار اگر از عیوب دیگران هم مطلع شوند، آنرا نادیده گیرند و وظیفه خود دانند که عیبهای دیگران را بپوشند و آبروی دیگران را حفظ کنند. خداوند در قرآن در سوره حجرات دستور داده که: ولا تجسسوا. یعنی در جستجوی عیب دیگران نباشید.

چو عیب تن خویش داند کسی ز عیب کسان برنگوید بسی «فردوسی»

«امام صادق(ع): در عیب رفیقت تعجیل نکن شاید خدا او را بیامزد و بر عیبهای خود ایمن نباش شاید بخاطر آن عذاب شوی!»

مکن عیب کسان تا می توانی که توای دوست عیب خود ندانی

مده بر عیب کس نادیده اقرار و گرینی بپوشان بهترای یار

که تو هم عیب داری عینا کی خدا را شد سزای عیب پاکی

وظایف مؤمنین

مکن مدح خود و عیب دگر کس و گر گوید کسی گو زین سخن بس! «پیامبر (ص): بعضی از شما خار را در چشم دیگران می بیند ولی استخوان را در چشم خودش نمی بیند!»
«علی (ع): کسیکه از عیب خود مطلع نباشد، از بزرگترین گناهان است.»
«پیامبر (ص): هر که عیب برادرش را بپوشاند، گویا دختر زنده بگوری رازنده کرده است!»
«پیامبر (ص): هر که عیب برادرش را ببیند ولی آنرا بپوشاند، خدا در قیامت عیش را بپوشاند»
«پیامبر (ص): بدنبال عیوب مؤمنین نباشید که هر که اینگونه باشد، خدا بدنبال عیشش باشد و هر که خدا بدنبال عیشش باشد، رسوا می شود اگر چه در دل خانه اش باشد!»

سوء ظن

انسان در روابط خانوادگی و اجتماعی باید دارای حُسن ظن باشد.
حُسن ظن به پیشرفت کارها و ایجاد محبت بین خانواده و جامعه کمک می کند.
ولی سوء ظن باعث از بین رفتن روابط سالم اجتماعی می شود.
معنای سوء ظن آن است که کارها و اعمال دیگران را بر علیه خود حمل کنیم. و یا دیگران را بدون علم و یقین، متهم نماییم.

«ای مؤمنین! از بسیاری از گمانها دوری کنید که بعضی از گمانها گناه است»

{حجرات 12}

«پیامبر (ص): خدا سوء ظن به مؤمن را حرام کرده است»

هر چه دائره سوء ظن وسیعتر باشد گناه و فسادش بیشتر است. سوء ظن در مسائل سیاسی باعث خرابی کشور و مملکتی می شود.

سوء ظن در مسائل کاری و شغلی مشکلات زیادی ایجاد می کند.

سوء ظن در مسائل خانوادگی به اختلافات خانوادگی منجر می شود.

و خلاصه سوء ظن در موارد مختلف باعث ضرر و زیانهای می شود.

«نقل شده که: شخصی سگ باوفائی داشت.. روزی کودک در گهواره اش را با سگ تنها گذاشت و از خانه اش خارج شد. وقتی به منزل برگشت، سگ در حالیکه پوزه اش خونی بود، با استقبال صاحبش آمد. مرد خیال کرد که سگ به کودک او آسیبی وارد کرده است. لذا شمشیرش را کشید و سگ را کشت. اما وقتی وارد

وظایف مؤمنین

منزل شد، کودک را سالم دید و در کنار گهواره ماری مرده ای را مشاهده کرد و فهمید که مار قصد آسیب رساندن به کودک را داشته ولی سگ مانع شده و با او زد و خورد نموده است.

مرد آنچنان پشیمان شد که تا سه روز بر بالین سگ مرده اشک می ریخت و اظهار پشیمانی می کرد.»
سوء ظن دشمنان خیالی انسان را زیاد می کند. افراد دارای سوء ظن دارای اضطراب بوده و کمتر در آرامش می باشند.

مثلاً زنانیکه به شوهران خود سوء ظن دارند اکثر اوقات فکرشان نا آرام بوده لذا دچار بیماریهای روانی می شوند. همچنین مردانی که بدون جهت نسبت به همسرشان سوء ظن دارند، دچار ناراحتی اعصاب می شوند و آرامش خود را از دست می دهند.

«امام صادق (ع): کسیکه بخاطر مشکلات مالی ازدواج نمی کند، به خدا سوء ظن دارد. زیرا خداوند وعده داده است که رزق بندگانم را می دهم.» درمان سوء ظن
بهترین درمان، حمل کردن کارهای دیگران بر خوبی است. تا انسان یقین به بد بودن حرکتی نکرده آنرا بر خوبی و خیر حمل نماید.

همچنین فاصله گرفتن از افراد دارای سوء ظن نیز به مداوای این درد کمک می کند.

سوء ظن در آئینه روایات

«علی (ع): بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است. پس آنچه را با گوش شنیدی چنانچه با چشم هم دیدی راست و حق است.»

«اعمال برادرت را تا دلیلی بر خلافش نیافتی، بر نیکوترین وجه حمل نما. و تا زمانی که می توانی سخن مؤمن را بر خوب حمل کنی، هرگز نسبت به سخن مؤمن گمان بد مبر.» تفسیر نمونه

«امام صادق (ع): اصل حُسن ظن از حُسن ایمان و سالم بودن دل است که هر که را می بیند پاک و خوب می پندارد و احتمال حیاء و امانت و صیانت و راستی به او می دهد.»

«پیامبر (ص): به برادرانتان گمان خوب داشته باشید تا دچار صفای دل و پاکی طبع گردید» تفسیر من هدی القرآن

پادشاهان ظالم و حاکمان ستمکار برای اینکه مخالفان خود را شناسائی و سرکوب کنند و مردم را از وحدت و همدلی دور نمایند تخم بد گمانی به هم را بین آنها می افشاندند بطوری که در زمان صدام ملعون در میان 15 میلیون جمعیت

عراق، 4 میلیون نفر از مردم به نیروهای اطلاعاتی دستگاه حکومت تبدیل شده و دیگران را بایک سوءظن جزئی به عنوان مخالف حکومت معرفی می کردند و..

در زمان طاغوت هم ساواک شاه بین عده ای از مردم با همین شیوه ترس و وحشت و سوءظن به هم را رواج داده بود. الان هم در بعضی از کشورها قدرتهای شیطانی با همین شیوه ادامه حیات می دهند.

بیماری غیبت کردن پشت سر دیگران

- پیامبر خدا(ص)، در خطبه حجة الوداع، فرمود: ای مردم! همانا خونهای اموال و اعراض شما بر شما حرام (و محترم) است، همچون حرمت این روز شما در این ماه شما و در این شهر شما هر آینه خداوند غیبت را حرام کرد، همچنان که مال و خون را حرام گردانید.
- امام علی(ع) : غیبت کردن، کار شخص ناتوان است.
- غیبت کردن، نشانه منافق است.
- بدگویی پشت سر دیگران، بدترین بهتان است.
- امام صادق(ع) : غیبت نکن، که از تو غیبت می شود و برای برادرت چاه مکن که خود در آن می افتی، زیرا به هر دست بدهی، با همان دست پس می گیری.
- امام علی(ع) : زنهار که زبانت را در غیبت کردن از برادرانت مرکب خویش سازی، یا چیزی بگویی که حجتی بر ضد تو شود و بهانه ای برای بدی کردن به تو گردد.
- از غیبت کردن پرهیز، که این کار تو را نزد خدا و مردم مبعوض می سازد و پاداشت را بر باد می دهد.
- خردمند، کسی است که زبانش را از غیبت نگه دارد.
- خودت را به غیبت کردن عادت مده، زیرا شخص معتاد به غیبتگویی گناهش بزرگ است.
- منفورترین مردم نزد خدا، غیبتگر است.
- از زشت ترین فرومایگیها، بدگویی پشت سر نیکان است.
- پیامبر خدا(ص) به عایشه که به آن حضرت گفت : تو را از صفیه همین بس که چنین و چنان است، مقصودش این بود که قد کوتاه است، فرمود : هر آینه سخنی گفتمی که اگر با آب دریا آمیخته شود، آن را می آلود.
- امام صادق(ع) : غیبتگر، نباید چشم طمع به سلامت داشته باشد.
- امام کاظم(ع) : ملعون است، کسی که از برادرش غیبت کند.
- پیامبر خدا(ص) : در شب معراج، مردمی را دیدم که چهره های خود را با ناخنهایشان می خراشند پرسیدم : ای جبرئیل، اینها کیستند؟ گفت : اینها کسانی هستند که از مردم غیبت می کنند و آبرویشان را می برند.

وظایف مؤمنین

- چون به معراج برده شدم، بر مردمی گذشتم که ناخنهایی از مس داشتند و چهره‌ها و سینه‌های خود را ناخن می‌کشیدند! پرسیدم: اینها کیستند، ای جبرئیل؟ گفت: اینان کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خورند و با آبروی آنها بازی می‌کنند.
- غیبت کردن بدتر از زناست عرض شد: چگونه؟ فرمود: مرد زنا می‌کند و سپس توبه می‌نماید و خدا توبه‌اش را می‌پذیرد اما غیبتگر آمرزیده نمی‌شود، تا زمانی که غیبت شونده او را ببخشد.
- امام علی (ع)، در نهی از غیبت کردن از مردم، می‌فرماید: افراد پاکدامن و برخوردار از نعمت پرهیزگاری باید و بجاست که با گناه‌ورزان و معصیت‌کاران مهربان و دلسوز باشند و سپاسگزاری (به خاطر نعمت پاکدامنی و پرهیزگاری) برایشان چیره‌باشد و مانع غیبت آنها از گناهکاران شود حال چه رسد به عیبجویی که از برادر خویش عیبجویی می‌کند و او را به گناهش سرزنش می‌نماید؟ مگر به یاد نمی‌آورد آن موقعی را که خدا گناه او را پوشاند، گناهی که بزرگتر از گناه آن برادری است که او را بدان سرزنش می‌کند! چگونه او را به خاطر گناهی نکوهش می‌کند که خودش چونان گناهی را مرتکب شده است؟ و اگر عین آن گناه را نکرده باشد، بیگمان با گناهی بزرگتر از آن خدا را نافرمانی کرده است به خدا سوگند که اگر با گناه بزرگی خدا را نافرمانی نکرده باشد، و در گناه کوچکی او را نافرمانی کرده باشد، بیگمان همین گستاخی او در عیبجویی از مردم بزرگترین گناه است!
- پیامبر خدا (ص): غیبت نکردن نزد خدای عزوجل، محبوبتر از ده هزار رکعت نماز مستحبی است {میزان الحکمه}

چرا حرفی می‌زنید که خود به آن عمل نمی‌کنید؟

۲۷- ای مؤمنین! حرفهایی که به آن عمل نمی‌کنید نزنید! که خدا از این حرف شما خشمناک می‌شود.

یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون. کبر مقتا عند الله ان تقولوا مالا تفعلون {صف ۲-۳}

بعضی از مسلمانان قولهایی می‌دهند و حرفهایی می‌زنند و در مرحله عمل، درجا زده و بقولشان عمل نمی‌کنند. مثلاً عده ای از مسلمانان در صدر اسلام، می‌گفتند اگر دوباره جنگی در بگیرد فرار نمی‌کنیم! ولی در جنگ بعدی باز فرار نمودند.

یا قبل از آمدن حکم جهاد، عده ای گفتند اگر بدانیم بهترین عمل چیست آنرا انجام می‌دهیم! وقتی حکم جهاد نازل شد و خداوند فرمود که بهترین عمل، ایمان خالص و جهاد است، به قولشان عمل نکردند و از شرکت در جهاد شانه خالی نمودند.

وظایف مؤمنین

واین یک مشکل بزرگ برای عده ای از افراد است که ادعاهائی کرده ولی اعتمادی به آنها نیست زیرا احتمال عمل نکردن به حرفشان است. درحالی که باید قول و عمل باهم انطباق داشته باشد.

داستان زنی که کودکش را نزد پیامبر آورد تا حضرت او را از خوردن خرما که برایش مضر بود بازدارد ولی پیامبر به روزی دیگر محول کرد و روز بعد کودک را از خوردن نهی فرمود و گفت دیروز نگفتم زیرا خود خرما خورده بودم و کسی که خود خرما خورده چگونه می خواهد دیگران را از خوردن آن نهی کند؟ این داستان نیز درباره انطباق قول با عمل است.

یا پزشکانی هستند که خود سیگار می کشند ولی بیماران خود را از کشیدن سیگار نهی می نمایند؟ یا عالمانی که مردم را به دوری از دنیا دعوت می کنند ولی خدای نکرده خود یا منسوبین به آنها دنیاطلب هستند.

گویند شخصی کنار جالیز خیاری ایستاده بود و مردم را از خوردن خیار مردم نهی می کرد ولی خود می خورد از او پرسیدند چرا خود می خوری؟ گفت من برای خنک بودنش می خورم نه برای حرام بودنش!

همچنین نقل شده مردی به یک نفر روحانی گفت زنم نماز نمی خواند! روحانی گفت او را به بهشت بشارت بده شاید بخواند! گفت دادم ولی نمی خواند. روحانی گفت او را از جهنم بترسان! گفت ترساندم ولی نمی خواند. روحانی گفت حرفش چیست؟ گفت می گوید اول خودت بخوان تا من هم بخوانم! روحانی گفت راست می گوید.

عمل نکردن به نذرها نیز مصداق این آیه می باشد.

در روایات ، عالم بدون عمل به درخت بدون فایده و میوه تشبیه شده است. و معمولاً مردم از آدمی که به حرفش عمل نمی کند بدشان می آید. پس آدمی که سر حرفش نمی ماند و به سخنی که می گوید عمل نمی کند، هم مبعوض خالق است و هم مبعوض مخلوق.

البته مراد سخن درستی است که می گوید نه سخنان نادرست و بی پایه که اصلاً نباید به آنها عمل کند.

وقتی ندای نماز جمعه را شنیدید با عجله بسوی آن بشتابید

28- ای مؤمنین! وقتی به نماز جمعه دعوت می شوید معامله و خرید و فروش و تجارت را رها کرده و با عجله بسوی مصلایا حرکت کنید.

یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله وذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون {جمعه 9}

در باره اهمیت نماز جمعه روایتی را از تفسیر فوق نقل می کنیم که:

: در خطبه ای که موافق و مخالف

آن را از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل کرده اند آمده:

((خداوند نماز جمعه را بر شما واجب کرده هر کس آن را در حیات من یا بعد از وفات من از روی استخفاف یا انکار ترک کند خداوند او را پریشان می کند، و به کار او برکت نمی دهد، بدانید نماز او قبول نمی شود، بدانید زکات او قبول نمی شود، بدانید حج او قبول نمی شود، بدانید اعمال نیک او قبول نخواهد شد تا از این کار توبه کند)).!

شهید دوم در این باره می نویسد:

خدای سبحان در روز جمعه شریف ترین عملی که وسیله تقرب به پیشگاه اوست، نماز جمعه قرار داده و از آن در قرآن کریم ((ذکر خدا)) تعبیر فرموده و آن را در میان نمازها که بهترین وسیله تقرب هستند به این عنوان اختصاص داده می فرماید: ((یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة، فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع، ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون)) ((ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که در روز جمعه برای نماز فرا خوانده شدید، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را فرو گذارید. این بهتر است برای شما، اگر بدانید)) در این آیه تعبیرهای^(۳۳۹) لطیف و جالبی است که آشنایان با ادبیات عربی به مقدار استعداد خود آن را در می یابند، که یکی از آنها تعبیر ((ذکر الله)) از نماز جمعه است، و آن اشاره است به این که هدف اصلی از نماز حرکت و سکنات نیست، بلکه هدف اصلی یاد خداست و رکوع و سجود رمز آن است. و برای همین است که نماز از فحشاء و منکر باز می دارد. چنان که قرآن کریم می فرماید: ((ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر)) ((نماز از فحشاء و منکر باز می دارد)) زیرا فحشاء و منکرات از کششهای درونی شهوانی و امیال باطنی نفسانی سرچشمه

وظایف مؤمنین

می گیرند که بزرگترین^(۳۴۰) عامل باز دارنده از آنها یاد خدا و توجه کامل به خدا و یادآوری عظمت خدا می باشد که نماز مرتفع ترین قله آن است، و لذا از آن ((ذکر الله الاکبر)) تعبیر شده است^(۳۴۱) چنان که در برخی از تفسیرها آمده است. هنگامی که یاد خدا چنین قدرتی دارد و نیروی نماز نیز از آن سرچشمه می گیرد، پس در نماز جمعه باید بیش از دیگر نمازها مهیا گردید، تا در شریف ترین روزها، برای شریف ترین عبادتها، با شریف ترین وضع ممکن مهیا شود و در برابر قادر متعال با اقبال تمام و توجه کامل بایستد. {اسرار نماز- شهید ثانی}

آثار و فواید مهم نماز جمعه

آثار دنیوی نماز جمعه:

۱- دمیدن روح وحدت در اقشار مختلف مردم و مسئولین: در نماز جمعه از همه اقشار و همه مشاغل در یک مجمع جمع می شوند و به بیانات خطیب گوش می دهند و در کنار هم نماز بجا می آورند و بعد از نماز با هم دست می دهند و گاه در نماز جمعه شعارهایی داده می شود با اینکه بعضی با هم در خارج از نماز جمعه اختلاف سلیقه سیاسی دارند و یکی چپ است و دیگری راست و... ولی در مسائل اصولی نظام با هم یک نظر دارند. همه با هم مرک بر امریکا و مرگ بر اسرائیل می گویند. همه با هم مرگ بر ضد ولایت فقیه می گویند. همه با هم ندای حمایت از دولت سر می دهند و با رهبر عزیز انقلاب و ولی امر مسلمین، عهد مجدد می بندند.

۲- اثر دیگر نماز جمعه آشنا شدن امت اسلامی با معضلات و مشکلات و حوادث تلخ و شیرین دنیای اسلام است. وقتی خطیب در خطبه دوم به حوادث جهان اسلام یا حوادث ایران اسلامی اشاره می کند، کستمین با آن آشنا می شوند. و می فهمند که در حال حاضر کی ظالم است و کی مظلوم. چه کسی مستکبر است و چه کسی مستضعف. با چهره پلید امریکا و هم پیمانانش آشنا می شوند. از طرفی قلبشان برای مظلومین فلسطین و لبنان و عراق و جاهای دیگر می تپد و جریحه دار می شود.

۳- اثر دیگر نماز جمعه تضعیف و مایوس نمودن دشمنان اسلام است. وقتی مردم هر هفته بهتر از قبل بطرف مصلای نماز جمعه حرکت می نمایند، منافقین ناراحت می شوند. شیاطین نگران می شوند. مستکبرین هراسان می گردند مخصوصا

وظایف مؤمنین

نماز جمعه پایتخت که با حضور مسئولین طراز اول و اقشار مختلف مردم گاه به امامت ولی ام مسلمین یا دیگر شخصیت های نظام اسلامی برپا می شود که این نماز جمعه دشمن شکن هستند.

۴- فایده دیگر نماز جمعه بسیج مردم برای کمک رسانی و یاری رسانی است. گاه برای زلزله زدگان و گاه برای سیل زدگان و گاه برای ردم ستمدیده فلسطین و لبنان و عراق و جاهای دیگر است. و گاه برای مستمندان و دانش آموزان بی بضاعت است. گاه بسیج برای اعزام نیرو به جبهه های حق علیه باطل است. که در زمان پیامبر اعظم این گونه بود و در زمان علی ع هم بعد از خطبه ها نیرو اعزام می شد و در ایام دفاع مقدس نیز نماز جمعه ها نقش مهمی در اعزام نیرو داشتند.

۵- اثر مثبت دیگر نماز جمعه اطلاع رسانی مسئولین به مردم است. بهترین تربیونی که مسئولین می توانند مسائل خود را از آن جا با مردم در میان بگذارند تربیون نماز جمعه است. معمولاً قبل از خطبه ها به مناسبت های مختلف مسئولین حضور پیدا می کنند و مردم را با نحوه فعالیت های خود و انتظاراتی که از مردم دارند آشنا می کنند.

۶- از طرفی در نماز جمعه، می توان مطالبات مردم را بگوش مسئولین رساند و معضلات و مشکلاتی که امام جمعه صلاح میدانند از این طریق مطرح شود تا در حل آن تسریع گردد با بیان مناسب طرح شود.

۷- دیگر این است که از طریق نماز جمعه مردم با سیاستهای نظام اسلامی و مواضع ولی امر مسلمین آشنا می شوند. امام جمعه در مناسبتهای مختلف مواضع رهبری را برای عموم مردم تبیین می کند.

مثلاً برای مردم بیان کند که از نظر مقام معظم رهبری، اصول گرایی حزب خاصی نیت بلکه هر کی که ارزشهای نظام اسلامی را قبول داشته باشد و التزام عملی به آنها داشته باشد اصول گرا نامیده می شود. و این مسئله و نکته بسیار مهمی

است که در وحدت امت اسلامی و در انسجام امت اسلامی و در کم کردن تنش های سیاسی نقش مهمی ایفا می کند.

۸- اثر دیگر این است که مردم با وظایف دینی و اجتماعی خود آشنا می شوند. مثلاً متوجه می شوند که در دین اسلام به رعایت حقوق زنان سفارش اکید شده است. متوجه می شوند که ازدواج در اسلام امر مقدسی است بطوری که از سفره

عروسی بوی بهشت استشمام می شود. می فهمند که خانواده در اسلام جایگاه بسیار مهمی دارد و باید در استحکام آن تلاش نمود و صدها مورد دیگر که در هنگام حضور در نماز جمعه نصیب نمازگزاران می شود

۹- فایده دیگر این است که انسانها در بهترین ساعت و در بهترین روز به ذکر خدا روی آورده اند و این باعث تقرب الی الله می شود. در ساعتی که عده ای مشغول تفریح و گاه لهو و لعب و کارهای شیطانی هستند درصد کمی از مسلمین در

مصلاها اجتماع کرده و به ذکر خدا و یاد او و نماز برای او مشغولند. اینها برگزیدگان از میلیونها انسانند که انتخاب شده اند و به فضیلت ذکر الله تفضل یافته اند. خوشا بحال اینان. خوشا بحال آنهایی که از اول انقلاب تا الان در صفوف نماز جمعه

وظایف مؤمنین

حضور دائمی داشته اند و خوشا بحال امامان جمعه ای که در صدها خطبه نماز جمعه، مردم را با فرهنگ اهل بیت ع، با فرهنگ قرآن کریم، با فرهنگ اسلام ناب محمدی آشنا نموده اند.

نماز جمعه فواید دیگری دارد که از ذکر آنها صرق نظر می کنیم.

۱۰- فایده دیگر نماز جمعه، جایگاه با عظمت امام جمعه در شهرستانهاست. با حضور امام جمعه در شهرستانها بعنوان کسی که از طرف ولی امر مسلمین منصوب شده است، مردم و مسئولین محلی، به چشم نماینده ولی امر مسلمین نگاه کرده و او را بالاترین شخص آن منطقه از بعد معنوی می دانند. قضات و فرماندهان نظامی و انتظامی و فرمانداران و مسئولین دیگر همه حرمت او را نگه داشته و به ارشادات و نصایح او گوش می نمایند. حضور او در شهرستان باعث خیر و برکت برای منطقه شده و با اخلاص و تدبیر او گاه کارهای بزرگ فرهنگی و غیره با هزینه اندک انجام می شود که اگر دولت بخواهد آن کارها را خود انجام دهد باید هزینه گزافی بپردازد. ائمه جمعه ای که مصلا ساخته اند. حوزه علمیه احداث نموده اند. بیمارستان و کتابخانه درست کرده اند. مجتمع های فرهنگی راه انداخته اند. دهها مسجد را احداث یا در تکمیل آن کمک کرده اند و در کنار این اقدامات، دفتر آنها پناهگاهی برای مردم بوده که یا برای کمک مادی مراجعه نموده و یا برای حل اختلافات خود و یا برای کمک معنوی به امام جمعه پناه برده اند. نقش امام جمعه نقش بی بدیلی است که از عهده دیگر عالمان بر نمی آید. او باید در جلسات اداری، مرتب مسئولان را به خدمتگزاری به مردم و رفع گرفتاری مردم دعوت کند. مشکلات منطقه را متذکر شود. همه را به وحدت فراخواند. بین جناحهای سیاسی تعادل برقرار کند. سیاستهای نظام را برای مردم تبیین کند و...

ثوابها برای حضور در نماز جمعه و عواقب سوء بی اهمیتی به نماز جمعه

- روز قیامت به اندازه سبقت به نماز جمعه، افراد در وارد شدن به بهشت از هم سبقت می گیرند. (اسرار نماز- شهید ثانی)

- پیامبر اعظم ص: از جمله افرادی که اعمالشان مانند روزی که متولد شده اند حساب می شود کسی است که نماز جمعه را تمام کرده و دارد مراجعت می نماید. (مستدرک ج ۶ ص ۷)

- پیامبر خدا (ص): آن که نماز جمعه بگذارد، «ثواب» حجتی مقبول برایش منظور گردد و اگر نماز عصر را هم بخواند، پاداش عمره را هم می برد و اگر تا شب در جایش بماند، از خدا چیزی نمی خواهد مگر آنکه خداوند به او می دهد.

- امام باقر (ع): هر که، بدون عذر و علتی، سه جمعه پیاپی در نماز شرکت نکند خداوند بر دل او مهر زند.

وظایف مؤمنین

- پیامبر خدا(ص): هر که سه نماز جمعه را، از روی اهمیت ندادن به آن، ترک کند خداوند بر دل او مهر زند.
 - هر کس، از روی عمد و بدون علتی، سه نماز جمعه را ترک کند، خداوند مهر نفاق بر دل او زند.
 - عده‌ای هستند که در نمازهای جمعه شرکت نمی‌کنند.
 - بر دل‌هایشان مهر زده می‌شود و آن گاه از غافلان خواهند بود.
 - به مردی که از محرومیت خود از حج شکایت کرد، فرمود: ای قلیب! بر تو باد به نماز جمعه که آن حج مستمندان است.
 - نماز جمعه، حج مستمندان است.
 - تعدادی از مردم هستند که جز اندکی در نماز جمعه شرکت نمی‌کنند و خدای را جز از روی غفلت و نفاق یاد نمی‌نمایند.
 - هر که از روی ایمان و به حساب خدا در نماز جمعه شرکت کند، اعمالش را از نو آغازیده است (خداوند به پاداش آن گناهان گذشته‌اش را بیامرزد و نامه عمل جدیدی برایش باز کند).
- {میزان الحکمه ج ۷}

مبادا مال و منال شما را از یاد خدا غافل کند

29- ای مؤمنین! مواظب باشید که ثروت و فرزندان شما را از یاد خدا باز ندارند که اگر اینگونه شود حتما زیان و ضرر کرده اید.

یا ایها الذین آمنوا لاتلهکم اموالکم ولا اولادکم عن ذکرالله ومن یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون {منافقون 9}

اکثر کسانی که از خدا دور می‌شوند، بخاطر فرزندان و جمع آوری مال است..لذا خداوند هشدار مهمی به بشر داده که مواظب باشید در این دو مورد افراط و تفریط نکنید.

می‌توان از مال و منال برای رسیدن به خدا سود برد. و ایندو می‌توانند جلو رسیدن به رضای خداوند را بگیرند.

وظایف مؤمنین

مرد که ازدواج می کند، سرپرست خانواده می شود. او باید خانواده را بسوی سعادت ببرد. او باید حد وسط را در جمع آوری مال و در محبت به فرزندان رعایت کند. او باید مواظبت بکند که مسیر خانواده از راه راست منحرف نشود.

پدر به عنوان سرپرست خانواده و سرکامدار این کانون، مسئولیت هدایت خانواده در مسیر سعادت را به عهده دارد. این مسئولیت از طرف خداوند به عهده پدر گذاشته شده و هیچ کسی نمی تواند این مسئولیت را از روی دوش او بردارد:

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله واللاتي نشوزهنّ فعظوهنّ واهجروهنّ في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا» نساء 32

یعنی مردان بر زنان سرپرستی دارند بخاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر اینکه مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می دهند. پس زنان صالح و شایسته باید فرمانبر شوهران در کام گیری و تمتعات جنسی و حافظ ناموس و منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند. همانطور که خدا منافع آنان را حفظ فرموده. و زنانی را که بیم دارید نافرمانیتان کنند، نخست اندرز دهید و اگر به اطاعت در نیامدند با آنها قهر کنید و به بستر راه ندهید و اگر این نیز مؤثر نشد بزنیدشان پس اگر به اطاعت در آمدند دیگر برای ادامه زدن بهانه جوئی نکنید. و بخاطر علوی که خدا بشما داده مغرور نشوید که دارنده علو و بزرگی خداست.

خصوصیات پدر نمونه

همان ده خصلتی که در زنان باید باشد تا سعادت دو جهان را دریابند، در مردان هم باید باشد که شامل:

مسلمان بودن، ایمان، دعا کننده، راستگو، صبور، مطیع خدا، انفاق کننده، روزه گیر، عفیف، اهل ذکر است.

اگر پدر صالح باشد و وظایف خود را بخوبی انجام دهد حتما خانواده خود را خوشبخت خواهد نمود.

پدری که مؤمن بوده و اهل معنویات هست و به فضائل اخلاقی اهمیت می دهد، نخواهد گذاشت که خانواده در مسیر نادرست قرار بگیرد.

بر خلاف فرهنگ غرب که با عدم نظارت و عدم دخالت پدر در امور شخصی و خصوصی همسر و فرزندان به اسم آزادی، خانواده ها از هم پاشیده شده و دیگر لقب پدر به عنوان یک واژه مقدس کمتر بکار می رود.

پدر مسئولیت ویژه‌ای برعهده دارد که خداوند به عهده او گذاشته است و آن سرپرستی خانواده خویش می‌باشد. در کشور ما در بسیاری از خانواده‌ها مخصوصاً در زمان گذشته به این مسئولیت عمل می‌شد و پدر جایگاه خویش را داشت ولی اخیراً بدلیل شعارهای فمینیستی و زن‌گرایی بعضی و بدلیل تقلید از فرهنگ غرب و بدلیل عدم اطلاع شوهران از مسئولیت خویش، در بعضی از خانواده‌ها وضع برعکس شده است و با وجود حضور مرد، زن سرپرست خانواده می‌باشد! و فرزندان مطیع پدر نیستند.

اگر چه سرپرست بودن مرد، علامت برتری او بر زن در نزد خداوند نیست ولی با ایفای این مسئولیت توسط اوست که خانواده‌ها از فروپاشی مصون می‌مانند و اسیر عواطف زنانه نمی‌شوند و در حوادث مهم از ادامه مسیر باز نمی‌مانند. لذا اخیراً در کشور آمریکا عده‌ای از زنان و مردان طی درخواستی از قوه قضائیه آن کشور، درخواست کرده‌اند که همانند گذشته مسئله سرپرست بودن مرد در خانواده‌ها احیاء شود. زیرا آزادی‌هایی که به زنان داده شده است، نه تنها فایده‌ای برای زنان نداشته بلکه باعث تزلزل و فروپاشی خانواده‌های بسیاری شده است.

مردیکه باید در مسائل مهم زندگی تابع زن باشد و در حقیقت زن تصمیم گیرنده است، از نظر اجتماعی و روانی دارای مشکلاتی می‌شود. مثلاً مرد تمایل دارد که بسفر بروند ولی زن مخالفت می‌کند و سفر انجام نمی‌شود. مرد دوست دارد فلان شغل را اختیار کند ولی زن آن را نمی‌پسندد. مرد می‌خواهد فلان مهمانی را بدهد ولی زن مخالفت می‌کند و برعکس مرد دوست ندارد زنش به فلان مهمانی برود ولی زن می‌رود! مرد دوست ندارد زنش فلان لباس را (نامناسب) بپوشد ولی زن می‌پوشد. مرد دوست ندارد زن فلان خرج را بکند و یا وسایل غیر ضروری که بار مالی سنگین دارد بخرد ولی زن این کار را می‌کند! مرد دوست ندارد زن بدون اجازه او از خانه خارج شده و در زمانیکه او به همسرش نیاز دارد، او در خانه نباشد ولی زن بدون اجازه بیرون رفته و این کار بارها و بارها تکرار می‌شود. و صدها نمونه از برآورده نشدن خواسته‌های مرد در خانه‌هایی که زن سالاری است. و این بتدریج به شکست این گونه خانواده‌ها کمک می‌نماید. اگر چه باید مرد هم به خواسته‌های شرعی و قانونی زن تن در دهد.

«به امام کاظم (ع) گفته شد: مردی به زنش می‌گوید که اختیار تو با خودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است. زیرا خدا این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی‌تواند این حق را از مرد بگیرد.

وظایف مؤمنین

سپس امام آیه «الرجال قوامون على النساء...» را تلاوت فرمودند. {خانواده نمونه}

در بسیاری از خانواده ها، مرد خانه در حد یک کارگر تنزل کرده. کارگری که باید مادیات خانواده اش را جور کند ولی در تصمیم گیری ها به او محلی نمی گذارند و سخنش را جدی تلقی نمی نمایند. نه همسر و نه فرزندان او را یک عضو مهم خانواده قبول ندارند و آخرین حرف یعنی حرف اول و آخر را در خانواده، زن یا فرزندان می زنند! و چون این برخلاف سعادت خانواده است کم کم خانواده از مسیر درست منحرف شده و از دین و معنویت و مسجد و نماز جمعه و محافل مذهبی جدا شده و بسوی کجراهه حرکت می کند.

داستان کسانی که بخاطر فرزند، بدبخت شدند و یا بخاطر ثروت، دشمن خدا گردیدند فراوان است. که باید به کتابهای تاریخی مراجعه کرد.

نتیجه پولدوستی

آمده است که حضرت عیسی (ع) به همراه مری سیاحت می کرد پس از مدتی راه رفتن گرسنه شدند. بدهکده ای رسیدند. عیسی به آن مرد گفت برو نانی تهیه کن و خود مشغول نماز شد. آن مرد رفته سه گرده نان تهیه کرد و بازگشت. مقداری صبر کرد تا نماز حضرت عیسی پایان پذیرد چون کمی طول کشید یک گرده را خورد. حضرت عیسی آمده پرسید گرده سوم چه شد گفت همین دو گرده بود. پس از آن مقداری دیگری راه پیموده به دسته آهوئی برخوردند حضرت عیسی یکی از آنها را پیش خواند و آنرا ذبح کرده و پخته خوردند بعد از خوردن حضرت عیسی فرمود:

قم باذن الله آهو حرکت کرده و زنده شد آن مرد تعجب کرده زبان بکلمه سبحان الله جاری کرد. عیسی گفت تو را سوگند می دهم بحق آن کسی که این نشانه قدرت را برای تو آشکار کرد بگو نان سوم چه شد باز جواب داد دو گرده بیشتر نبود. دو مرتبه براه افتاد نزدیک دهکده بزرگی رسیدند در آنجا سه خشت طلا افتاده بود رفیق عیسی گفت اینجا ثروت و مال زیادی است آنجناب فرمود: آری یک خشت از تو و یکی از آن من و خشت سوم را اختصاص می دهم به کسی که نان سوم را برداشته. مرد حریص گفت من نان سوم را خوردم عیسی از او جدا گردیده گفت هر سه خشت مال تو باشد آن مرد کنار خشتها نشسته و بفکر برداشتن و بردن آنها بود. سه نفر از آنجا عبور نمودند او را با سه خشت طلا دیدند. همسفر عیسی را کشته و طلاها را برداشتند. چون گرسنه بودند قرار بر این گذاشته یکی از آن سه نفر از دهکده مجاور نانی تهیه کند تا بخورد.

شخصیکه برای نان آوردن رفت با خود گفت نانها را مسموم کنم تا آندو پس از خوردن بمیرند. دو نفر دیگر نیز هم عهد شدند که رفیق خود را پس از برگشتن بکشند. هنگامیکه آن مرد نان را آورد آندو نفر او را کشته و خود با خاطری

وظایف مؤمنین

آسوده بخوردن نانها مشغول شدند چیزی نگذشت که آنها هم برفیق خود ملحق گشتند. حضرت عیسی در مراجعت چهار نفر را بر سر همان سه خشت مرده دید گفت اینجور دنیا با اهلش معامله می نماید. {خوبیها و بدیها}

سخنی از امیرمؤمنان:

روز قیامت، مؤمن پولدار را برای حساب می آورند. خدا می فرماید: ای بنده ام! جواب می دهد: لیک ای خدا! پروردگار می فرماید: آیا تورا شنوا و بینا نکردم و مال زیادی بتو ندادم؟ می گوید: آری ای خدا! خدا می فرماید: برای ملاقات با من چه آماده کرده ای؟ می گوید: بتوایمان آوردم. پیامبرت را تصدیق کردم و در راه تو جهاد نمودم. خدا می فرماید: با آنچه بتو دادم چه کردی؟ می گوید: در راه اطاعت تو انفاق نمودم. خدا می فرماید: برای وراثت چه گذاشتی؟ می گوید: من و آنها را تو خلق کردی! تو به من و آنها رزق دادی! تو قادر بودی که همانطور که بمن رزق دادی به آنها هم روزی بدهی! لذا آنان را بتو سپردم! خدا می فرماید:

راست گفتی! برو که اگر بدانی چه مقامی نزد من داری، زیاد می خندی!

سپس مؤمن فقیر را برای حساب می خوانند. خدا می فرماید: ای فرزند آدم! می گوید: لیک ای خدا! می فرماید: چه کرده ای؟ می گوید: ای خدا! مرا به دینت هدایت کردی و به من نعمت دادی! باندازه کفایت بمن دادی که اگر روزی زیاد بمن می دادی، شاید مرا از عبادت مشغول می کرد! خدا می فرماید: راست گفتی! اگر بدانی چه مقامی نزد من داری، بسیار می خندی!

سپس کافر پولدار را می آورند! خدا می فرماید: برای ملاقات با من چه آماده کرده ای؟ می گوید: چیزی آماده نکرده ام! خدا می فرماید: پس با آنچه بتو دادم چه کردی؟ می گوید: همه را برای وراثت گذاشتم! خدا می فرماید: چه کسی تورا خلق کرد؟ می گوید: تو! می فرماید: چه کسی بتو روزی داد؟ می گوید: تو! خدا می فرماید: چه کسی وراثت تورا خلق کرد؟

می گوید: تو! خدا می فرماید: آیا همانطور که تورا روزی دادم، نمی توانستم وراثت تورا هم روزی بدهم؟ اگر بگوئی فراموش کردم، هلاک هستی! اگر بگویی نمی دانستم، باز هم هلاک هستی! اگر بدانی چه عذابی برایت آماده کرده ام، بسیار می گریستی!

وظایف مؤمنین

سپس کافر فقیر را می آورند. خدا می فرماید: در باره دستورات من چه کردی؟ می گوید: خدایا! مرا به بلای دنیا - فقر - دچار کردی، بطوریکه تورا از یاد بردم و این بلا مرا از عبادت تو دور کرد! خدا می فرماید: چرا مرا نخواندی تا بتو روزی بدهم؟ اگر بگویی فراموش کردم، هلاک هستی! و اگر بگویی نمی دانستم، هلاک هستی! اگر بدانی چه عذابی برایت مهیا نموده ام، گریه بسیار می کردی! بحارج 8

بعضی از زن و بچه های شما دشمن شما هستند مواظب باشید

ای مؤمنین! بعضی از زنهای شما و فرزندان شما، دشمن شما هستند! مواظب آنها باشید.

یا ایهاالذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدوا لکم فاحذروهم وان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فان الله غفور رحیم {تغابن 14}

گاهی مرد می خواهد کار خیری انجام دهد، ولی خانواده او مانع می شوند. یا مرد می خواهد به جهاد و جنگ با دشمنان خدا برود ولی خانواده اش مانع می شوند. یا می خواهد علیه ظالمین و ستمکاران قیام کند ولی زن و فرزندان او مانع می شوند و گاه با ستمکاران ارتباط برقرار می نمایند. همانند زن لوط ع و زن نوح ع که با اینکه شوهرانشان پیامبر بودند ولی با دشمنان خدا همراهی می نمودند و با پیامبر مخالفت و دشمنی می کردند.

گویند مردی پای منبر روحانی شنید که وقتیانسان بخواد صدقه ای بدهد هفتاد شیطان دستهای او را می گیرند تا مانع شوند. او به خانه اش رفت و مقداری غذا برای فقرا برداشت که نگاه همسرش جلو او را گرفت و گفت نمی گذارم چون خودمان بیشتر نیاز داریم! و خلاصه مرد دست خالی به مسجد برگشت. یکی از دوستانش گفت آیا هفتاد شیطان را دیدی؟ گفت نه ولی مادرشان را دیدم!

بعضی از فرزندان به این فکرند که کی پدرشان می میرد تا آنها به مال و ثروتی برسند! و در بعضی از مناطق هنوز پدر نمرده، فرزندان طلب میراث از پدر می کنند و حقشان را می خواهند.

اگرچه گاهی زنان و فرزندان هستند که کمک کار پدر در امور خیر هستند و مشوق او می باشند.

در هر حال انسانهای زیادی بودند و هستند که گرفتار زن و فرزندان هستند که از کارهای خیر بدشان می آید و همه اموال شوهر را برای خودشان می خواهند. در این موارد باید مرد با اعمال سرپرستی و مسئولیتی که اسلام برای او قائل

وظایف مؤمنین

شده در عین حالی که به خانواده اش ظلم نکند و اسباب راحتی آنها را فراهم کند و از نظر مالی به آنها سخت نگذراند ولی مقداری از اموالش را برای کارهای خیر بگذارد و اصلاً لازم نیست تصمیمات خود را به اطلاع خانواده اش برساند. همچنین آنهایی که می خواهند در راه خدا کار کنند ولی خانواده شان مخالفت می کنند نباید مخالفت آنها در تصمیمشان خللی وارد کند و راه درستی که انتخاب کرده اند ادامه دهند. همانطوری که وقتی امام حسین ع بطرف کربلا می رفت خیلی ها می خواستند مانع حضرت شوند و امام را منصرف کنند و از این قیام بترسانند ولی امام ع هرگز سست نشدند و راه خدا را ادامه دادند. همچنین امام راحل در قبل از انقلاب، تقریباً به این مضمون فرمودند اگر همه انس و جن یکطرف باشند و کسی مرا کمک نکند من راهی که انتخاب کرده ام ادامه می دهم. معمولاً کسی که در راه حق حرکت می کند، با موانع فراوانی مواجه می شود که نباید از این موانع، مایوس شود و باید با استقامت و اراده آهنین به مسیر خود ادامه دهد.

چشمهای خود را بر حرام ببندید

30- ای مؤمنین! مواظب چشمهای خود باشید و آنها را بر روی حرام ببندید.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ... قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ. {نور 31}

خداوند فرموده است:

«به مردان مؤمن بگو که چشمان خود را بپوشانند و اندامهای خود را از حرام حفظ کنند که این برایشان پاکیزه تر است. و به زنان مؤمنه بگو که چشمهای خود را بپوشانند و اندامهای خود را از ناروا حفظ نمایند.» {سوره نور 31}

اگر زن و مرد بتوانند کنترل چشم خود را بطور صد در صد در اختیار داشته باشند، از بسیاری از گناهان و انحرافات مصون می مانند

در حدیث از پیامبر (ص) است که فرمود:

«لکل عضو من ابن آدم حظ من الزنا فالعين زناه النظر»

«هر یک از اعضای فرزندان آدم حظ و بهره‌ای از زنا دارد که زنان دو چشم نگاه کردن است».

در عصر ما بُرنده‌ترین اسلحه دشمن، تصاویر غیر اخلاقی است. انسانها برای اینکه از طریق چشم لذت ببرند، پولهای زیادی را صرف تهیه تصاویر مستهجن چه از طریق ماهواره و چه از طریق اینترنت و ویدئو و ابزارهای دیگر می‌نمایند.

و هنگامی که چشم این صحنه‌ها را دید، دلش هوای آن را می‌کند و ای بسا که زمینه انحرافات دیگر را فراهم کند.

گاهی برای شخص این گونه تصور می‌شود که می‌توان همچو گناهانی را در این کشور و در این شهر انجام داد. بدنبال افراد مثل خود می‌رود و مجالس پارتی و رقص و غیره تشکیل می‌دهد و مقدمه‌ای می‌شود برای مفاسد و انحرافات بزرگتر.

بعنوان مثال بانندی را گرفتند که دختران و پسران را به محلی که انواع مفاسد در آنجا مهیا بود، دعوت می‌کردند. سپس در حالی که آنان به شهوات نامشروع مشغول می‌شدند، از آنها فیلم و عکس تهیه می‌کردند و بعد از چند روز سراغ او می‌رفتند و می‌گفتند که ما فیلم کارهای خلاف شمارا داریم. باید این مبلغ را بما بدهی و الا این فیلم را در اختیار پدر و مادر و همسر و دیگر اقوامت قرار می‌دهیم! و خلاصه وارد معرکه‌های خطرناکی می‌شوند که در آن قتل و تجاوز و تهدید و سرقت و غیره چیز عادی بشمار می‌رفت ..

ز دست دیده و دل هر دو فریادهر آنچه دیده بینه دل کنه یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولادزنم بر دیده تا دل گردد آزاد

رسول خدا (ص) فرمود:

«الْأَنْظَرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ ابْلِيسَ».

«نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است».

گفته‌اند شخصی بود چشم‌چران که درب مغازه خود در حالی که به هر زن و دختری که عبور می‌کرد تا جایی که می‌توانست نگاه می‌نمود، ذکر لا اله الا الله می‌گفت! یک روز یک نفر مشتری نزد او آمد و از این حالت مغازه‌دار با خبر شد. جنسی را خواست و مغازه‌دار رفت تا جنس را بیاورد. در این حین

وظایف مؤمنین

خانمی عبور کرد. مغازه دار جنس را آورد و دست مشتری داد. مشتری گفت: شما که رفتید این را بیاورید،
یک لا اله الا الله عبور کرد!

او جواب داد: عجب سبحان الله!

پیامبر (ص) فرمود:

«اگر از آسمان بیفتم و دو نیم شوم برایم بهتر است که به عورت شخصی نگاه کنم یا شخصی به عورت من
نظر نماید!».

بقیه الله برای بهتر است اگر مومن هستی

31- ای مؤمنین! در زمان غیبت کبری، منتظر ظهور امام زمان عج باشید و بقیه الله را رها ننمائید. که اگر ایمان داشته
باشید بقیه الله برای شما بهتر است.

بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین {هود 86}

آیاتی که در قرآن کریم در مورد امام عصر (ع) تفسیر شده است.

1- یومئذ یفرح المؤمنون «امام صادق (ع): در موقع قیام قائم (ع)، اهل ایمان از یاری خدا خوشحال می شوند.

2- واسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه یعنی خدا نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما روزی کرد. «امام
کاظم (ع): نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غایب است که از دیدگان مردم مخفی است و گنجهای
زمین در هنگام ظهورش آشکار می شود و هر چیز دوری برایش نزدیک می گردد.

3- والنهار اذا تجلی لیل 2 «امام باقر (ع): مراد از روز، قائم ما اهل بیت است که هرگاه ظهور کند، بردولت
باطل پیروز می شود.

4- سیروا فیها لیالی وایاماً آمنین سبأ 16 «امام صادق (ع): مراد امام زمان است که در زمان او همه راهها ایمن
است.

5- فمهلّ الکافرین امهلهم رؤیداً طارق 18 «علی بن ابراهیم در تفسیر آن گفته است که: در زمان قیام قائم، او
از جباران و طاغوتها انتقام می گیرد.

6- یرحم الله لنوره من یشاء نور 35 «علی (ع): او قائم ما اهل بیت است.

وظایف مؤمنین

- 7- والفجر «امام صادق(ع): فجر لقب قائم ما است.
 - 8- جاء الحق وزهق الباطل
 - 9- ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون
 - 10- امن يجيب المضطر اذا دعاه ويكشف السوء
 - 11- ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثين
- و...

ابو خالد کابلی می گوید:

روزی بر سرور و مولایم علی بن حسین(ع) وارد شدم و عرض کردم:

فرزند رسول خدا، خداوند ولایت چه کسانی را واجب کرده است؟ امام فرمود:

کنکر، مقام امامت از سوی خداوند به گروهی عطا شده است و اینان بر همه مسلمانان ولایت دارند.

نخستین آنها علی بن ابیطالب ... و اکنون امر امامت به من منتهی شده است سپس سکوت کرد، عرض کردم ...

چه کسی جانشین شماست؟ فرمود:

محمد حجت جهانیان است و در تورات «باقر» نامیده شده است؛ زیرا او شکافنده علوم اهل بیت است. پس از
فرزندم

محمد، فرزندش جعفر است. اهل آسمانها وی را «صادق» می خوانند.

پرسیدم: مولای من، شما همگی صادق و راستگویید، پس چرا تنها حضرت امام جعفر را صادق می خوانند؟

فرمود: پدرم از پدرش روایت کرد که رسول خدا فرمود: چون فرزندم جعفر بن محمد متولد شد، او را «جعفر صادق»
امام

زیرا فرزند پنجم وی، که او نیز جعفر نام دارد، بدروغ ادعای امامت می کند. او نزد خداوند، جعفر کذاب است،
بخوانید

خدا دروغ می بندد ... بر برادرش حسد می ورزد و چون حجت خدا در پس پرده غیبت جای گیرد راز الهی را فاش
زیرابر

می سازد در این هنگام، علی بن حسین گریست و فرمود:

وظایف مؤمنین

کذاب را می بینم که فرعون زمان و نمرود عصر را بر آن داشته، که از امر امام غایب آگاهی پیدا کند و بر خانه گویا جعفر امام عسکری سربازانی بگمارد تا بر «قائم آل محمد» دست یابد.

جعفر کذاب چنین خواهد کرد؟ امام فرمود: آری به خدا سوگند، این واقعه در «صحیفه» ای که رنجهای پرسیدم: آیا آل رسول را در آن نگاشته اند آمده است.

رسول الله، بعد چه روی می دهد؟ امام فرمود: غیبت وجود امام دوازدهم ادامه می یابد. ای ابو خالد، پرسیدم: ای فرزند

روزگار غیبت، که به امامت آن حضرت اعتراف می کنند و ایمان می آورند، از مردم هر عصر و زمانی برترند، زیرا مردم

خداوند آن گروه فرزانه را بدان پایه از خرد و دانش رسانید که غیبت را شهود می دانند.

بحق مجاهدان راستین شمرده می شوند و جان بر کفانی هستند که در برابر رسول خدا با شمشیرهای آخته با کفار اینان

گروه شیعیان پاکدل و راستگویند و آشکار و پنهان دعوتگران دین خدا به شمار می آیند. (ای ابو خالد) می جنگند. این

انتظار گشایش از بزرگترین گشایشهاست.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به اصحابش - : شما اصحاب من هستید و برادران من مردمانی هستید در آخر الزمان که مرا ندیده اند اما ایمان آورده اند برای هر کدامشان، پایداری در دین از به دست خرد کردن خار مغیلان در شب تیره سخت تر است یا همچون کسی است که اخگر شوره گز را در کف نگه دارد اینان چراغهای تابان در دل تاریکی اند خداوند آنان را از هر فتنه غبارآلود و شبگون نجات می بخشد.

- پس از شما مردمی خواهند آمد که یکی از آنان اجر و پاداش پنجاه نفر از شما را دارد عرض کردند: ای پیامبر خدا! ما در بدر واحد و حنین با شما بودیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! فرمود: اگر آنچه بر سر ایشان می آید به سر شما بیاید، مانند آنان صبر و شکیبایی نمی کنید.

- امام سجاد علیه السلام هر که در روزگار غیبت قائم ما، بر ولایت ما استوار ماند خداوند پاداش هزار شهید به مانند شهیدان بدر و احد وی را عطا فرماید.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سوگند به آن که به حق مرا نوید دهنده برانگیخت، آنان که در روزگار غیبت او بر اعتقاد به او استوار مانند از کبریت احمر کمیابترند.

فهرست:

درمواقع سختی ناراحت وسست نشوید!

فقط برخداوند توکل کنید

اموال دیگران را بناحق تصرف نکنید

دنیا شمارا گول نزنند

مبارزه شما فقط در راه خدا باشد

همیشه عدالت محور باشید

با کفار دوستی ننمائید

به وعده های خود عمل کنید

همیشه بیاد نعمتهای خدا باشید

تقوا پیشه کنید

حلال خدا حرام نکنید واز حدود الهی تجاوز ننمائید

مواظب دین وایمان خودتان باشید

مواظب نمازتان باشید

مبادا به خدا ورسول وپیمانهایتان خیانت کنید

درمقابل دشمنان ثابت قدم باشید

امر بمعروف ونهی از منکر کنید

زکات

شکر

همیشه با راستگویان باشید

از شهر وروستا برای کسب علوم هجرت کنید

در کارهای خیر از هم سبقت بگیرید

هیچگاه از شیطان پیروی نکنید

آداب ورود به منازل افراد را رعایت کنید
بسیار ذکر بگوئید و بیاد خدا باشید
سخن محکم و درست بزنید
دین خدا را یاری کنید تا خدا هم شما را یاری نماید
یاری کننده خدا باشید

خبر آدم فاسق را بدون تحقیق قبول نکنید

هیچگاه هم را مسخره نکنید

غیبت

چرا حرفی می زنید که خود به آن عمل نمی کنید؟
وقتی ندای نماز جمعه را شنیدید با عجله بسوی آن بشتابید
مبادا مال و منال شما را از یاد خدا غافل کند
بعضی از زن و بچه های شما دشمن شما هستند مواظب باشید
چشمهای خود را بر حرام ببندید

منابع

صلوات کلید رفع حاجات {محسن حسینی ارسنجانى}

خوبیها و بدیها {مؤلف}

تفسیر نمونه {آیه الله مکارم شیرازی}

تفسیر جامع {آیه الله سید ابراهیم بروجردى}

میزان الحکمه {آیه الله محمدی ری شهری}

خاندان عصمت {سید تقی واردی}

خانواده نمونه {مؤلف}